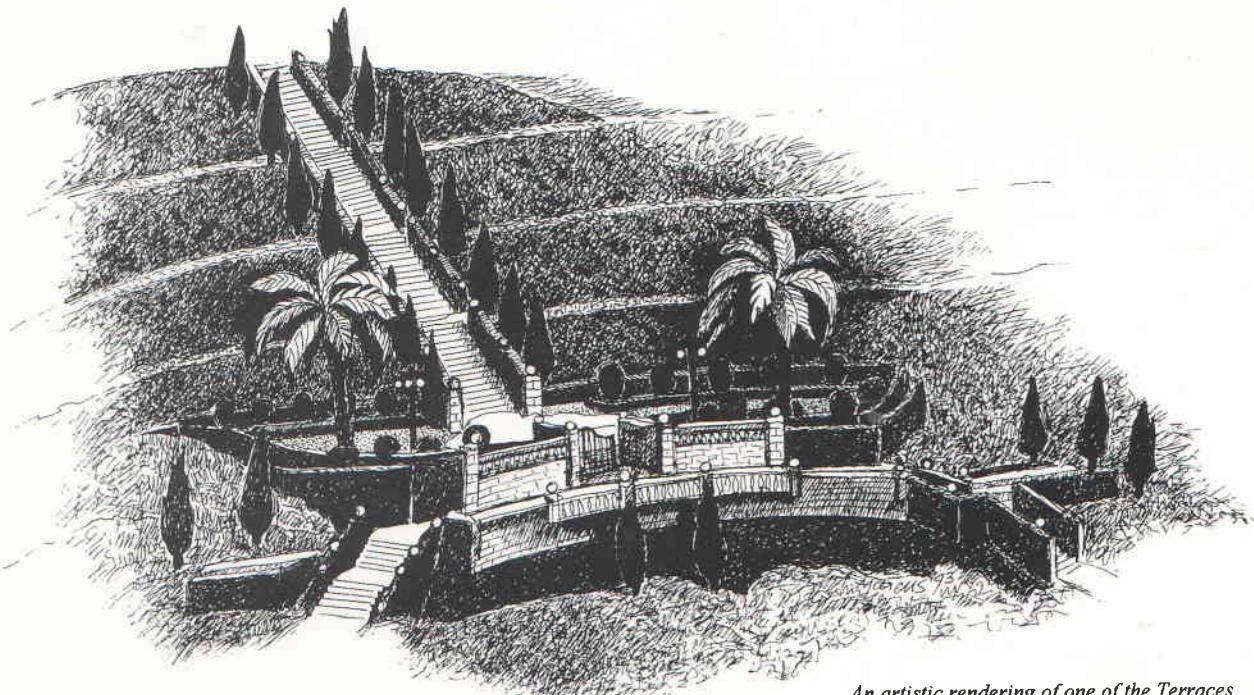


عندليب





An artistic rendering of one of the Terraces above the Shrine of the Báb.

پیلان محبوب

خدا، مخلوق عزیب درینت خصوع غیر عطفنام صفاخ ام سلطان اعیانست کجع حبیل عزیز ترینک
شنبت نفته سعادت کاملاً از دم زید و فقیت کنزاً حسنه شورزند کافر خاصه در حده ام از ده حبیل صفرا دل و جای
تایلهات هنر لست راه است زن دنیز طیب غیر شوئه شسته شناید. دنیز حسته بیدک محبت فرموده باشد
کار تهدی زیارت ترینک دفاس سالاد و زیر سرور د مردم را الطاف خود نمی پرمه زن پیگذاریم.

پیغایم تجهیز جائز

عبدالیب

نشریه مخلص و حافظی ملی بحث‌آمیان کانون
بربان فارسی

شماره ۵۰ «مندل»

No. 50

سال سیزدهم
Volume 13

بهار ۱۵۱ بیع

Spring 1994

۱۳۷۲ شمسی

‘Andalib

7200 Leslie Street. Toronto, ON, Canada, L3T 6L8

«حقاً چاپ محفوظ است»

فهرست مندرجات

صفحه

- لوح مبارک جمال قدم جل جلاله (مأخذ دارالانشاء، معهد اعلی) ٣
- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء ٤
- پیامهای بيت العدل اعظم ٦
- تصاویر پیشرفت ابنيه قوس کوه کرمل ١٤
- اسلام در آثار بهائی ١٦
- قصه در آثار بهائی ٢٠
- شعر (عید اعظم رضوان) ٢٧
- تاریخ زرین شهادت ٢٨
- عشق و محبت ٣٢
- چند رباعی اقتباس از مضامین کلمات مبارکه مکنونه ٤٥
- شعر (قبله دل - واقف اسرار دل) ٤٦
- ایادی عزیز امرالله جرج تان سند ٤٧
- شعر (قیود عالم فانی) ٦١
- شرح حال حکیم آقا جان ٦٢
- لوح مبارک حضرت بهالله ٦٦
- معرفی دو کتاب ٦٧
- الف- ندا به اهل عالم
- ب - جلد سوم مقالات و رسائل در مباحث متنوعه ٦٨
- الف- پیام به جوانان (دکتر علی مراد داودی) ٧٠
- ب - بهار امسال (دکتر فیروز برافقی) ٧١
- اخبار و بشارات امریه ٧٢
- اخبار مصور ٧٧

عکسها

- روی جلد (خارج) ۱- شرکت کنندگان در کانونشن ملی مغولستان در حضور نماینده محترم
بيت العدل اعظم امة اليها روحیه خانم عليها بهالله
- ۲- اعضاء منتخب محفل ملی مغولستان (فرستنده آقای شهریور تجاری)
- (داخل) تصویر تراسهای مقام اعلی
- پشت جلد (خارج) عده ای از احبابی قدیم همدان (فرستنده خانم سهرانگیز ثابتی)
- (داخل) احتفال هفتگی امام الرحمن شماره ۱ ارض طاء (فرستنده دکتر ناصر برجیس)

ہوا شہد والمشود

فلم على جميع دولستان رابعیت خود بشارت میفرماید و باستقامت کهربی
لصحت نیاید امروز کنوز منست و رضا هر دیون ممنوعه جاری و انجام و شناس
اچهار آفله کل بانغ منسیر در وشن گکوای طالبان معانی کوثر جانی جاری بیاشی
بیاشی مید ای فقرای ارض بحر عیات مراج و باب کرم مصوق از حق
بلسید جمع را فضل عظیم محروم فخر ماید و از کوثر بقا مجموع شارذ احمد الله کل
در منتظر که به نمکورید و بعایت آنی فائز جمد نماید تا آنچه افضل می
باشد شما ثبت شده محفوظ نماند الیوم امنا موحد ولائی عز فان آنی مشود
وسار قین خاسین از اطراف دلکین باید کل باستقامت تمام باسم مالک
یوم الدین لائی شیخه ام حفظ دارد و چون جان و حفظش جبد بنیع
بس دول فرمایند آن بقول الحق وید اپل
و ہو العزیز الحبیل .

بواسطه جناب زاربیب و علیہ السلام
اجمای گیلان علیهم السلام بحث آللله الاعلامی

بواستان

ای ثابتان بر عهد دیشان حضرت فاضل وارد و متضرع و مبتل بهایت صد
و خلوص ستایش از اجمای گیلان نزدیک شد و پیشین نامه شاچون شمامه عنبر نشر نهاد
معطه نمود که از انفاس طبیبه حضرت فاضل جمعی صدروج و منوت مسعود گردیدند
و در تحریر حقیقت هستند باری این خبر پراژربود ستایش پاک ریوان که پر توپی
بر گیلان نزد جمعی ایوم در خشیده و ثابتان شدند آن خطه و بوم در حرکت است محمود
نیت محمود است تاریک نیت روشن است بروده نیت زنده است جوانان
مانند سروران در حیا باخیل بکوشند تا در آنکه نافی موقن پستیغ گردند ریزا
مبلغ کمی بست و طایبان و مستعدان بسیار تشکان نامد افزایج ولی نادی و نهای
قلیل مبلغین قدیم صعود نموده و مبلغین حدید از فرار معلوم نقوص معدود نموده در برگردان
باید محفل درس تبعیغ تائیں شود و تحیل مسائل لازمه و معانی لامعه و اطلع بر صحیح و بر این
منظقه و مقوله گردد و گذشتہ ازین اجماعی آنی در وقت اجتماع مذکوره و صحبت را

حضر در بیان حجت و برمان کشند تا در تبلیغ مکن یابند، هر شه ای را سیراب
نمایند هرچند برگشته ای را مخلوط و شادمان نمایند هر محظوظی را منس جان
گردند و هر یاوسی را نمید وارکند. بی ضیمان اضیب هند گلگشتگان را
و هر شوند طلبانی را نورانی نمایند و شیطانی را رحانی فرمایند
امیت منی آمال عبد البهاء علیکم لجه آلا بجهی
عبد البهاء عباس

۱۳۲۸ صفر ۲۳

حیفا



ترجمة

پیام بیت العدل اعظم خطاب به عموم محافل روحانی ملی

۴ زانویه ۱۹۹۴

یاران عزیز الهی :

با آغاز عملیات ساختمانی اوئین بنا از اینیّة فخیمه ای که باید به منظور تکمیل مرکز اداری جهانی امر بهائی در جبل کرمل مرتفع شود مقتضی چنانست که اهمیت این مشروع وسیع مورد امعان نظر و مقاصد اصلیه اش مورد تأمل قرار گیرد .

مشروعاتی که در جبل کرمل در دست اجراست حائز اهمیتی شایان است . اهمیت و عظمت این مشروعات بمراتب بیشتر از آن است که صرفاً به منزله ساختمانهایی محسوب گردند که برای رفع نیازمندیهای روز افزون مرکز جهانی بهائی ساخته میشوند . دعوت یاران به اهداء تبرعات به صندوق مشروعات قوس کرمل نه تنها نباید به منزله صرف نظر از تأمین منابع مالی برای کمک به تسکین و تخفیف پریشانی هائی که دامنگیر جامعه بشری است تلقی گردد ، بلکه این اقدام فرصت مغتنمی است که به مشیت الهی برای پیروان اسم اعظم فراهم آمده تا از طریق فعالیتهای امر بهائی در مجهداتی مشارکت نمایند که علل و موجبات محن و آلام خوفناک مسلط بر جامعه بشری را ریشه کن خواهد نمود .
جامعه بهائی کوششنهایی را که مردم خیراندیش برای اصلاح اوضاع عالم و ترویج یگانگی و توافق میان اقوام و امم روی زمین معمول میدارند تشویق و تأثید میکند . ولیکن یاران الهی هرگز نباید این حقیقت را حتی برای یک لحظه از نظر دور دارند که پایه و اساس بحرانی که هم اکنون جمیع مناطق کره ارض را فرا گرفته مشکلی روحانی است . حضرت بهاء الله تأکید میفرمایند که « والَّذِي جعلَ اللَّهَ الدُّرْيَاقَ الْأَعْظَمَ وَالسَّبِيلَ الْأَنْتَ لِصَحْتَهِ هُوَ اتْحَادُ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ عَلَى امْرِ وَاحِدَةٍ وَشَرِيعَةٍ وَاحِدَةٍ » . وقوف و آکاهی ما از عمق وسعت درماندگی و مصیبتهای بسیاری از جماعات و افراد با آن دست به گریبانند باید ما را به مجهداتی برانگیزاند که منبعث و ملهم از هشیاری راسخ و تزلزل ناپذیر ما نسبت به این حقیقت است که تنها در اثر نظم جهانی حضرت بهاء الله است که میتوان مشکلات بی شماری را که جامعه بشری با آن مواجه است برطرف ساخت .

از هنگام طلوع امر بهائی شکوه و عظمت نظمی جهانی که مقدر است امر حضرت بهاء الله به منصة ظهور و بروز رساند جالب انتظار بوده است . حضرت نقطه اولی بنفسه الجلیل اعلام فرمودند که « طوبی لمن ينظر الى نظم بهاء الله و يشكرا ربّه فانه يظهر و لا مرد له من عند الله في البيان » . و حضرت بهاء الله در ام الكتاب دور بهائی تأکید فرمودند که « قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتيب بهذا البديع الذي ما شهدت عين الابداع شبهه . » کاملاً واضح و

مشهود است که اهداف عالیه امر بهائی را فقط میتوان بوسیله نظم جهانی که حضرت بهاء الله بدین منظور تأسیس فرموده اند تحقق بخشد . مقاصد عالیه امر الهی یعنی تقلیب روحانی عالم انسانی ، رهائی اقوام متباینۀ عالم از مصائب مستولیه ، حصول و ابقاء صلح حقیقی در جهان و تولد تمدن جهانی هیچیک تحقق نمی یابد مگر در اثر حصول تغییر و تحول اساسی در ترکیب و نحوه کار و فعالیت جامعه انسانی که بالضروره با رشد و به شر رسیدن نظم الهی حضرت بهاء الله ملزم دارد . مؤسسات نظم اداری بهائی که حال در اثر مساعی و مجاهدات مؤمنین و مؤمنات در اطراف و اکناف جهان تأسیس میگردد مبشر و محور و نمونه آن نظم جهانی است که به مرور زمان جمیع اهل ارض از تأثیرات ثمر بخشش مستفیض خواهند گشت .

حضرت ولی امرالله چنین میفرمایند که با نزول کتاب مستطاب اقدس ، حضرت بهاء الله « برای نسلهای بعدی احکام و اوامر اساسی را که پایه و اساس نظم جهانی حضرتش در آینده ایام خواهد بود به ودیعه گذاشته اند . » و نیز اشاره میفرمایند که افراد جامعه بهائی که در نتیجه « سه عامل ، یکی نزول لوح کرمل از یراعه مقدس حضرت بهاء الله و دیگری صدور الواح مبارکه وصایا و سوتی فرمان تبلیغی صادره از کلک مطهر مرکز عهد و ميثاق الهی حیات و نشنه جدید یافته اند ، در اثر این سه رقّ منشور که سه قوّه عظیم را بحرکت شدید آورده است روز بروز قوی تر و مقتدرتر گردیده و آن به آن مظرفتر گردند . این سه قوه عظیمه یکی علت ظهور و تکامل مؤسسات امریه در ارض اقدس ، مرکز اداری امرالله و دوستی دیگر وسیله تبلیغ و استقرار نظم اداری امرالله در سایر نقاط عالم میباشد ». این سه جریان اگر چه از یکدیگر متمایزند ولیکن اجزاء و ارکان یک امر محسوب میگردد . پیشرفتها و اقداماتی که در مرکز جهانی امرالله یعنی قلب و مرکز اعصاب نظم اداری بهائی صورت میگیرد هم در حیات هیکل جامعه جهانی بهائی تأثیر شدید دارد و هم متأثر از نبضان حیاتی جامعه مزبور است . بهترین تعبیر آنست که نظم اداری بهائی وسیله اصلی برای اجرای فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء یعنی نقشه الهی بوده و نقشه مزبور نیز واسطه پر قدرتی برای توسعه و پیشرفت سازمان اداری امر بهائی است . بنابراین برای رشد و توسعه متین و متعادل امرالله و تحقق سریع نظم جهانی باید به این هرسه جریان توجه مخصوص مبدول گردد .

عملیات ساختمانی که اکنون در جبل کرمل جریان دارد باید اقدامی تاریخی در سبیل توسعه و تقویت نخستین جریان از جریانات سه گانه مزبور محسوب گردد . جریانی که متجاوز از یکصد سال قبل حضرت بهاء الله بنفسه با برافراشتن خیمه مبارک در این جبل مقدس و نزول لوحی که حضرت ولی امرالله آن را « منشور مرآکز جهانی روحانی و اداری امر بهائی » توصیف فرموده اند آغاز نمودند . استقرار عرش مبارک حضرت نقطه اولی در سینه این کوه ، در ضریح مقدسی که حضرت عبدالبهاء بنا فرموده بودند و متعاقب آن ارتفاع ساختمان مقام اعلی بوسیله حضرت

ولی امرالله مراحل بسط و توسعه این جریان را مشخص می‌سازد. حضرت ولی امرالله هنگامی که رسمین برادر و والده حضرت عبدالبهاء را در سال ۱۹۲۹ به آرامگاه ابدی آنان در جوار مرقد حضرت ورقه علیها منتقل فرمودند در وصف این اقدام چنین می‌فرمایند که «قوای روحانی این مکان مقدس که در ظل نجاح مقام عظیم الشأن اعلیٰ واقع است به میزان غیر قابل قیاسی تقویت گردیده است.» مکان مقدسی که مقدّرات است «کانون مرکزی مؤسسات اداری باشد که ارکان عالم را مرتّعش می‌سازد، دنیا را فرا می‌گیرد و جهان را هدایت مینماید.» مؤسّساتی که پیروان حضرت بهاء اللہ برای نجاح و فلاح عالم انسانی و تحقق مقدّرات شکوهمندش مرتّفع می‌سازند.

حضرت ولی امرالله زمان کوتاهی قبل از صعودشان بنای دارالاثار را تکمیل فرمودند. بنای مزبور «اویین ینا از ابینه فخیمه ای است که مقدمه تأسیس مرکز اداری جهانی بهائی در جبل کرمل است. یعنی همان سفينة اللهی که حضرت بهاء اللہ در قسمت آخر لوح کرمل به آن اشاره فرموده اند.

در سالهای اخیر تبرّعات باران اللهی از اطراف و اکناف جهان سبب ساخته شدن مقر بیت العدل اعظم گردید. این دو مین بنا از ابینه ای است که حضرت ولی امرالله ساختمان آن را در حول قوس وسیعی که مراقد اعضاء عائله مبارکه را در بر می‌گیرد پیش بینی فرموده بودند. این موفقیت راه را در سال ۱۹۸۷ برای اعلان ساختمان ابینه باقیمانده در مرکز جهانی اداری امرالله و نیز ساختن طبقات هیجده گانه ای که حضرت عبدالبهاء در ذیل و فوق مقام اعلی در نظر گرفته بودند هموار نمود. موفقیت حاصله حاکی از اقدام اساسی در اکمال و اتمام طرحی بود که حضرت ولی امرالله آن را چنین پیش بینی فرموده بودند «انشاء تأسیسات و مشروعات بهیه بدیعه در صفح جبل کرمل و اتساع مدینه حیفا و اتصال آن مدینه به مدینه منوره عکا و تشکیل واحد عظیمی که مقر اداری و مرکز روحانی اهل بهاء را در آغوش خواهد گرفت.»

ابینه و طبقاتی که حال در دست ساختمان است مظاهر آشکار خروج امر حضرت بهاء اللہ از مرحله مجهولیت است و نقش و وظیفة قاطع امر بهائی را که مقدّر است در اداره امور عالم انسانی ایفاء نماید جلوه‌گر می‌سازد. هنگامی که ابینه مزبور تکمیل شوند علناً به مثابه مقر مؤسسات قدرتمندی جلوه خواهند کرد که مقصدشان صرفاً تأمین روجایت در عالم انسانی و صیانت و وقتیت عدالت و ایجاد وحدت در جهان است. اهمیت طبقات مقام اعلی در آینده ایام از بیان حضرت ولی امرالله کاملاً آشکار می‌گردد که این طبقات را با عبارت «شاهراه ملوك و سلاطین ارض» توصیف فرموده اند. زیبائی و شکوه حدائق و طبقات مقام اعلی که حال در جریان ایجاد است رمزی از کیفیت دکرگونی و تقلیلی است که مقدّر است در کنه قلوب مردم جهان و در محیط طبیعی کره ارض به وجود آید.

تأسیس مرکز جهانی اداری امر در کوه کرمل در این مرحله از سرنوشت بشر ضروری است. تا تحقق مقصد الهی برای جامعه انسانی را با جریان نظم جهانی حضرت بهاء اللہ تسریع نماید. در این زمان که هم نیازمندیها شدید و هم

فرصتها بی سابقه است انتظار ما از یاران الهی چنان است که با بذل منابع مالی و با فدایکاری در سیل امر الهی همچنان تقدیم مساعدات خود را به این مشروعات وسیع عمومی که جامعه پیروان اسم اعظم بدان اقدام نموده استمرار بخشنند.

جبل کرمل را حضرت اشیعاً قریب به سه هزار سال قبل چنین ستوده است : « و در ایام آخر واقع خواهد شد که کوه خانه خداوند بر قله کوهها ثابت خواهد شد و فوق تلها برافراشته خواهد گردید و جمیع امتها بسوی آن روان خواهند شد . . . » حال با ظهور رب الجنود بندگان مخلصش را در سراسر عالم به قیام برای انجام این امر خطیر که با تحققَ وعد قدیمه مرتبط است فرامیخواهیم . یاران الهی که هم خود را مصروف این خدمت عظیم می نمایند ^{ثنا} داره که از این بیان حضرت بھاء اللہ کسب الہام و روحانیت نمایند که میفرمایند : « کرمل در کتاب الهی به کوم اللہ و کرم اللہ نامیده شده . کوم تپه را میگویند و این مقامیست که در این ایام از فضل دارای ظهور خباء مجد بر آن مرتفع گشته طوبی للواردین و طوبی للمقبلین . »

با تحيّات ابدع ابھی - بیت العدل اعظم

ترجمة

پیام بیت العدل اعظم خطاب

به عموم محافل روحانی ملی

که در ۷ آپریل ۱۹۹۴ با وسانط الکترونیک مخابره شده است

یاران عزیز الهی :

جناب ژیلبرت رابرт (Gilbert Robert) پس از چهارسال خدمات بسیار ارزشمند در هیئت مشاورین قاره‌ای در افریقا به علت وضع صحی خود مجبور به استعفا شده‌اند . اطمینان داریم که جناب رابرт به طرق دیگری با خلوص و فدایکاری به خدمات خود ادامه خواهند داد و ایشان را به ادعیه محبت آمیز خود اطمینان میدهیم . برای تصدی سمتی که با استعفای جناب رابرт بوجود آمده است انتصاب جناب ادی لوتج مایا Eddy Lutchmaya از کواتره - بورنز (Quatre Bornes) در جزیره موریس را به عضویت هیئت مشاورین قاره‌ای در آفریقا برای باقیمانده دوره جاری اعلام میداریم .

با تحيّات ابدع ابھی - بیت العدل اعظم

ترجمه

پیام بیت العدل اعظم خطاب

به عموم بهائیان عالم

رضاون ۱۵۱

یاران عزیز الهی :

اکنون یکسال از نقشہ سه ساله را پشت سر نهاده ایم . سالی که در آن دگرگونی های جهان هم مورث بیم و هم مایه امید بود و هم سبب خوش بینی و هم موجب یاس میگردید . هم جرأت و شهامت مردمان تحسین آمیز بود و هم سقوط بشریت به حضیض شقاوت بر شرمداری می افزود . درگیر و دار این امتحانات و افتتانات پیروان جمال قدم جل اسمه الاعظم با بصیرت و اطمینان در تقدّم و حرکتند تا ملکوت الهی را تأسیس نمایند ، جامعه را از روحی جدید سرشار سازند و تأثیر حیات بخش تعالیم الهی را بر عame ناس جلوه گر نمایند .

در مرکز جهانی بهائی ، روز بیست و سوم ماه می شاهد آغاز دوره پنجساله جدیدی برای دارالتبیغ بین الملی بود . در اولین جلسه مشترک این هیئت با دارالتبیغ بین الملی اقدامات جدیدی که مؤسسه مزبور در دوره قبل آغاز کرده بود مورد تحسین واقع شد و ادامه و توسعه مجهودات مذکور مورد تأکید قرار گرفت . از بارزترین اقدامات دوره قبل یکی راهنمای مشاورین قاره ای برای ترویج امر ، مشورت بین مؤسسات امری و وجوه یاران در سطح محلی و ملی بود که منجر به آغاز و ادامه رشد و پیشرفت در جامعه بهائی گردید . دیگر تشریح تدریجی و تکاملی طرق مختلف تبلیغ و اشاعه امرالله بود . در طی سال گذشته این اقدامات تحرك و تشویق لازم برای توسعه و پیشرفت امر و مؤسسات امری را که بوسیله مشاورین قاره ای و اعضای هیئت‌های معاونت و مساعدینشان معقول میشود وسعت بخشید و بصیرت و تشجیع و تشویقی را که هیئت‌های مزبور نصیب محافل محلی و محلی و افراد یاران میسازند تقویت نمود .

افزایش شهرت امر در انتظار جهانیان و در نتیجه حسن توجّهی که نسبت به مرکز جهانی بهائی حاصل میگردد اهمیت اتمام ساختمان طبقات مقام اعلی و ابنيه مرکز جهانی اداری امر حضرت بهاء الله را تأکید مینماید . از زمان ارسال درخواست مخصوص به عالم بهائی برای تبع هفتاد و چهار میلیون دلار در طی نقشہ سه ساله جهت اجرای این مشروع تاکنون اقدام احباء سبب دلگرمی بوده و امید وطید آنست که ادامه روح فداکاری و افقاً موجب تسريع در تحقیق این هدف و تأمین پیشرفت بدون وقفه عملیات ساختمانی شده ، سبب جلب توجه تحسین آمیز بازدید کنندگان خارجی و اهالی این سامان به کوه مقدس خداوند گردد .

مطالعه کتاب مستطاب اقدس زندگانی افراد مؤمنین و مؤمنات را نورانیت میبخشد . آکاهی از اهمیت رعایت اصول امر الهی و اطاعت از احکام شریعت الله رو بافزایش است . تعمیم حکم حقوق الله با شور و اشتیاق استقبال^۱ شده است . آکاهی وجودانی احباء بر این نکته که تبلیغ امرالله فریضه فردی آنان است روز بروز بیشتر میشود . در اثر ایفای مسئولیتهای روحانی و فراگرفتن نحوه انتکاء بیشتر به تأییدات حضرت بهاء الله احباء در می یابند که ایمانشان نیروئی تازه و قلوشان اطمینانی جدید حاصل میکند . اینها زمینه هائی است که اقدامات فردی احباء نیازی به تشویق و تاکید دیگران ندارد . هریک از افراد احباء با این وظیفه و مسئولیت مواجه است که به تنها و بنفسه و با انتکاء صرف به قدرت رب قادر به اکتساب این فضائل روحانی که در تکامل جامعه بی اندازه مؤثر است پردازد .

منابع انسانی امر به دو طریق در حال افزایش است . نفوس برجسته و مستعد مشتاق میشوند که به امرالله اقبال نمایند و با پیوستن به صفوں نفوسی که از قبل به خدمت امرالله قائمند سبب تقویت شمل یاران گردند . یارانی که در جامعه به خدمت مشغولند بسهم خود با مطالعه عمیق تر تعالیم الهی و عمل به آنها به غنی ساختن تجارب شخصی و اکتساب توانانی و لیاقت بیشتر مألف بوده اند و با تشخیص نیاز به تزئید منظم تر معلومات امری در باره تعالیم مبارکه و بکار بستن آنها در جامعه استفاده از محافل درس تبلیغ و مؤسسات تبلیغی را با موقفیت قابل توجهی افزایش داده اند . در سالی که در پیش است این دو جریان که مکمل یکدیگرند یعنی جلب و جذب اشخاص برجسته و مستعد به امرالله و ازدیاد توانانی های جامعه باید پیش از پیش پیشرفت نماید و مشوق و محرك اقدامات فردی و توسعه متوازن مجهودات متنوع و وسیع برای ترویج امرالله گردد .

همچنانکه استعدادات و امکانات افراد احباء شکوفا میشود ، مؤسسات محلی و ملی بهائی نیز قدرت آن را می یابند تا کیفیت حیات جوامع خود را بهتر سازند و برنامه های ابتکاری طرح و اجراء نمایند . در بسیاری از نواحی محافل روحانی محلی برای نشر نفحات الله در یک منطقه با یکدیگر همکاری و مساعدت نموده اند . محافل ملی نیز مشروعات بدیعی برای اغتنام فرصت هائی که در خارج از امر پیش آمده طرح کرده اند . نمونه هایی از بعضی از این مجهودات در زمینه های کاملاً متفاوت عبارتند از : طرح توزیع نامه سرگشاده در آلبانی ، استقبال از حالت موافقی که بنحوی فوق العاده از طرف مقامات دولتی و عامه مردم در جمهوریهای ساخا (Sakha) و بوریات (Buryat) در سیبری نسبت به امر ابراز شده است . در قبال تقاضای مقامات دولتی دائز بر آنکه احباء مسئولیت اداره پنج مدرسه ابتدائی دولتی را در جزیره مارشال در مجمع الجزایر ماجورو (Majuro) عهده دار شوند موافقت نامه ای بین محفظ روحانی ملی جزایر مارشال و حکومت محلی ماجورو بامضاء رسیده است .

سیر تکاملی مؤسسات محلی و ملی بهانی میزان بیشتری از عدم تمرکز در اداره امور را میسر ساخته است . لیکن در اغلب مالک شرط ضروری و حیاتی برای توسعه این جریان مفید بهبود سریع طرز کار محافل روحانی محلی است . این امر به بذل توجه دقیق هر یک از افراد احباء نیازمند است . این مؤسسات محلی بهانی که منصوص کتاب مستطاب اقدسند منبع قدرت و هدایتی را تشکیل میدهند که در اثر حصول بلوغ و تکامل بیشتر سبب تقویت و توسعه اقدامات و خدمات امری میگردند .

ما در بین جماعتی زندگی میکنیم که احتیاجی شدید به پیام حضرت بھاء اللہ دارند . وظیفه ما اینست که این پیام را بنحوی واضح و قانع کننده تا آنجا که ممکن است به تعداد بیشتری از نفوس انسانی عرضه داریم . ظلمت و رنج و عذابی که در اطراف خود مشاهده میکنیم نه تنها نشانه های چنین نیازی است بلکه در عین حال فرصتی را برای ما فراهم میآورد که نباید آن را از دست دهیم . ابلاغ پیام تنها قدم اوّل محسوب میشود . بعد از آن باید اطمینان حاصل کنیم که پیام امر مبارک درست فهمیده شده و بکار گرفته شده است ، چنانچه در توقیعی که از طرف حضرت ولی امرالله صادر شده چنین مذکور است : « تا مردم در جامعه بهانی نموده واقعی و عملی بیشتری از آنچه خود دارند مشاهده نکنند به تعداد زیاد به امر اقبال نخواهند نمود » (ترجمه) وقتی نفوس به امر اقبال مینمایند باید از طریق تعالیم بهانی روابط خود را با یکدیگر و با هموطنانشان بنحوی توسعه بخشنند که بتدریج یک جامعه واقعی بهانی یعنی مصباح هدایت و مأمن سلامت برای سرگشتنگان بوجود آید .

بعد از وقایع پرشکوه عصر رسول امـر الـهـی ، «دخلـلـ اـفـوـاجـ مـقـبـلـینـ بـهـ شـرـیـعـهـ رـبـ الـعـالـمـینـ اـبـتـدـاـ درـ دـورـانـ وـلـیـتـ حـضـرـتـ وـلـیـ اـمـرـالـلـهـ درـ اـفـرـیـقاـ اـتـفـاقـ اـفـتـادـ وـ بـعـدـ بـهـ مـنـاطـقـ دـیـگـرـ سـرـایـتـ نـمـودـ . جـوـامـعـ بـهـانـیـ درـ مـنـاطـقـ مـنـیـورـ درـ اـثـرـ تـجـرـیـهـ بـهـ تـدـرـیـجـ روـشـهـاـ وـ بـرـنـامـهـ هـانـیـ رـاـ بـهـ وـجـوـدـ مـیـآـورـنـدـ کـهـ هـدـفـ اـزـ آـنـهـاـ گـرـدـ هـمـ آـورـدنـ تـعـدـاـتـ زـیـادـیـ اـزـ اـجـبـاءـ درـ جـوـامـعـ فـعـالـ وـ بـنـیـانـ گـزارـیـ پـایـهـ وـ اـسـاسـیـ مـسـتـحـکـمـ بـرـایـ رـشـدـ وـ بـیـشـرـفـتـ مـداـوـمـ استـ . بـهـ مـنـظـورـ کـمـکـ بـهـ اـیـنـ مـجهـوـدـاتـ وـ نـیـزـ بـرـایـ مـسـاعـدـتـ بـهـ اـحـبـائـیـ سـایـرـ مـالـکـ کـهـ چـنـینـ فـعـالـیـتـهـائـیـ رـاـ آـغـازـ وـ اـدـامـهـ دـهـنـدـ وـ نـیـزـ بـرـایـ رـفعـ تـصـوـرـاتـ نـادـرـسـتـیـ کـهـ بـهـ نـاـچـارـ درـ اـطـرـافـ چـنـینـ مـفـهـومـ بـدـیـعـ وـ مـهـمـیـ پـیـشـ مـیـآـیـدـ مـجـمـوعـهـ اـیـ اـزـ نـصـوـصـ مـبـارـکـهـ درـ بـارـهـ « تـروـیـجـ يـدـخـلـونـ فـیـ دـینـ اللـهـ اـفـوـاجـاـ » مـنـتـشـرـ شـدـهـ استـ . مـطـالـعـهـ وـ عـلـمـ بـهـ اـصـولـ وـ روـشـهـائـیـ منـدـرـجـ درـ اـیـنـ مـجـمـوعـهـ بـدـونـ تـرـدـیدـ هـرـ مـبـلغـ وـ هـرـ جـامـعـهـ بـهـانـیـ رـاـ مـسـاعـدـتـ خـواـهـدـ كـرـدـ ، اـعـمـ اـزـ اـيـنـكـهـ درـ مـنـاطـقـ باـشـدـ کـهـ دـخـلـ اـفـوـاجـ مـقـبـلـینـ سـالـیـانـ درـازـیـ استـ تـحـقـقـ يـافتـهـ يـاـ درـ مـنـاطـقـ باـشـدـ کـهـ آـثـارـ چـنـینـ تـحـوـلـیـ هـنـوزـ ظـاهـرـ نـشـدـهـ استـ . درـ مـورـدـ مـنـاطـقـ اـخـیرـ اـگـرـ بـتوـانـ اـفـرـادـ اـحـبـاءـ رـهـنـدـ وـ مـنـجـدـ وـ مـسـاعـدـتـ خـواـهـدـ كـرـدـ وـ قـدـمـیـ آـمـادـهـ سـازـنـدـ وـ مـشـتـاقـانـهـ مـتـرـصدـ قـادـرـ خـواـهـدـ سـاخـتـ تـاـ خـودـ رـاـ اـزـ لـحـاظـ رـوـحـانـیـ وـ مـادـیـ بـرـایـ چـنـینـ تـحـرـیـکـ وـ تـقـدـمـیـ آـمـادـهـ سـازـنـدـ وـ مـشـتـاقـانـهـ مـتـرـصدـ

وقوع آن باشند و به اقداماتی پزدازنده که سبب شروع چنین جریانی گردد و پیرانطی را تأمین کنند که سبب تداوم رشد و پیشرفت آن خواهد شد .

پیشرفت قابل ملاحظه در همکاری بین المللی در سال گذشته ، استقرار مهاجرین و حرکت مبلغین سیار بافت جامعه بهانی را بیش از پیش منسجم ساخته است . هادی طریق در این مجهردات حضرت امة البهاء روحیه خانم بودند که به منظور تشویق و ترغیب احباب و اعلن امرالله در صفحات روسیه و کشورهای دیگری که سابقاً جزو اتحاد جماهیر شوروی محسوب میشدند ، از کشورهای بالتیک در غرب تا سیبری در شرق و از جمهوریهای آسیای مرکزی در جنوب تا سن پطرزبورگ و یاکوتسک در شمال ، به سفری دشوار اقدام فرمودند

در این رضوان هفت انجمن شور روحانی ملی برای اولین بار منعقد میگردد . نمایندگان بیت العدل اعظم در این انجمن های تاریخی عبارتند از حضرت ایادی امرالله امة البهاء روحیه خانم برای انتخاب محفل روحانی ملی بهانیان کامبوج در پنوم پن و برای انتخاب محفل روحانی ملی بهانیان مغولستان در اولان باتار ، حضرت ایادی امرالله جناب علیمحمد ورقا برای انتخاب محفل روحانی منطقه ای بهانیان اسلوانیا و کروآشیا در لوییانا ، امة الله لورتا کینگ عضو هیئت دارالتبلیغ بین المللی برای انتخاب محفل روحانی ملی بهانیان قراقستان در آلتاتا و برای انتخاب محفل روحانی ملی بهانیان قرقیزستان در نیشک ، جناب شاپور منجّم عضو هیئت دارالتبلیغ بین المللی برای انتخاب محفل روحانی ملی بهانیان تاجیکستان در دوشنبه و برای انتخاب محفل روحانی ملی بهانیان ازبکستان در تاشکند . محفل روحانی منطقه ای فعلی در آسیای مرکزی که مرکز آن در عشق آباد است ازین پس محفل روحانی ملی بهانیان ترکمنستان خواهد بود .

پایان این قرن با شتاب نزدیک میشود . وقت بسیار کوتاه و کار بسیار زیاد است . از هریک از پیروان امر حضرت بهاء الله دعوت میشود که حد اعلای مسامعی خود را در اجرای دو وظیفه اصلی متصرف سازند : ابلاغ امرالله به نفوسي که تشنن آنند ، و تأمین منابع مالی برای اتمام مشروعات فخیمه ای که در جبل کرمل در دست ساختمن است . شرائط خارجی جامعه بشری در سال جاری هرچه باشد جامعه بهانی باید قوای خود را متصرف نماید و بکمال وضوح روش زندگی خود را با خصوصیات ممتازه آن جلوه گر سازد و با اطمینان خاطر برای ابلاغ امرالله و تبلیغ جماعات مردم قیام کند و سبب نزول و شمول بیشتر تائیدات متابعه ملا اعلی گردد . در جمیع جوانب این اقدامات ، فرد بهانی است که حامل کلید فتح و پیروزی است .

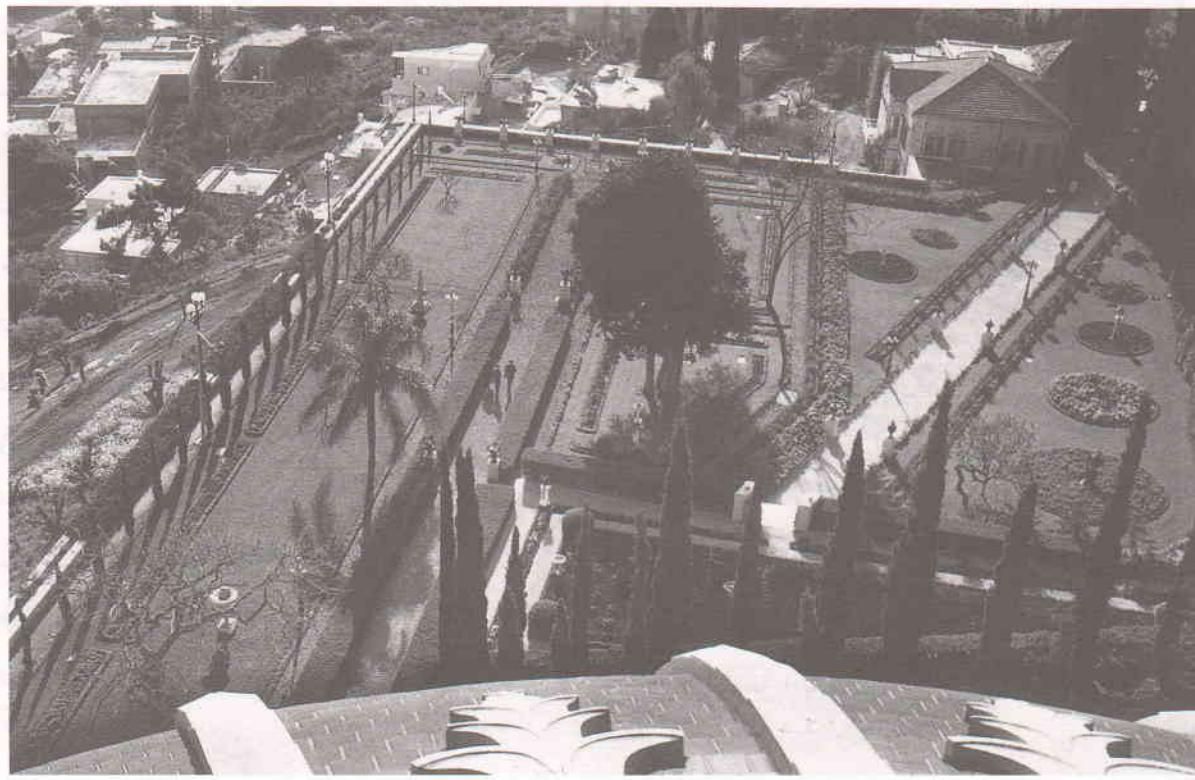
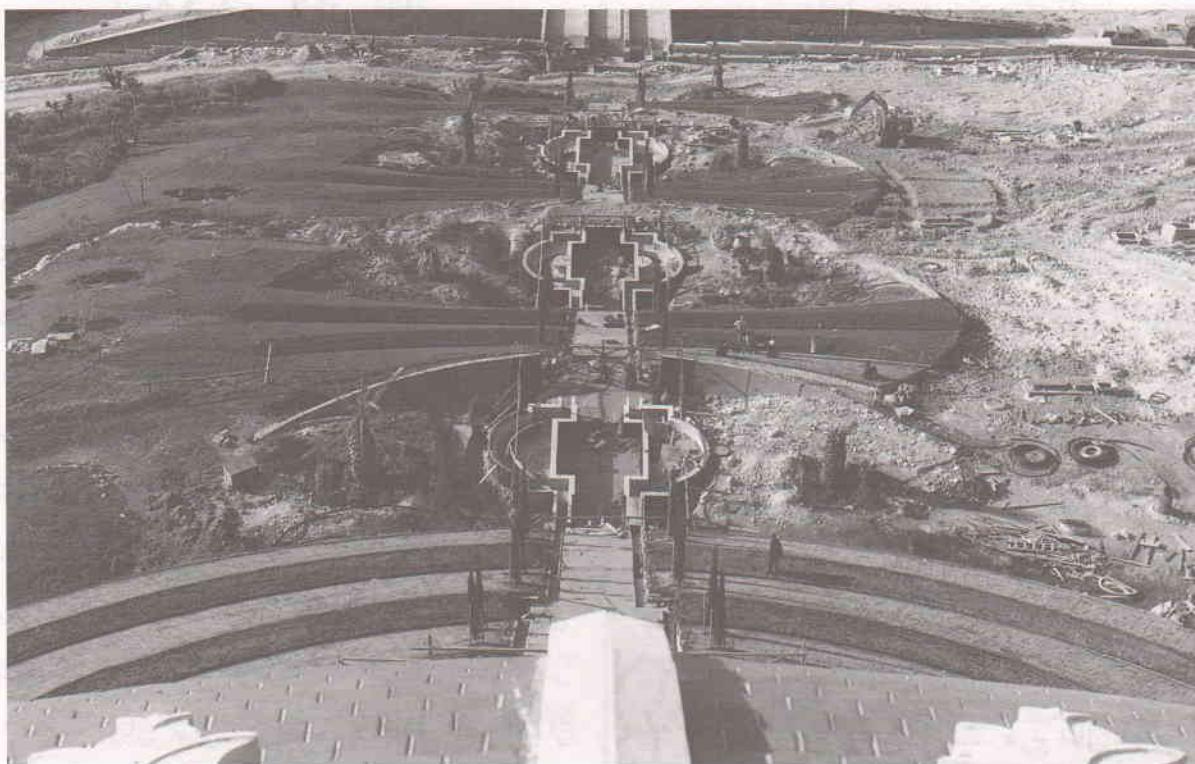
بیت العدل اعظم

مناظر پیشرفت عملیات ساختمانی قوس کوه کرمل در مارچ ۱۹۹۴



فرستنده: دایره پروژه کوه کرمل

عکاس: روحی ورقا



پیشرفت اعراب پس از ظهور اسلام مرقوم فرموده اند (۴) و نیز در سفرهای اروپا و امریکا در موقع متعدد در کلیساها و کنیسه ها خطاباتی در اثبات امر حضرت رسول و شریعت محمدی و رد اتهامات واردہ ایراد فرموده اند (۵) و طی الواح متعده بذکر محمد و نعوت حضرت سیدالمرسلین پرداخته اند و آنچه را کشیش های مبغض یا مسلمانان جاهل در باره خوارق عادات آن ذات مکرم گفته اند ، رد کرده اند .

مؤلفین و محققین بهانی در باره حضرت رسول اکرم و شریعت محمدی کلاً یا بعضاً کتبی تالیف نموده و تحقیقاتی دقیق و بی طرفانه بعمل آورده اند که از جمله میتوان به آنچه خواهد آمد اشاره کرد (۶)

۱- اشراق خاوری - عبدالحمید درج لنالی هدایت ،
جلد سوم - اصفهان ۱۰۰ بدیع (چاپ ژلاتینی) ص
۲۸۸ - ۲۱۷ ،

مطلوبی که جناب اشراق خاوری در جلد سوم " درج لنالی هدایت " آورده اند در حقیقت از سلسله دروسی بوده که در اصفهان در کلاس معارف امری تدریس نموده بوده اند . ایشان این مطالب را در سه جلد بنام " درج لنالی هدایت " تدوین کرده اند که جلد سوم آن به تاریخ دیانت اسلام و مبانی عقاید مسلمانان با توجه و استناد به آیات قرآنی اختصاص داده شده است .

۲- اشراق خاوری - عبدالحمید - قاموس ایقان (جلد) مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران ۱۲۸ بدیع
۲۱۶۶ صفحه (با اعلام)

اسلام در آثار بهائی

در آثار و الواحی که از قلم طلعت قدسیه بهانی صادر شده حضرت محمد رسول الله و ائمه اطهار به نعوت و اوصاف و مقامات عالیه ستوده شده اند . طبق تحقیقی که جناب دکتر ریاض قدیمی بعمل آورده اند جمال مبارک حضرت محمد را از جمله ۹۹ لقب و نعمت ستایش فرموده اند (۱) مجملًا میتوان به چند لقب ذیل اشاره کرد : سید رسل ، سیدالمرسلین ، شمس الاحدیه ، شمس بطحاء ، فخر رسل ، سلطان اصفیاء طلعت محمدیه و ...

یکی از الواح عمدۀ ای که از قلم جمال اقدس ابھی نازل شده زیارت نامه حضرت سیدالشهداء است که در ۹ صفحه بزیان عربی در ذکر شهادت و مظلومیت آن سید ابرار میباشد (۲)

افزون بر آن باید به صدھا آیات مبارکه که در الواح متعده از قلم جمال مبارک در تجلیل و تکریم آن سید رسل ، نازل شده اشاره کرد که خود محتاج تحقیقی مفصل و جداگانه است .

حضرت عبدالبهاء در کتاب " مفاوضات " در فصل اول تحت عنوان " تاثیر انبیاء در ترقی و تربیت نوع انسان " فصلی را به " حضرت محمد اختصاص " اختصاص داده و تاثیر ظهور ایشان را در تربیت و ترقی و تعالی اعراب شبھ جزیره عربستان در ظل دیانت اسلام و

تمدنی که اسلام بنیان نهاده سخن گفته اند (۳)
هم چنین حضرت مولی‌الوری در " رساله مدنیه " مطالب مفصلی در باره توسعه تمدن اسلامی و ترقی و

مسلمانان و فرق مختلفه اسلام را بیان کرده است .

۴ - بالیوزی - حسن مؤفر - محمد و دوره اسلام (انگلیسی) ناشر جرج رونالد - انگلیسی ۱۹۷۶ - ۴۲۲ صفحه ایادی امراهه جناب بالیوزی که محققی عالیقدر بودند کتاب حاضر را به مقدمه و دو بخش تقسیم کرده اند - بخش اول تحت عنوان (بنیان گذار اسلام) به حیات حضرت رسول اکرم و حوادثی که در آن دوران بر وجود مبارک گذشته پرداخته و در بخش دوم (دوران اسلام) به حوادث و تطورات مهم حکومت اسلامی و سلسله های خلفا پس از رحلت پیغمبر و اوج و حضیض تمدن و فرهنگ اسلامی اشاره کرده است .

این کتاب در نوع خود دقیق و مستند است .

۵ - روشنی - روحی ، خاتمیت مؤسسه معارف بهانی ، کانادا - چاپ دوم ۱۵۰ بدیع ۸۲ صفحه مؤلف شهید در این رساله به مفاهیم و اصطلاحات متعددی از قبیل : رسول ، نبی ، امام ، قیامت ، خاتم تجدید شریعت ، احادیث ، روز خدا و رب ، مهدی و عیسی را مورد بحث قرار داده و در هر مورد به آیات قرآنی و احادیث معتبر استناد جسته است .

۶ - فاضل مازندرانی ، اسدالله - امر و خلق - جلد دوم چاپ هوم لجنه ملی نشر آثار امیری بزبان فارسی - آلمان ۱۴۱ بدیع مؤلف فقید در سلسله مجلدات چهارگانه امر و خلق در جلد دوم (باب چهارم) تحت عنوان (راجع به مظاهر الهیه و ادیان و امور و شئون مرتبط به آن بکرأت به مقام و شئون حضرت رسول اکرم با استناد به آثار مبارکه اشاره کرده و به ادای توضیحات کافی پرداخته اند .

این کتاب چنانکه از نام آن مستفاد میشود قاموس

لغات و اصطلاحات مندرجه در ایقان شریف است .

مطالبی که در این کتاب در جواب سوالات خال اکبر نازل شده مجملأ بدینقرار اند : " علامات ظهور موعود ، مسئلله خاتم النبیین قیامت کبری ، رجعت پیغمبر و ائمه اطهار ، لقاء الله و قیامت ، مسئلله تحریف کتب آسمانی ، حشر و نشر و قیامت ، زنده شدن مردگان " مؤلف فقید در توضیح مسائل مندرجه در ایقان شریف الزاما به مواضیع متعدد تاریخی و فقهی و عقیدتی اسلامی اشاره کرده و علاوه بر نقل آیات متعدد از قرآن کریم و احادیث اسلامی به نظریات فقها و علماء محدثین مسلمان و کتب آنان اشاره کرده و با احاطه کم نظری که به معارف اسلامی داشته اند صفحه ای از این کتاب نیست که در آن آیه یا آیاتی از قرآن مجید یا احادیث مرویه نقل نشده باشد . این اثر عظیم را میتوان به یک اعتبار دانرة المعارف کوچک اسلامی (البته با توجه به اصول عقاید بهانی) دانست .

۲ - بخت آور - کمال الدین ، تاریخ و عقاید ادیان و مذاهب اسلامی ، جلد اول طهران چاپخانه کیلان ۱۲۲۹ شمسی ۴۲۰ صفحه مؤلف شهید در این کتاب ابتدا در باره منشاء تاریخی دین و تحولات ادیان سخن گفته و سپس تاریخ و عقاید ادیان سامی (کلیی ، مسیحی و اسلام) را نقل نموده است .

فصل پنجم کتاب به تاریخ اسلام اختصاص داده شده که از تاریخ اعراب قبل از اسلام آغاز شده سپس به ظهور رسول الله و تاریخ حیات آن حضرت و حوادث مهمه صدر اسلام پرداخته و در خاتمه رنویس عقاید

مسئله خلافت و پیدایش فرق مختلفه اسلامی اشاره شده است.

۱۰ - قدیمی - دکتر ریاض - سید رسول حضرت محمد - اسلام و مذاهب آن - کانادا ۱۹۸۸ بدیع ۲۵۰ صفحه کتاب به سه فصل تقسیم شده است - فصل اول : مهد اسلام (عربستان)الوضع و احوال جزیره العرب قبل از اسلام ، تولد و اصل و نسب و شجره نامه رسول الله ، بعثت آنحضرت و حوادث و وقایع پس از بعثت و اصول عقاید اسلام (قرآن - تفسیر - حدیث - فقه - تعالیم و احکام) فصل دوم (تاریخ و مذاهب) به جریان تطورات و تحولات خلافت در انشاعاب در اسلام - اسمی فرق مختلفه اسلامیه - فصل سوم - مواردی از عقاید بهائیان (با استناد به نصوص الهیه) در مورد مسائل متعدد اسلامی از قبیل زوجات رسول الله - غزوات - معراج - امامت - لقاء الله وحدت وجود - تناسخ - جبر و اختیار - قیامت و معاد (با استناد به متون بهائی) سخن به میان آمده است .

جناب دکتر قدیمی رساله مختصری در تاریخ ادیان (۲۵ صفحه) دارند که ابتدا در باره ادیان شرق دور (بودا ، برهما و کنفیسیوس) سخن گفته سپس در باره ادیان مسیحی و کلیمی و سرانجام دیانت اسلام (۷ صفحه) مطالبی آورده اند .

۱۱ - مؤمن - دکتر مؤذن - شیعه اسلام (انگلیسی) ناشر جرج رونالد - انگلستان ۱۹۸۵ م ۲۶۲ صفحه - مؤلف فاضل در این کتاب تحقیقی ابتدا به نقل تاریخ حیات پیغمبر اکرم پرداخته ، سپس مسئله جانشینی

۷ - فاضل مازندرانی - اسدالله - رهبران و رهروان ۰ مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران - طهران ۱۳۲۲ بدیع این کتاب به سه بخش تقسیم شده است بخش اول به تاریخ و عقاید دیانت مسیحی اختصاص داده شده و در بخش دوم از تاریخ پیدایش اسلام و اصول عقاید آن و تحولات حکومت اسلامی و خلفا بعد از رحلت پیغمبر و رنویس اعتقادات مسلمانان و آیت قرآن کریم می‌نماید بحث کرده اند . مؤلف در بخش سوم آن نسبت بمعنوی دیافت بهانی پرداخته است .

۸ - فروتن - علی اکبر - اسلام و دیانت بهانی - طهران - لجنه ملی نشر آثار امری ۱۳۲۹ شمسی - ۲۱ صفحه بطوریکه در آغاز این مقال گفته شد در آثار طلعت قدسیه بهانی آیات و الواح متعددی در باره مقام و شنون رسول الله و ائمه اطهار وجود دارد . ایادی امرالله جناب فروتن شمه ای از این نصوص را جمع آوری کرده اند که در رساله ای تحت عنوان فوق چاپ گردیده است .

۹ - فیضی - محمد علی - تاریخ دیانت اسلام ۱۳۴۱ شمسی - سازمان چاپ و انتشارات کیهان - طهران ۱۲۰ صفحه مؤلف فقید در سلسله تاریخ ادیان که در ۴ جلد تألیف کرده اند مجلدات اول و دوم در مورد ادیان کلیمی و مسیحی سخن گفته سومین مجلد را به دیانت اسلام اختصاص داده اند در این مجلد که به ۴۲ بخش تقسیم شده از وضع جغرافیانی جزیره العرب و اعراب جاهلیت ، حیات و بعثت حضرت رسول اکرم و حوادث پس از بعثت نزول قرآن مجید و صفات جهانی و روحانی پیغمبر اکرم سخن رفته و بالاخره به

بااهتمام محی الدین صبری .

۲ - مفاوضات عبدالبهاء چاپ قاهره - ناشر فرج الله ذکری الكردی .

۴ - رساله مدینه - اثر قلم حضرت عبدالبهاء چاپ چهارم - لجنه ملی نشر آثار امری بزیان فارسی - آلمان ۱۹۸۴ میلادی .

۵ - مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء - لجنه ملی نشر آثار امری بزیان فارسی - آلمان ۱۹۸۴

۶ - اسمای مؤلفین به ترتیب حروف تهجی نوشته شده است .

Muhammad and Course of Islam - ۷

The Bahai' Faith and Islam. - ۸

بقیه از صفحه ۴۳

موفقیت ما در تبلیغ موکول به توجه دقیق به بیان مبارک حضرت ولی مقدس امرالله است که آن را نتیجه نهانی و مسک الختام عرایضم قرار می دهم ترجمه مصوب بیان مبارک به فارسی چنین است :

« مردم هرگز امر عزیز الهی را نخواهند پذیرفت مگر آنکه در جامعه امر درست همان چیزی را بیابند که جهان امروز فاقد و عاری از آن است یعنی محبت و یگانگی . » (۱۵۹)



پیغمبر و ایجاد اختلاف پس از رحلت آن حضرت و نیز تاریخ تحولات شیعه را در اوائل اسلام و قرون اخیر مطالعه کرده و از مسائل امامت و غیبت و رجعت - احکام فقهی و اجتماعی شیعیان ، تصوف و متصوفه وضع شیعه در عصر حاضر - وقایع مختلفه ای که در تاریخ شیعه روی داده . امرا و سلاطین شیعی مذهب - شرح حال بعضی از علمای نامدار شیعه سخن رفته است .

۱۲ - مؤید - دکتر حشمت - امر بهانی و اسلام (انگلیسی) مؤسسه مطبوعات مطالعات بهانی کانادا - اتاوا - ۱۹۹۰ - ۱۴۶ صفحه .

این نشریه مجموعه ایست از مقالات نویسندهای بهانی در باره این موضوع است که توسط محقق ارجمند جناب دکتر مؤید تنقیح و تدوین گردیده است .

۱۳ - نعیم - میرزا احمد - احسن التقویم یا گلزار نعیم - گردآورنده عبدالحسین نعیمی - مؤسسه ملی مطبوعات بهانی هند - دهلی جدید - ۱۱۷ بدیع ۲۲۰ صفحه در بخش اول این کتاب که تحت عنوان (ادله نقلیه) آورده شده (۱۵۰ صفحه اول کتاب) در منظمه های ۹ بیتی در استدلال در اثبات ظهور حضرت بهاء الله آیات متعدد از قرآن کریم و احادیث اسلامی نقل نموده است . در بقیه صفحات کتاب دلائل عقلی متعدد در اثبات امر بهانی انشاد کرده است .

۱- سید رسول حضرت محمد و مذاهب اسلام صفحه ۱۲۶

۲ - مجموعه الواح مبارکه - چاپ قاهره (مصر)

دکتر وحید رأفتی

«الحكایة» حسن مودب گفت که روزی شیخ اشیخ ابوسعید ابوالخیر^۱ در نشاپور از مجلس فارغ شده بود و مردم رفته بودند و من در خدمت شیخ ایستاده بودم چنانکه معهود بود و مرا وام بسیار جمع آمده بود و دلم بدان مشغول بود که تقاضا می کردند و هیچ معلوم نبود و مرا می بایست که شیخ در آن سخن گوید و نمی گفت شیخ اشارت کرد که واپس نگر، بنگریستم پیروزی دیدم از در خانقاه می آمد من بنزدیک وی شدم صره بین داد گران سنگ و گفت صد دینار زر است پیش شیخ برو بگوی تا دعایی در کار من کند. من بستدم و شاد شدم و گفتم هم اکنون و امها باز دهم پیش شیخ بردم و بنهادم. شیخ اینجا منه بردار و می رو تا بگورستان حیره آنجا چهار طاقیست نیمی افتاده و در آنجا شو، پیری آنجا خفته سلام ما بدو برسان و این زر بوبی ده و بگوی که چون این نمایند باز نمای تا بگوییم دیگر بدهند و ما آنجاییم تا تو باز آبی.

حسن گفت من بآنجا رفتم که شیخ اشارت کرده بود در شدم پیری را دیدم سخت ضعیف طنبوری در زیر سر نهاده و خفته او را بیدار کردم و سلام شیخ بدو رسانیدم و آن زر بدو دادم آن مرد فریاد در گرفت و گفت مرا پیش شیخ بر، پرسیدم که حال تو چیست پیر گفت من مردی ام چنین که می بینی و پیشنهاد

۱ قسمت های دیگر این سلسله مقالات در شماره های قبلی مجله عندليب به طبع رسیده است.

قصه در آثار بهائی

داستان پیر چنگی :

در یکی از الواح مبارکه ای که از قلم جمال اقدس ابھی به افتخار جناب «نبیل قبل علی» عز نزول یافته به اختصار ذکری از قصه پیر چنگی شده است. عین بیان

جمال قدم در لوح مذبور چنین است ،

قد رجعنا من بیت اخینا و دخلنا الیت اذا حضر
كتابك و قرئ تلقا الوجه بتمامه ... ذكر پیر چنگی
شوده بودید نعم ما ذکرت چه که در این ظلمت
احزان باین ذکر فرحی حست حله لنشاء الله چنلا
معنوی را به اتمام روحانی به لسم تیر لفق سماء معانی
لازم تلقید .

نسنل الله بان ينصرك و يظهر منك ما يفرح به قلوب
المخلصين ... (۱)

پیر چنگی که در این لوح به آن اشاره کشته حکایتش در دفتر اول مشنوی مولوی مذکور شده و شرح و بسط جزئیات آن قصه ایات عدیده را بخود اختصاص داده است. قبل از مولوی، عطار در نیمه اول قرن هفتم اسلامی قصه پیر رباب زن را که مشابه قصه مولوی است در مصیبت نامه به نظم در آورده بود و قبل از عطار در اوآخر قرن ششم اسلامی محمد بن منور در اسرار التوحید قصه پیر طنبور زن را به نشر حکایت کرده بود چنین بنظر میرسد که آنچه در اسرار التوحید آمده قدیمی ترین صورت این قصه باشد و دیگران اصول قصه را از آن اقتباس نموده باشند. حکایت پیر طنبور زن آنطور که در اسرار التوحید آمده چنین است:

بود پیری عاجز و حیران شده
 سخت کوش چرخ سرگردان شده
 دست تنگی پایمالش کرده بود
 گرگ پیری در جوالش کرده بود
 بود نالان همچو چنگی راضطراب
 پیشه او از همه نقلی ریاب
 نه یکی بانگ ریا بش می خرید
 نه کسی نان ثوابشو می خرید
 گرسنه مانده نه خوردی و نه خواب
 برهنہ مانده نه نانی و نه آب
 چون نبودش هیچ روی از هیچ سوی
 برگرفت آخر ریاب و شد بکوی
 مسجدی بود از همه نوعی خراب
 رفت آنجا و برد لختی ریاب
 رخ بقبله زخم را بر کار کرد
 پس سرو دی نیز با آن یار کرد
 چون بزد لختی ریاب آن بیقرار
 گفت یا رب من ندانم هیچ کار
 اینچه میدانستم آن آوردمت
 خوش سماعی با میان آوردمت
 عاجزم پیرم ضعیفم بیکسم
 چون ندارم هیچ نان جان می بسم
 نه کسم میخواند از بهر ریاب
 نه کسم نان میدهد بهر ثواب
 من چو کردم آن خود برتونثار
 تو بکریمی نیز آن خود بیار
 در همه دنیا ندارم هیچ چیز
 رایگان مشنو سماع من تو نیز

من طنبور زدن است چون جوان بودم بنزدیک خلق
 قبولی عظیم داشتم و درین شهر هیچ جای دو تن بهم
 نبودندی که من سوم ایشان نبودمی و بسیار شاگردان
 دارم اکنون چون پیر شدم حال من چنان شد که هیچ
 کس مرا نخواندی تا اکنون که دست تنگ شدم و من
 هیچ شغلی دیگر ندانم و مرا از خانه برون کردند و
 گفتند ما ترا نمیتوانیم داشت و ما را در کار خدای
 کن راه فرا هیچ ندانستم بدین گورستان آمدم و بدرد
 بگریستم و با حق تعالی مناجات کردم که خداوندا هیچ
 پیشه ندانم و جوانی و قوت ندارم همه خلقم رد کردند
 اکنون زن و فرزند نیز مرا بیرون کردند اکنون من و
 تو و تو و من امشب ترا مطربی خواهم کرد تا نام
 دهی تا بوقت صبح دم چیزی میزدم و میگریستم چون
 بانگ نماز آمد مانده شدم بیفتادم و در خواب شدم تا
 اکنون که تو آمدی .

حسن گفت با هم بنزدیک شیخ آمدیم و شیخ هم آنجا
 نشسته بود. آن پیر در دست و پای شیخ افتاد و توبه
 کرد شیخ گفت ای جوانمرد از سر کمی و نیستی و بی
 کسی در خرابه نفسی بزدی ضایع نگذاشت . برو و هم
 با او میگویی و این سیم میخور پس روی بمن کرد و
 گفت ای حسن هرگز هیچ کس در کار خدای تعالی
 زیان نکرده است این او را پدید آمده بود از آن تو
 نیز پدید آید حسن گفت دیگر روز که شیخ از
 مجلس فارغ شد کسی بیامد و دویست دینار زر بمن
 داد که پیش شیخ بر شیخ فرهود که در وجه اوام
 صرف کن پس دلم از اوام فارغ گشت . (۲)
عطار این قصه در مصیبت نامه چنین به نظم در آورده است ،

کار من آماده کن یکبارگی

تا رهانی یام از غمخوارگی

چون زبس گفتن دلش درتاب شد

هم در آن مسجد خوشی درخواب شد

صوفیان بو سعید آن پیر راه

گرسنه بودند جمله چند کاه

چشم در ره تافتوحی دررسد

قوت تن قوت روحی در رسد

عاقبت مردی درآمد با خبر

پیش شیخ آورده صد دینار زر

بومه داد و گفت اصحاب تراست

تا کنند امروز وجه سفره راست

شد دل اصحاب الحق خوش ازان

رویشان یفروخت چون آتش ازان

شیخ آن زرداد خادم را و گفت

درفلان مسجدیکی پیری بخت

با ریایی زیر سر پیری نکوست

این زر او را ده که این زر آن او است

رفت خادم برد زر درویش را

گرسنه بگذاشت قوم خویش را

آن همه زر چون بدید آن پیر زار

سریخاک آورده گفت ای کردگار

از کرم ، نیکو غنیمی میکنی

با چو من خاکی ، کریمی میکنی

بعد از اینم گرنیارد مرگ خواب

جمله از بهر تو خواهم زد ریاب

می شناسی قدر استادان تو نیک

هیچکس مثل تو نشناسد ولیک

چون تو خود بستوده چه ستایمت

لیک چون زربرسدم باز آیمت

هر کرا در عقل نقصان او فتد

کار او فی الجمله آسان افتاد

لامرم دیوانه را گرچه خطاست

هرچه میگوید بگستاخی رو است

خیر و شر چون جمله زینجامیرود

نوحه دیوانه زیبا میرود (۲)

اما قضیه پیر طنبور زن و یا بقول عطار رباب زن ،

در مشنوی مولوی بصورت داستان پیر چنگی با این

بیت آغاز میشود که :

" آن شنیدستی که در عهد عمر

بود چنگی مطربی با کر و فر " (۴)

اگر چه عناصر اصلی قصه در مشنوی مولوی ثابت مانده

اما جزئیات آن تغییر کلی نموده و با تفصیل و شاخ و

برگ بیشتر شرح و بسط یافته است . خلاصه حکایت

پیر چنگی در مشنوی چنین است که در دوره خلافت

خلیفه دوم عمر چنگ نواز با مهارتی که زخمه چنگش

جانفزا و شادی بخش بوده و دمتش محافل و مجالس

را می آراست و نغمه ساز و سرودش قیامت بپا مینمود

به سنین کهولت رسید . پشتیش خمیده کشت ،

ابروانش بر چشم فرو افتاد و باز جانش از شدت عجز

پشه گیر شد . صدای لطیفش از دست رفت و نوای

ساز طرب انگیزش کم مایه گردید . کر و فرش فرو

نشست ، بازار مقبولیتیش به کسادی گرانید و فقر و

مسکنتی که برایش به ارمغان آورد ، پیر را بکلی

مستأصل نمود . سرانجام روزی از فرط نیاز به درگاه

حضرت بی نیاز روی آورد و بخدا ندا در داد که

باری عمر گورستان را دیگر بار کشت و چون جز پیر
چنگی دیگر کمی را در آنجا نیافت یقین کرد که
بنده خاص خدا همان پیر پریشان حال است . لذا با
ادب نزد او رفت ، چون به او نزدیک شد عمر را
عطسه بر گرفت و از صدای عطسه خنیاگر ، پیر از
خواب برجست و در بالای سرخود خلیفه مسلمین عمر
را دید . پیر رنجور از وحشت آنکه نکند محتسی
برای دریند کشیدن او آمده باشد ترسانع و لرزان شد
و رنگ خویش بکلی بباخت ، بقول مولوی :

پس عمر کفتش مترب از من مرم
کت بشارتها ز حق آورده ام

چند بیزان مدحت خوی تو کرد

تاعمر را عاشق روی تو کرد

پیش من بنشین و مهجوری مساز

تابه گوشت گویم از اقبال راز

حق سلامت می کند ، می پرسد

چونی از رنج و غم ان بی حدت

باری عمر پس از ابلاغ پیام الهی زری را که با خود
آورده بود به پیر داد و از او خواست که چون زر تمام
شود باز به گورستان بیاید .

پیر چنگی از بشارت بخشش الهی بر خود می تپید ،
دست می خایپد ، جامه می درید و " بانگ می زد
کای خدای بی نظیر بس که از شرم آب شد بیچاره پیر " چنگی پیر از شدت شوق و هیجان بسی گریست و
آنچنان بی تاب و از خود بی خود شد که چنگ بر
زمین کوفت و آن را شکست . سپس روی به چنگ
شکسته نموده چنین گفت :

چون از همه جا رانده شده ام بدرگاه تو می آیم و
برای تو چنگ می نوازم . پس ساز خود برگرفت و به
جستجوی خدا راهی گورستان شهریشرب گشت . در آنجا :

چنگ زد بسیار و کریان سر نهاد
چنگ بالین کرد و بر گوری فتاد

خواب بردش من غچانش از جبس رست

چنگ و چنگی را رها کرد و بجست
در حالی که پیر چنگی را خواب در ربوه بود خدا
عمر را نیز به خواب افکند و روزیانی بر او فرستاد و
در خواب به او چنین فرمان داد : " کای عمر ، بنده
ما را ز حاجت باز خر "

بنده داریم خاص و محترم

. سوی گورستان تو رنجه کن قدم

ای عمر برجه زبیت المآل عام

هفتصد دینار بر کف نه ، تمام

عمر از هیبت ندا از خواب جست و میان به انجام
فرمان خداوند بست . سوی گورستان بیشرب به راه
افتاد تا شخص معهود را بیابد اما هرچه گشت جز آن
پیر فرتوت دیگر کسی آنجا نیافت ، در خود شک کرد
زیرا باور نمیکرد که " بنده خاص و محترم خدا " که
مامور دستگیری و کمک به او شده بود آن پیر زنده
پوش بیچاره بوده باشد ، بقول مولوی :

گفت این نبود دگر باره دوید

مانده گشت و غیر آن پیر او ندید

گفت حق فرمود مارا بنده ای است

صافی و شایسته و فرخنده ای است

پیر چنگی کی بود خاص خدا

حبذا ای سر پنهان حبذا

هیچو جان می گریمهوی خنده شد
 جلتش رفت و جان دیگر زنده شد
 حیرتی آمد درونش آن زمان
 که بروند شد از زمین و آسمان
 جست و جویی از ورای جست و جو
 من نمی دامن تو می دانی بگو
 قال و حالی از ورای حال و قال
 غرقه کشته در جمال ذوالجلال
 غرقه نی که خلاصی باشدش
 . یا بجز دریا کسی بشناسدش
 عقل جزو از کل گویا نیستی
 گر تقاضا بر تقاضا میرسد
 چون تقاضا بر تقاضا میرسد
 موج آن دریا بدینجا می رسد
 چونک قصه حال پیر اینجارتید
 پیروحالش روی در پرده کشید
 پیر دامن را، زکفت و گوفشاند
 نیم کفته در دهان ما بماند ...

باری مولوی چنین می گوید که پیر چنگی پس از
 بیان راز دل خود دیگر دم در نیاورد و چون مطلب
 به اینجا میرسد کلام را دیگر قدرت شرح و بیان
 نیست . مولوی در چند بیت باقیمانده این قصه به ذکر
 این دقیقه روحانیه می پردازد که برای وصول به چنین
 مرتبه ای از کمال باید آماده جان باختن بود و صد
 هزار جان در سبیل آن فدا نمود . بعد مولوی از در
 نصیحت در آمده حکایت پیر چنگی را چنین به پایان
 می برد :

گفت ای بوده حجایم از اله
 ای مرا تو راه زن از شاه راه
 ای بخورده خون من هفتاد سال
 ای زتو رویم سیه پیش کمال
 ای خدای با عطای با وفا
 رحم کن بر عمر رفته در جفا
 پیر با خود فکر میکرد که سالهای با ارزش عمر خود
 را به بطالت پشت سر کذاشت و ایام حیات را به زیر
 و بم نفمه ها و نواختن آهنگها سپری ساخته و تلخی
 فراق از یاد حق را با پرداختن به الحان و ساز خود
 به فراموشی سپرده است . پس پیر از گذران ایام خود
 به بطالت شکوه ها کرد و از نفس خود در درگاه
 خداوند که از رگ گردن به انسان نزدیکتر است
 دادخواهی نمود . عمر که شور و هیجان و گریه و بی
 قرار چنگی پیر را نظاره میکرد او را مخاطب ساخته
 چنین گفت :

پس عمر گفتش که این زاری تو
 هست هم آثار هشیاری تو
 راه فانی کشته راهی دیگرست
 ز آنک هشیاری کنایی دیگرست
 هست هشیاری زیاد ما مضی
 ماضی و مستقبلت پرده خدا
 آتش اندز زن بهر دو تا بکی
 پرگره باشی ازین هردو چو نی
 تا گره بانی بود همراه نیست
 همنشین آن لب و آواز نیست ...

چونک فاروق آینه اسرار شد
 جان پیر از اندر و بیدار شد

مدينه منوره واقع است و اشرف بقعة ارض برای دعا و
ثنا و توسل بعذات الهی محسوب میگردد ، مولوی
 محل استغاثه پیر را گورستان مخربه مدينه قرار
 میدهد تا نشان دهد که دعا را در هر جا میتوان
 بدرگاه قاضی الحاجات تقديم داشت و خرابه کناره شهر

نیز از شرافت خالی نیست ، به قول شیخ بهانی :

در میکده دوش زاهدی دیدم مست
تسیح به گردن و صراحی در دست

کفتم ز چه در میکده جا کردی گفت
از میکده هم بسوی حق راهی هست
نکته دیگر آن که انسان هر قدر عاصی و گناهکار
 باشد توبه و اتابه اش میتواند در درگاه الهی مقبول
 واقع شود . چه پیر چنگی که عمری در بی خبری غرقه
 بود چون بخود آمد و بذات الهی توسل نمود محل
 عنایت شد و مشمول عواطف رحمانیه گردید . جمال
 قدم در مناجات معروفی که ورد زبان محباً اóst
 میفرمایند :

« پروردگارا با تباء کاری و گناهکاری و عدم
 پرهیزکاری مقعد صدق میطلبیم » و در همین
 لوحی که ذکر پیر چنگی در آن شده میفرمایند :

« حق جل ذکره خود را غفور و رحیم و رحمن
 و کریم خوانده چگونه میشود به امورات جزئیه
 از احبابی خود بگذرد و با نظر رحمت باز دارد . »
 نکته دیگر آنکه پیر چنگی اگر چه به حسب ظاهر
 مردود و مطروح خلق شده بود اما محرومیت از توجه و
 اقبال خلق دال بر عدم لطف و عنایت الهی نیست ،
 چه بسیارند کسانی که اگر در چشم مخلوق مذمومند

در شکار بیشه جان باز باش
 همچو خورشید جهان جانباز باش
 جان فشن افتاد خورشید بلند
 هر دمی تی می شود پر می کنند
 جان فشن ای آفتاب معنوی
 مر جهان کهنه را بنما نوی
 در وجود آدمی جان و روان

می رسد از غیب چون آب روان
 چنانچه با مقایسه این حکایت در اسرار التوحید و
 مصیبت نامه و مثنوی ملاحظه میشود پیر در اسرار
 التوحید طنبور زن و در مصیبت نامه ریاب زن و در
 مثنوی چنگ نواز است . قصه در دو منبع اول در
 گورستان یا مسجدی در خراسان اتفاق افتاده و کسی
 که مأمور دستکیری از پیر شده از اصحاب شیخ
 ابوسعید ابوالخیر بوده است .

اما صحنه قصه مندرج در مثنوی بجای خراسان
 گورستان شهر مدينه در حجاز است و کسی که به
 کمل پیر مکلف میشود خلیفه دوم مسلمین عمر بن
 خطاب است نه مرید گمنامی چون حسن مودب .. در
 حالی که در دو منبع اول صد دینار زر به پیر
 مستاصل عطا میشود در قصه مثنوی این مبلغ به
 هفتصد دینار بالغ میگردد و از بیت المال مسلمین
 پرداخت می شود .

صرفنظر از تفاوت‌های ظاهری موجود در سه اثر فوق
 نکاتی که در زیر بنای قصه پیر چنگی نهفته است و
 در تفکرات روحانی افراد انسانی میتواند نقش عده
 پیدا نماید آن است که از هر جانی به خدا راهی
 هست . در حالی که ضریح محمد مصطفی در قلب

وسیله ای برای ترقیات روحانی و نیل به اهداف و مقاصد معنوی و تقریب به درگاه الهی مورد استفاده و بهره برداری قرار گیرد چه اکر مآل حیات ناسوتی جز این باشد تیجه اهمک در شنون عالم مادی خسارت اندر خسارت و مرارت اندر مرارت خواهد بود .

به مناسبت آنچه در این مقاله مذکور شد ذیل مطلب را به لوح کوتاه حضرت عبدالبهاء زینت می بخشد که میفرمایند :

هوالابهی

ای ناظر به ملکوت ابهی در این عالم ظلمانی شهاب نورانی ذکر خدا است و در این تنگنای ترابی فسحت روحانی و وسعت وجودانی عرفان محبوب یکتا اگر مونس جان طلبی با ذکرش هدم شو و اگر فسحت جنان و وجودان خواهی قلب را منبع عرفان و مشرق کوکب ایقان فرما و الیاهه علیک . ع ع

یادداشتها

۱ - قسمتی از این لوح در کتاب مانده آسمانی (طهران : مؤسسه مطبوعات امری ، ۱۳۹۰ ب ۱ ج ۴ ، ص ۹۴ به طبع رسیده است .

۲ - محمد بن منزر ، اسرار التوحید (طهران : طهوری ، ۱۳۵۷) ، چاپ دوم ، تصحیح احمد بهمنیار ، ص ۸۶ ، ۸۷

۳ - فریدالدین عطار نیشابوری ، مصیبت نامه (طهران : زوار ، ۱۳۲۸) ، به اهتمام دکتر نورانی وصال ، ص ۲۴۰ - ۲۴۱
۴ - قصنه پیرچنگی که ابیات عدیده از آن نقل شد در دفتر اول مشنوی معنوی ۱ طهران : امیرکبیر ۱۳۶۲ ، بیت ۱۹۱۲ بعد مندرج است .

اما در نظر خالق محبوب و مقبول .
و بالآخره نکته اخیر آن که خداوند آن کس را که به او پناه آرد از الطاف خود محروم نمی سازدو آسمان و زمین را به خدمت میگیرد تا اراده خود را عمل سازد ،
بنا به فرموده جمال قدم در همین لوح جناب نبیل قبل علی " اجر متوجهان کعبه عرفانش ضایع نشده و نخواهد شد . " بنابراین :

دست حاجت چو برى پيش خداوندي بر

كهکريم است و رحيم است و غفور است و ودود

اما مطلب خاصی که در ورای عناصر و حوادث اصلی این قصه در لوح جناب " نبیل قبل علی " مورد توجه جمال قدم قرار گرفته تیجه گیری کامل روحانی هیکل اظهر از قصه چنگ نواز پیر و اظهار امیدواری نسبت به این مطلب است که جناب " نبیل قبل علی " به اسم نیز افق سماء معانی چنگ معنوی ساز نماید و با اعمال روحانی به نفعه سرانی پردازد . چنگ که در قصه پیر چنگی وسیله مادی برای امرار معاش و گذران زندگی روز مره بود و به قول مولوی عمری برای چنگی پیر مایه احتجاج از حق و دوری و مهجوری او از خالق شده بود در نظر جمال قدم به وسیله ای معنوی تبدیل مکردد که باید به اسم حق و با سرانگشت روحانی به نوا در آید و قلوب مخلصین را به وجود و طرب در آورد . چنین استنباطی از قصه پیر چنگی مبتنی بر فلسفه الهی امر مبارک در باره استفاده و ارزیابی جمیع وسائل و قضایای حیات مادی است . بر اساس چنین فلسفه ای آنچه در حیطه عالم ناسوت خلق شده و شرائط مادی زندگی انسانی استفاده از آنها را در ایام حیات ناسوتی ایجاب مینماید باید به منزله

عید اعظم رضوان

روح الله مديره مسيحياني

روز بزم وصال جانان است
بلبل خوشنا غزلخوان است
کوه و صحرا، کنون گلستان است
دشت روش ز برق تابان است
دانماً با نسیم غلطان است
بهر اشجار آب حیوان است
گوئیا باد عنبر افshan است
باده ناب ، حبَ یاران است
دست افسان و پای کوبان است
گوئی امروز ، روز مستان است
جلوه شمس و مه نمایان است
همچو خورشید و مه درخشان است
نور مه بین ، بشمس یکسان است
عالم امروز نور باران است
که دریغا ، بشر ، پریشان است
همه جایاس و درد و حرمان است
فیض عرفان و نور ایمان است
آخرالامر او پشیمان است
اتحاد جمیع ادیان است
خانه و ملک و مُلک ویران است
روش و راه و رسم انسان است
هو طبیعت سرشت حیوان است
بهر آلام خلق ، درمان است
همه جا صلح و روح و ریحان است
مهر و عشق و ، وفا فراوان است
هر که وارد نشد گرانجان است
نشر امر جمال سبحان است
چشم "روحی" نظر بالحسان است

متده یاران که عید رضوان است
فصل اردیبهشت و موسی گل
باغ پرسپزه و پر از ریحان
رعد غران و نعره از انها
ژاله بر برگ گل چو مروارید
بارش ابر در سحرگاهان
هردمی ، بوی گل رسدمشام
باده ناب کشته نوشانوش
هر که از دوستان حق بینی
همه سرمست عیش روحانی
در چنین روزگار فرخنده
شمس ابھی و بدر میثاقش
نور خورشید چهارده افزون
از جمال منیر ذات قدم
با چنین فضل و مكرمت گویم
عالی مبتلا به رنج و الم
داروی رفع جمله علتها
آنکه از فیض حق بشد محروم
هادم رنجهای بی پایان
جنگ دین هر کجا شود بربیا
ترک جنگ و جدال و خونریزی
زانکه خونریزی و نزاع و جدال
صلح اکبر با مر مالک دین
در ظلال نظام امر بها
زیر این خیمه جهان آرا
در پناه چنین مقام رفیع
افتخار بهائیان امروز
همه خدمتگزار امر خدا

کس نگردد ز ساحتش محروم
که کریم و رحیم و رحمان است

تاریخ زرین شهادت :

شهید مجید

سید محسن رضوی

عباس ثابت

بنظر اجمال چنین است . محسن که کودکی و نوجوانی را در ظل تربیت روحانی برادر بزرگتر جناب سعید رضوی (۱) مبلغ و ناشر عزیز امرالله سپری کرد در سن ۲۴ سالگی با دوشیزه پروین خانم همتی عقد ازدواج بست و از این اقتران دو دختر و یک پسر شمع انجمن و روشنانی دیده پدر و مادر گشتند . در طهران سالهای متقدم خدمت در لجنات امریه را وجهه همت خود داشت و برای امرار معاش بکار در دانره جنگلبانی ، بصداقت و امانت خدمت کرد . لکن همکاران در مباحث دینی و مواردی در ارتباط بدیانت بهانی او را مورد پرسش قرار میدادند و گاه مورد توهین و ستولات غرض آمیز میگردید . معذالک ایشان در نهایت متأنث و در شان یک بهانی اشکالات بین اساس آنها را پاسخ میگفت و نمی گذاشت غبار کدورت بر چهره تعصبات آنها پرده دشمنی ایجاد نماید .

باری جناب محسن رضوی بکار و خدمت خود مشغول بود تا اینکه انقلاب در کشور عزیز ایران چهره گشود ، نامبرده این پیش آمد را امری الهی دانست و هراسی نکرد . بلکه بیش از پیش بخدمت یاران قدم پیش نهاد و ادامه کارش را نیز در اداره ترک نکرد . ولی چون اخیرا احساس کرده بود او را عنقریب از اداره اخراج خواهند کرد ، لذا اتومبیلی ابتیاع نمود که تواند بهنکام بیکاری امور معاش خود را از راه حمل مسافر تأمین نماید .

و اما جام بلا که در این سالها برای احبا و اصفیا همواره سرشار بود در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۲ ش

جانباخته جاوید جناب سید محسن رضوی جام سرشار شهادت را با شکنجه در زندان نوشیه^۲ و جان در ره جانان قربان کرد : خاندان رضوی از سادات والتاباری بودند که در شهرستان قروه از توابع کردستان زندگی میگرده اند . والد سید محسن بنام سید حسن از مؤمنین کردستان بود که غیر از محسن ، سه پسر دیگر و یک دختر در سایه تربیت بهانی وی میزیستند . لکن آقا سید حسن وقتی بدرود زندگی گفت ، محسن هنوز کودکی بود که کفالت امور این خاندان بعده فرزند ارشد سعید جوان محلول گردید . مادر ایشان هم که بانوی مؤمنه ای بود بعد از فقدان شوهر خود همه شئون زندگی را حصر در تربیت روحانی و معنوی فرزندان کرد و در کمک و رعایت امور با سعید فرزند دلبند خویش شریل و سهیم گردید . مدت اقامت این خانواده در قروه زیاد طولانی نشد و به همدان برای امور تحصیل فرزندان روی آوردنند . سعید بهمراهی مادر مهریان کودکان را به تحصیل واداشت و خود که تحصیل میکرد از بھرہ کار و شغل خود زندگی آنها را بقدر مقدور تأمین مینمود . و اما شرح شهادت جناب سید محسن رضوی که بوسیله یکی از دوستان نگارش یافته و نویسنده محترم برای نگارنده ارسال داشته است . مفاد شرح حال

حضور در لجنه ازدواج را داشته روپرتو میگردند که او را نیز دستگیر و با سایرین با تومبیل خودشان میبرند". و اما تاریخ دقیق دستگیری شهید مجید محسن رضوی را نگارنده از شرح حال شهید عزیز کامران لطفی، جوانیکه در میدان شهادت گوی رشادت را ریوده، اقتباس کرده امد و همچنین تلگرافهایی که در موقع شهادت جوان مذکور و جنابان رحیم رحیمی و علی محمد زمانی از طرف معهد اعلیٰ بعلم بهانی اعلام شده، حاکی از این است که نامبردگان را در تاریخ ۵ می ۱۹۸۲ (۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۲ ش) دستگیر و بزندان اوین کسیل داشته اند. لهذا با توجه بتاریخ مستند مزبور محسن رضوی هم در همان تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۶۲ دستگیر و بزندان برده اند. بدین گونه آن اسیران را که پاسداران با خود بردنده، آن دختر دلشکسته تنها در خانه سرهنگ... ماند. پس روی منزل خود آورد و با مادر غمیدیده بجمع آوری اوراق و دیگر اسناد و کتابها پرداختند. اما فقط توanstند اوراق مذکور را همراه برداشته از خانه خود بمنازل احباء فرار نمایند و طولی نکشید که آن دیوسیرتان بمعیت محسن رضوی بخانه آمده و کتابهای امری که بجا مانده بود در کیسه ای ریخته بdest ایشان حمل به اتومبیل خود مینمایند. سه ماه این خانواده ها از سرنوشت عزیرانشان بی اطلاع مانده بودند و کسی نمیدانست که آنها را بکدام زندان برده اند. تا اینکه افشین فرزند جناب محسن رضوی که در آن مدت بجستجوی پدر در بدر بوده او را بزندان فرا میخوانند و با مشت و لگد نشانی عمومی او را میخواسته اند و

برای چند خانواده دیگر بدور آمد. و در بی پویش و جستجوی چند تن از پاسداران که بقصد هجوم بر مراکز بهانی بودند، جناب محسن رضوی که با دخترش در امر ازدواج قصد مراجعه به لجنه مربوطه داشت با چند دیگر از یاران دستگیر گردید. موضوع گرفتاری او را از قلم نویسنده شرح حالش چنین میخوانیم : "... ایشان جهت امری همراه دخترشان ترانه رضوی بلجنه ازدواج که در منزل جناب سرهنگ جلال... برگزار بود می روند. کارشان فوری بوده و بقولی قرار چنین بوده است که زود انجام گشته منزل خودشان مراجعت کنند. در این هنگام زنگ در بتصا درآمد و سرهنگ... درب را باز میکند و با عده ای از مأمورین و پاسداران روپرتو میشود. آنها ضمن سوالاتی از صاحبخانه وارد منزل شده و حاضرین در خانه را ضمن توهین مورد بازپرسی قرار میدهند. قبل از آمدن باین منزل جناب رحیم رحیمیان را نیز دستگیر و در اتومبیل خود تحت نظر داشته اند و چون میدانسته اند که در اینجا محل تشکیل لجنه ای در امور مربوط به بهانیان است، لذا برای اطلاع کامل از هویت سایر اعضاء لجنه هر نفر از افراد این منزل را باطاقی دیگر برده همراه با ضربات مشت و سیلی (بطوریکه ترانه رضوی نقل کرده است) پرسشهای راجع باعضاً دیگر لجنه و آدرس منازل آنها از آن مظلومان میخواهند و سرانجام در موقع خروج از آن منزل همه اوراق ازدواج و کتب امری خود را به اتومبیل خود حمل میکنند و اتفاقاً در این هنگام با ورود جناب کامران لطفی (۲) عضو فعال لجنه که قصد

شده بودند ، دقت شده اسمی از آن شهید نبود . تا اینکه روز بعد با یکدیگر به خاتون آباد (که از نظر دولت جمهوری اسلامی لعنت آباد خطاب کشته !) به محلی که اعدام شدگان بهانی را دفن میکنند رفتیم کسی نبود که راجع بمراقد مطلبی اظهار کند و جریت هم نداشتیم که در آن قبرستان از مأمورین چیزی پرسش نمانیم . تا اینکه در قبور سمت چپ که به اعدام شدگان اختصاص داشت ، در کنار راه عبور از درب ورودی گورستان ، نهmin قبر که پیدا بود خاک آن تازه ریخته شده ، توجه ما را بخود جلب کرد . أما آنروز ما فوری برگشتم . ولی افشین ، روز دیگری که مأمورین جهت استراحت نیم ساعته محل قبرستان را ترک کرده بوده اند ، پکمک یکی از احباء همان محل را نبیش قبرنموده به صحت حدس ما آگاه گردید ، آری همانجا آرامگاه شهید محسن رضوی بود و بنوعی که بعدها از افشین شنیدم : در روی سینه و جسد آن مظلوم هیچگونه اثر گلوله ای نبوده است و فقط سر او در قسمت پیشانی کبود و آثار ریزش خون از بینی مشهود بوده است . بلی باحتمال قوى ایشان را با شکنجه شهید نموده اند نه تیرباران " و جوانی که بر مزار شهداء بمناجات و دعا میرفته و در همان زمان دستگیری محسن رضوی کرفتار پاسداران بیرحم کشته و با آن راد مرد شهید مدتی در زندان همعنان بوده ، بعد از آزادی داستان شهامتها و مردانگی او را چنین گفته است : "... ایشان در مقابل ظلم ستمکاران با دلیری که همه متعجب بودند ایستادگی میکرد و بسنوات باز پرسان پاسخ میداد و طبق کفته یکی از

بیهیمن قرار سه بار وی را خواسته بوده اند تا بتوانند از عمومیش که فراری بوده اطلاعی بدست آورند . همسر مشارالیه را نیز سه مرتبه اجازه داده بوده اند که با شوهرش در زندان ملاقات نماید و چندین بار هم آنها جهت مصادره اموال و صورت برداری منزل ایشان میزوند و سرانجام بعد از مدتی که همسر نامبرده تقاضای دیدار مجدد از شوهر دلدرش میکند ، امکان ملاقات بدست نیاورده نا امیدانه بخانه مراجعت میکند . چه که در این اواخر قران حاکی بوده است که محسن رضوی را در زندان تحت شکنجه بی امان دلشته اند تا او را وادار به تبری کنند و بالاخره خانواده وی فقط اطلاع می یابند که آن اسیر مظلوم را به آسایشگاه منتقل کرده اند .

در مورد چگونگی شهادت جناب محسن رضوی ، باستناد نوشته (نویسنده شرح حالش) که مرگ ایشان را در اثر شکنجه تشخیص داده اند ، چنین است : "... بالاخره بعد از شش ماه یا بیشتر که از دستگیری ایشان گذشته بود شبی منزل پسر خواهر آن شهید تلفن شده و میگویند : چون محسن رضوی حاضر به اعتراف جرم خود نشد (یعنی در واقع تبری نکرد) و در این امر پاشاری نمود صبح امروز تیرباران گردید . بخانواده اش اطلاع دهید که جسدش به بهشت زهرا منتقل شد ! بنده و پسر ایشان افشین فوری صبح روز بعد به بهشت زهرا مراجعه کردیم بهمه جا و همه کس روی آوردمیم ولی اثری از حل دفن ایشان نیافتیم . تمام دفاتر مردگان و کسانیکه از یک هفته قبل بآنجا جهت دفن آورده

آگهی

آکادمی بهائی - پنجگنی

دوره هشتاد و نهم

از تاریخ ۱۱ الی ۲۱ ژوئیه ۱۹۹۴ منعقد و مخصوص
یاران فارسی زبان از چهار گوش جهان میباشد.

علاوه بر غور و تفحص در بحر ذخایر معارف
امر اعظم مطمئنیم که برنامه های متنوع این دوره
سه هفته ای جزو خاطرات شیرین و دانمی
عزیزان شرکت کننده باقی خواهد ماند.

نوه مین دوره

بعدت یک هفته از تاریخ ۱۴ الی ۲۱ ژوئیه برگزار
میگردد. این برنامه سر آغاز دوره دو ساله
تحقیق و تدقیق در آثار مبارکه و تعالیم الهیه
است. مباحثت عمده این دوره تحقیقی شامل دو
موضوع «كتاب مستطاب اقدس» و «نظم بدیع

جهان آرای الهی» میباشد.

علاوه بر استفاده از حضور استادی و دانشمندان
عزیز بهائی، حضور هنرمند عالی مقام سرکار خانم
عهدیه پاکروان ر خانزاده بر رونق و شکوه این
دوره های مخصوص خواهد افزود.

جمع مخارج برای هر یک از شرکت کنندگان
عزیز روزانه حدود ۹ دلار آمریکانی میباشد.

BAHAI ACADEMY
P.O. BOX 39, Panchgani-412 805, M.S.
INDIA

مامورین خود زندان بیشتر اعدام او بی باکی ایشان
بوده است. وی در زندان بجوانان و دیگر احبانی که
دستگیر می شدند کمک میکرد. حتی در سرمای سخت
زمستان برای آنها بوسانی لباس گرم تهیه مینمود. بهمه
قوت قلب میداد و مقاومت و پایداری در مقابل ظلم
و بیداد تشویق میکرد. "

در تلگرام بیت العدل اعظم الهی شهادت جناب محسن
رضوی را مرموز اعلام فرموده اند. چنانچه در ترجمه
پیام تلگرافی مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۸۴ چنین بیان
گردیده است (۲) : "ایذا و آزار احباء در مهد
امراله ادامه دارد و کیفیتی مرموزانه تر پیدا کرده
است. در ماه مارچ اقلام سه نفر از مسجونین در تحت
شرایط مرموزی جان داده اند. دو نفر در طهران و
یکنفر در کرمان. در جسد جناب محسن رضوی ۵۵
ساله آثار حلق آویز شدن ملاحظه شده است . . . "

۱- شادروان جناب سعید رضوی ، مبلغ و ناشر محترم امراله
که سالها در نهایت عبودیت در خدمت امراله زندگی کرد و
سالی چند پیش در کشور انگلیس جهان پرتویش را بدرود
کفت ، نگارنده با ایشان مدتی افتخار آشنانی و بندگی در
مشهد داشته ام . تا کنون کویا شرحی از خدمات آن بزرگوار
تحریر و نکارش نیافته است. امید چنان است که بعد از فقید
سعید جناب سلیمانی که ده ها چهره های تابان ناشران امراله را
بقدر کفايت کشید : در این زمان نیز این امر از سوی
مورخین و نویسنده کان ارجمند پیکری شده نامی امثال این
خادمین را دفتر روزگار ثبت و ضبط خواهند فرمود .

۲- بردیف (ل) این مجموعه شرح حال شهدا مراجعه شود .

۳- نگاه کنید به نشریه امریکن بهائی (۱۹۸۴ می)

بهروز جباری

روزی که ز عشق تو شدم بی خبر از خویش

دیدم که خبرها همه در بی خبری بود (۲)

.....

عشق آمد و شد چو خونم اندر رگ و پوست
تا کرد مرا تهی و پر کرد ز دوست
اجزای وجودم همکی دوست کرفت

نامی است ز من برم و باقی همه اوست

حضرت بهاء الله در رساله هفت وادی که متضمن بیان
مطلوب عرفانی و ذکر مراتب سیر و سلوك بوجهی بسیار
زیبا است در مورد عشق که وادی دوم است
میفرمایند :

« در این شهر آسمان جذب بلند شود و آفتاب
جهانتاب شوق طالع گردد و نار عشق برافروزد و
چون نار عشق برافروخت خرمن عقل بكلی بسوخت
در این وقت سالک از خود و غیر خود بی خبر
است نه جهل و علم داند و نه شک و یقین ، نه
صبح هدایت شناسد و نه شام ضلالت ، از کفر و
ایمان هر دو در گریز و سم قاتلش دلپذیر این
است که عطار گفته :

کفر کافر را و دین دیندار را
ذره ای دردت دل عطار را » (۴)

مطلوبه و تحقیق در باره اعتقادات عرفا در مورد عشق
می تواند زمینه تحقیقی وسیع و جالبی داشته باشد که
مستلزم فرصت بیشتری است . فقط یادی از
شهاب الدین سهروردی ، شیخ اشراق ، شیخ شهید ،

عشق و محبت

مطرب عشق عجب ساز و نوانی دارد

نقش هر پرده که زد راه به جانی دارد

علم از ناله عشاق مبادا خالی

که خوش آهنگ و فرحبخش نوانی دارد (۱)

از صدای سخن عشق ندیدم خوشترا

یادگاری که در این گنبد دوار بماند (۱)

دوستان عزیز سخن از عشق است ، مسئلله اقتصاد یا
تمکالم نیست که عده ای از دوستان نسبت به مطالibus
بیگانه یا بی تفاوت باشند ، بلکه گفتگو از عشق و
محبت است که برای همه ما مفاهیم و واژه های آشنائی
هستند . چه که همه ما پرورش یافتنگان دست محبتیم .
اگر خداوند عشق بفرزند را در قلوب مادران بودیعه
نگذاشته بود پرورش موجودات زنده ممکن نمی شد ،
بقول مولانا :

حق هزاران صنعت و فن ساخته است

تا که مادر بر تو مهر انداخته است

در آثار عرفا از عشق سخن بسیار رفته است . باعتقداد
آنان کمال واقعی را باید در عشق جستجو کرد و
هدف زندگی رسیدن به عشق واقعی والهی است یعنی
انسان آنچنان واله و مفتون و شیفتنه جمال حق شود که
وجود خود هرا فراموش کند که البته این فراموشی خود
عين آکاهی است . . .

از همه مهمتر این اعتقاد یعنی اعتقاد به اینکه علت ایجاد و خلقت عشق است در آثار مبارکه بهانی نیز تأثیر گردیده است.

حضرت بهاء الله در کلمات مبارکه مکنونه میفرمایند :

« كُنْتُ فِي قَدْمِ ذَاتِي وَ أَزْكِيَّةٍ كَيْنُونَتِي عَرَفْتُ حُبَّي فِي كَخْلَقْتَكَ وَ القيَّتْ عَلَيْكَ مِثَالِي وَ اظْهَرْتَ لَكَ جَمَالِي »

(در ذات قدیم و کینونت از لی خود بودم حبم را در تو شناختم و ترا خلق کردم ، مثال خود را در تو قرار دادم و جمال و زیبائی خود را در تو متجلی ساختم) .

و در لوحی دیگر می فرمایند :

« علت آفرینش ممکنات حب بوده ... » (۱۰)

و در جای دیگر می فرمایند :

« عالم به محبت خلق شد و کل به وداد و اتحاد مأمورند ... » (۱۱)

و همچنین می فرمایند :

« مصدر ایجاد محبت است ... » (۱۲)

حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

« خدا انسان را بجهت محبت خلق فرموده ، به عالم انسانی تعجلی محبت کرده ... » (۱۳)

می توان گفت در هیچ دیانتی باندازه دیانت بهانی عشق و محبت مورد تجلیل قرار نگرفته بطوری که رعایت حدود و انجام وظائف مذهبی نیز باید بدلیل محبت باشد نه بیم از دوزخ و یا امید به بهشت .

« اعملوا حُدُودِي حُبًا لِجَمَالِي » (۱۴)

در اشعار فارسی بصورت های مختلف از عشق یاد

عارف قرن ششم می کنم که در سن ۲۸ به دستور صلاح الدین ایوبی حاکم مصر و شام و بدلیل اینکه اعتقاداتش مغایر باورهای علمای زمان بود به فتوای علماء شهیدش کردند و گویا انکار خاتمت را سند کفر وی قرار دادند زیرا در محاکمه اش وقتی از او سوال کردند که آیا خداوند قادر است بعد از حضرت محمد (ص) پیغمبر دیگری را بیافریند سهپوردی در پاسخ آنان گفت ، قدرت خداوند مطلق است و آنچه مطلق است حد نمی پذیرد (۵) هم او بود که می گفت که من اعتقاداتم را از طریق تفکر و تعقل بدست نیاورده ام بلکه در خیلی موارد عشق و ذوق هادی من بوده است ، یکی از تألیفات او رسالت العشق است (۶) .

باعتقاد عرفانی که البته متأثر از تعالیم و احادیث اسلامی است اساس و بنیاد جهان هستی بر عشق نهاده شده و علت خلقت عالم عشق است . این اعتقاد در اشعار شعرای عارف مسلک منعکس است :

از شبتم عشق خاک آدم کل شد
صد فتنه و شور در جهان حاصل شد
چون نشر عشق بر رگ و روح رسید
یک قطره فروچید و نامش دل شد (۷)

.....
در ازل پرتو حسنست ز تجلی دم زد
عشق پیدا شد و آتش بهمه عالم زد (۸)

.....
استاد کاننات که این کارخانه ساخت
مقصود عشق بود جهان را بهانه ساخت (۹)

ای عشق این چه سود است که یک کر شمه تو
 در زیر تیغ بوسه مقتول است قاتل

 ای عشق جهان اسیر مکروفن تو است
 نبود بخطا اگر خرد دشمن تو است
 رانی تو به میدان شهادت همه را
 خون شهدای یکسره برگردان تو است (۱۷)

 آسمان گرد عشق می گردد
 بهر عشق است گند دوار (۱۸)

 ثواب روزه و حج قبول آنکس بود
 که خالک میکده عشق رازیارت کرد (۱۹)
 عشق در واقع بیان حالت محبت شدید است کما اینکه
 در صحبت های عادی نیز وقتی می خواهیم شد
 علاقه خود را نسبت بکسی یا چیزی نشان بدھیم لغت
 عشق را بکار می کیریم . من عاشق طبیعتم ، من
 عاشق آب و دریا هستم .
 عشق ممکن است به چیزهای مختلف باشد : عشق به
 زندگی عشق به فرزند ، عشق به مطالعه و تحقیق ،
 عشق به تبلیغ ، ولی متسفانه و یا شاید خوشبختانه
 وقتیکه می گوئیم فلانی عاشق شد هیچکس فکر نمی
 کند که مثلاً عاشق مطالعه و تحقیق شده باشد بلکه
 اگر مرد است چهره زنی در خاطر مجسم می شود و
 اگر زن است افکار متوجه مردی می گردد .
 این نوع عشق یعنی عشق دو انسان بیکدیگر در
 طول تاریخ بشر سرمنشاء داستانها و ماجراهای دل انگیز

شده است . از اولین شعر فارسی نیز که سالها قبل از
 ورود اندیشه های عرفانی به شعر توسط حنظله باد
 غیسی (۱۵) سروده شده بموی عشق استشمام می شود :
 آهوی وحشی در دشت چگونه دوذا
 که او ندارد یار بی یار چگونه بودا
 و بعد از آن ابیات زیبای بسیاری سروده شده که اوج
 کلام را در اشعار مولانا می توان دید :
 شادباش ای عشق خوش سودای ما
 ای طبیب جمله علت های ما
 ای دوای نخوت و ناموس ما
 ای توفا لاطون وجالینوس ما
 جسم خالک از عشق برافلاک شد
 کوه در رقص آمد و چالاک شد
 ایضا
 عاشقی پیداست از زاری دل
 نیست بیماری چو بیماری دل
 علت عاشق ز علت ها جداست
 عشق اصطلاح اسرار خداست
 هرچه گوییم عشق را شرح و بیان
 چون به عشق آیم خجل باشم از آن
 کرچه تفسیر قلم روشنگر است
 لیک عشق بی زبان روشنتر است
 خود قلم اندر نوشتن می شتافت
 چون به عشق آمد قلم برخود شکافت
 و همچنین ابیاتی از شعرای دیگر :
 بغیر سینه دریادلان نگنجد عشق
 برای بحر خدا آفریده طوفان را (۱۶)

شنیدستم که مجنون دل افکار
 چو شد از مردن لیلی گُبردار
 کریان چاک زد با آه و افغان
 به سوی منزل لیلی شتابان
 در آنجا دید طفلی ایستاده
 بهر سو دیده حسرت نهاده
 سراغ مرقد لیلی از او جست
 پس آن کودک براشافت و باوگفت
 کهای مجنون تراکر عشق بودی
 زمن کی این تمنامی نمودی
 برو در این بیابان جستجوکن
 زهر خاکی کفی بردار و بو کن
 زهر خاکی که بوری عشق برخاست
 یقین دان مرقد لیلی همان جاست (۲۱)

عشق و محبت پاک و بی شانبه افراد نسبت بهم اعم از
 زن و مرد ، پیر و جوان و کوچک و بزرگ اثر و سایه
 و لمعه ای از عشق بزرگ الهی و معنوی است .
 حضرت عبدالبهاء در کتاب مستطاب مفاضات می فرمایند : (۲۲)

« محبت عالم انسانی اشراقی از محب الله و
 جلوه ای او فیض موهبت الله است . »
 عشق دختر و پسر و زن و مرد نیز نسبت بیکدیگر
 اگر در چارچوب مقررات و ضوابط اخلاقی و طبق
 موازین امری باشد از لحاظ اعتقاد بهائی نه تنها اشکال
 ندارد بلکه بسیار مورد تحسین نیز قرار گرفته است .
 حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح ازدواج می فرمایند :

بسیار بوده است که ذوق و هنر شعرا و نویسندها کان به
 این داستانها زیبائی و شکوه بخشیده است .

آتش عشق بدین سوز نبودست نخست

هر که پیدا شده بروی زده دامانی چند (۲۰)

در طول تاریخ ملیونها زوجهای عاشق بوده اند که
 داستان دلدادگی آنان بر ملا نشده فقط تعداد کمی از
 آنان مانند لیلی و مجنون ، شیرین و فرهاد ، وامق و
 عذرا ، ویس و رامین ، یوسف و زلیخا ، همای و
 همایون ، زال و رودابه ، بیژن و منیزه ، و در غرب
 رومنو وژولیت بودند که مطرح شدند .

داستانهای دلدادگی این زوج های عاشق را شعرا
 زیادی به زیور نظم آراستند که بعنوان مثال می توان
 چند مورد را ذکر کرد . داستان لیلی و مجنون توسط
 بیش از چهل شاعر به شعر در آورده شده که از بین
 آنها لیلی و مجنون نظامی و همچنین مولانا نورالدین
 عبدالرحمن جامی (شاعر قرن نهم خلیفه صوفیان
 نقشبندی) از همه معروف ترند ، داستان وامق و عذرا
 توسط عنصری شاعر قرن پنجم بنظم کشیده شد .
 داستان ویس و رامین فقط توسط فخرالدین اسد
 گرگانی شاعر قرن پنجم بصورت شعر در آمد که
 متأسفانه تنها اثری است که از این شاعر شیرین گفتار
 بر جای مانده است .

در بسیاری از موارد ذکر داستانهای عاشقانه مذکور
 بمنظور بیان کیفیات و حالات روحانی و معنوی است .
 مثل داستان مجنون که وقتی از مرگ لیلی آگاه شد
 سراسیمه خود را بمنزل او رساند و سراغ مرقد او را
 گرفت و جواب شنید :

همه چیز مقدم بداریم و تعلقات شدید انسانی
موجب دوری ما از خدا نگردد . » (۲۷)

رو گلی جوی که همواره خوش است
باغ تحقیق از این باغ جداست

این چنین خواسته بی غش را
ز دکان دکری باید خواست
ما چو رفتیم کل دیگر هست
ذات حق بی خلل و بی همتاست
ره آن پوی کپیدایش ازاوست
لیک با اینهمه خود ناپیداست
هر گلی علت و عیبی دارد
کل بی علت و بی عیب خداست (۲۸)

کلیه شهدا در طول تاریخ مظاهر همین اعتقاد بودند
یعنی عشق به دنیا آنان را از محبوب واقعی باز
نداشت. اگر کذشت زمان به کیفیت زندگی و شهادت
عارفان جانبازی چون حسین بن منصور حلّاج عارف
اوخر قرن سوم پرده تردید و الهام کشیده است ولی
در این دور بدیع از نزدیک ناظر و شاهد زندگی
شهدانی بودیم که وقتی فرصت انتخاب یافتند از جهان
فانی کذشتند و بجمال باقی دل بستند (۲۹)

بکو منصور از زندان انا الحق کو برون آید
که دین عشق ظاهر گشت و باطل گشت مذهبها (۲۹)

حضرت بهاء الله در هفت وادی می فرمایند :
« عشق هستی قبول نکند و زندگی نخواهد حیات در
همات بیند و عزّت از ذلت جوید بسیار هوش باید
تا لایق جوش عشق شود و بسیار سر باید تا لایق
کمند دوست گردد مبارک گردنی که در کمندش

« حال این دو مرغ آشیانه محبت را در ملکوت
رحمانیت عقد اقتران بیند و وسیله حصول فیض
جاودان فرما تا از اجتماع آن دو بحر محبت موج
الفت بر خیزد ... » (۲۲)

و همچنین می فرمایند :

« ای خداوند این اقتران را سبب برکت آسمانی کن
و اسباب اشتعال به نار محبت در ملکوت
جاودانی . » (۲۴)

بنا بر این ارزش عشق ها و محبت های موجود در
دنیا وقتی ظاهر می شود که ما را به عشق حقیقی و
الهی هدایت و برای بسط و تعمیم آن بخدمت گرفته
شود که در این صورت ابدی خواهد بود .

افلاطون معتقد است که روح انسان قبل از ورود به
این دنیا زیبایی مطلق را درک کرده است و در این
دنیا وقتی با حسن ظاهری و زیبایی نسبی مواجه می
شود از آن زیبایی مطلق که قبل از درک کرده است یاد
می کند و سرشار از عشق حقیقی و الهی می شود . او
عواطف و عوالم محبت را همه شوق لقای حق می داند .
(۲۵) اصطلاح عشق افلاطونی که به عشق های پاک
اطلاق می گردد اشاره بهمین معنا است .

مراد این است که عشق به مظاهر هستی و کائنات
نباید عاشق واقعی را از عشق حقیقی و الهی باز دارد .
حضرت بهاء الله می فرمایند :

« یعنی حب شیی و اشتغال به آن او را از حب
الهی و اشتغال به ذکر او محجوب ننماید . » (۲۶)

حضرت ولی امرالله می فرمایند :

« مقام روحانی باید بدرجه ای برهنده که خدا را بر

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود
 هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
 کوه و دریا و درختان همه در تسبیحند
 نه همه مستمعی فهم کند این اسرار (۲۴)

حضرت بهاء الله در تشریح وادی طلب در هفت وادی
 داستان مجنون را که در ادبیات فارسی نیز آمده است
 ذکر می فرمایند که :

" روزی مجنون را دیدند که خاک می بیخت و
 اشک می ریخت گفتند چه می کنی گفت لیلی را
 می جویم گفتند وای بر تو لیلی از روح پاک و
 تو از خاک طلب میکنی گفت همه جا در طلبش
 می کوشم شاید در جائی بجویم . " (۲۵)

آثار لطف و محبت خداوند را در همه جا می توان
 دید . آری همه جا عکس رخ یار توان دید . (۲۶)
 شاعر معاصر این معنا را بصورت زیبایی بیان میکند:
 همه می پرسند چیست در زمزمه مبهم آب ؟
 چیست در هممه دلکش برگ ؟
 چیست در بازی آن ابر سپید روی این آبی آرام بلند ؟
 که ترا می برد اینگونه بترفای خیال
 چیست در خلوت خاموش کبوترها ؟
 چیست در کوشش بی حاصل موج ؟
 که تو چندین ساعت مات و مبهوت به آن می نگری
 نه به ابر ، نه به آب ، نه به برگ ، نه به این آبی آرام
 بلند ، نه به این خلوت خاموش کبوترها
 من به این خمله نمی اندیشم
 من مناجات درختان را هنگام سحر ، رقص عطر کل

افتاد و فرخنده سری که در راه محبتش به
 خاک افتاد . » (۲۱)

جناب عشق را درگه بسی والاتر از عقل است
 کسی این آستان بوسد که سردر آستین دارد (۲۲)

یا رب چه فرخنده طالعند آنان که در بازار عشق
 دردی خریدند و غم دنیای دون بفروختند (۲۳)
 بطور کلی اگر دیده بینا و دل صاف باشد عشق به
 مظاهر هستی اعم از کوه و دشت ، کل و کیا ،
 حیوان و انسان ما را به عشق حقیقی و الهی رهنمون
 می گردد . در دنیای ما چیزهای دوست داشتنی و
 قابل عشق ورزیدن زیاد است باید از خداوند
 بخواهیم که بما دیدی زیبا بین و ضمیری پاک عنایت
 فرماید تا زیباییهای اطراف را ببینیم و بشناسیم و
 این شناخت را مقدمه شناسانی زیبایی مطلق قرار
 بدھیم .

وقتی ما به راه پیمانی می پردازیم و به مناظر اطراف
 می نگریم شاخه های درختان ، تکه های سفید ابر در
 آسمان ، پرنده ای که از بالای سر ما می کزد ،
 صدای مبهم جنگل همه و همه مظاهر محبت و لطف
 پروردگار است که محو تماشای آنان شدن ما را به
 یاری می دهد تا افکار آزار دهنده را از خود دور
 سازیم و بشناخت عشق و قدرت الهی بپردازیم .
 برگ درختان سبز در نظر هوشیار

هر ورقش دفتری است معرفت کردگار (۲۴)
 آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
 دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

نه بیگانه یار هستند نه اغیار و به این نظر باید معامله نمود . . . »

در مناجات لقا که همه زیارت کرده ایم می فرمایند : « . . . ای رَبِّ اسقِنِی کَأْسَ الْفَنَاءِ وَ الْبِسْنِي ثُوبَ الْفَنَاءِ وَ اغْرِقْنِی فِي بَحْرِ الْفَنَاءِ وَ اجْعَلْنِی غُبَارًا فِي مَمَرِّ الْأَحِبَاءِ وَاجْعَلْنِی فِدَاءَ لِلأَرْضِ الَّتِي وَطَنَتْهَا اقْدَامُ الْأَصْفَيَاءِ فِي سَبِيلِكَ يَا رَبَّ الْعِزَّةِ وَ الْعَلَىِ . . . » در این مناجات می فرمایند مرا غبار راه احبا، قرار بده " و اجعلنى غبارا فی مر الاحباء " یعنی احبابی حق کسانی که منسوب به حق و دوستدار حق هستند . جناب فتح اعظم در یکی از سخنرانیهایشان (۴۰) بداستان درویشی عارف که در یکی از الواح حضرت عبدالبهاء، آمده است اشاره می فرمایند که وقتی خطیب به این آیه قرآن رسید " يا عبادی لانقطوا من رحمة الله " (ای بندۀ من از رحمت الهی نا امید مشو) درویش صیهۀ ای کشید و از حال رفت بعد که بهوش آمد از او علت را پرسیدند گفت فرموده است یا عبادی یعنی مرا بخودش نسبت داده است این شرف نسبت مرا منقلب کرد . آری شرف نسبت مخلوق به خالق باید دلیل محبت به آنان باشد . اگر دنیا را با این دید بنگریم عالم از محبت سرشار خواهد شد . وقتی عشق معطوف و شامل همه کائنات شد لطیف ترین عواطف بشری به شیوازیرین وجهی تجلی می نماید . عاشق واقعی یعنی کسی که ناظر به زیبائی مطلق و ابدی است به مسائل دنیا توجه ندارد و این حالت بی نیازی حسن غرور و خودپسندی را در او زائل می نماید .

یخ را با باد

نفس پاک شقايق را در سینه کوه ، صحبت چلچله ها را با صبح
نبض پوینده هستی را در کندم زار ، گردش رنگ و طراوت را در کونه کل

همه را می شنوم ، می بینم ، من به این جمله نمی اندیشم

به تو می اندیشم ای سرایا همه خوبی ، تک و تنها به تو می اندیشم

همه وقت ، همه جا من به هرحال که باشم به تو می اندیشم . (۲۷)

از طرف دیگر ایمان به حق یعنی عشق و محبت به خالق ما را به محبت خلق او ویندکان او تشویق می نماید زیرا وقتی شما هنرمندی را دوست داشتید بالطبع آثارش را نیز دوست خواهید داشت و یا اگر عاشق کسی بودید به آنچه مربوط به آن شخص بشود نیز مهر و محبت خواهید داشت .

جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست (۲۸)

این معنا در آثار مبارکه نیز فراوان آمده است .

حضرت عبدالبهاء در یکی از مکاتیب می فرمایند :

« در این دور بدیع به نصوص الهی باید با جمیع طوایف و ملل یگانگی نمود و نظر به عنف و شدت و سوء نیت و ظلم وعداوت ننمود بلکه به افق عزت قدیمه باید نظر کرد که این کائنات هر یک آیتی از رب الایاتند و به فیض الهی و قدرت ریانی به عرصه وجود قدم نهادند تهذا آشنا هستند

« ای پسر خاک جمیع آنچه در آسمان ها و زمین است برای تو مُقرَّ داشتم مگر قلوبِ را که محل نزول تجلی جلال و اجلال خود معین فرمودم و تو منزل و محل مرا به غیر من گذاشتی چنانچه در هر زمان که ظهور قدس من آهنگ مکان خود نمود غیر خود را یافت . اغیار دید و لامکان به حرم جانان شتافت و مع ذلک سِتر نمودم و سِر نگشودم و خجلت ترا نپستنیدم . »

در کتاب عهدی میفرمایند :

« ای اهل عالم مذهب الهی از برای محبت و اتحاد است او را سبب عداوت و اختلاف ننماید . »

در بشارات می فرمایند :

« یا اهل بهاء شما مشارق محبت و مطالع عنایت الهی بوده و هستید . »

حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

« فیضی در عالم وجود اعظم از حُب نیست . » (۴۴)

در مکاتیب می فرمایند :

« ای حزب الله مبادا خاطری بیازارید و نفسی را محزون کنید و در حق شخصی چه یار و چه اغيار ، چه دوست و چه دشمن زیان به طعنه گشائید . در حق کل دعا کنید و از برای کل موهبت و غفران طلبید زنهار زنهار از این که نفسی از دیگری انتقام کشد ولو دشمن خونخوار باشد . زنهار زنهار از این که نفسی خاطری بیازارد ولو بدخوه و بد کردار باشد . نظر به خلق ننمایید توجه به خالق کنید قوم عنود را مبینید رب الجنود را ملاحظه کنید خاک را مبینید پرتو آفتاب تابناک ببینید که هر خاک سیاه را روشن و پدیدار کرده . . . » (۴۵)

هرکه را جامه ز عشقی چاک شد

او زحرص و عیب کلی پاک شد (۴۱)

حضرت بهاء الله در رسالت هفت وادی می فرمایند : « عاشق در این رتبه جز مشعوق خیالی ندارد و جز محبوب پناهی نجوید و در هر آن صد جان رایگان در ره جانان دهد و در هر قدمی هزار سر در پای دوست اندازد . ای برادر من تا به مصر عشق در نیائی به یوسف جمال دوست واصل نشوی و تا چون یعقوب از چشم ظاهری نگذری چشم باطن نگشائی و تا به نار عشق نیفروزی به یار شوق نیامیزی و عاشق را از هیچ چیز پروا نیست و از هیچ ضُری ضرر نه . از نار سردش بینی و از دریا خشکش یابی . »

نشان عاشق آن باشد که سردش بینی از دوزخ نشان عارف آن باشد که خشکش بینی از دریا » (۴۲)

بنابراین یکی از میزان های ایمان عشق و محبت به همه کائنات و بالاخص انسان است که مثل اعلای خلقت است .

نشان اهل خدا عاشقی است با خود دار که در مشایخ شهر این نشان نمی بینم (۴۳) عامل دیگری که ما را مکلف محبت به افراد می کند تأکیدات عدیده و مکرر طلعتات مقدسة امر بهانی در مورد محبت کردن است . حضرت بهاء الله در کلمات مکنونه می فرمایند :

« ای دوست در روضه قلب جز گل عشق مکار و از ذیل بلبل حُب و شوق دست مدار . »

و همچنین می فرمایند :

نکرده ملال و کدورتی داشته باشیم فراموش خواهیم
کرد .

آخر همه کدورت کلچین و باغبان
گردد بدل به صلح چو فصل خزان رسد (۴۷)
خوب حالا اگر قرار باشد بجای یک هفته یک ماه دیگر
زنده باشیم چه ؟ باز هم همین طور ، یک سال چطور ؟
بالاخره همه ما چه یکسال چه چند ده سال دیگر از
این دنیا خواهیم رفت .

سرانجام این زیستن مردن است
که بشکفتن آغاز پژمردن است (۴۸)
حال آیا بهتر نیست سعه صدر و وسعت دید داشته
باشیم و عاقبت کار را هم اکنون ببینیم و نسبت به
یکدیگر عشق و محبت بیشتری داشته باشیم ؟
کاهی اوقات برای محبت نکردن و یا محبت نداشتن
نسبت به بعضی افراد برای خود دلائلی می آوریم مثلاً
می گوییم هرچه محبت می کنم خیال می کند وظیفه
من است حالت طلبکاری دارد ، درک نمی کند . این
نوع دلائل حسابگرانه ممکن است منطقی بنظر برسد ولی
درست در چنین موقعی است که باید شخصیت بهانی
ما تجلی نماید و عشق و محبت به حسابگری غالب
آید و توجه به بیان حضرت بهاءالله کنیم که می
فرماید :

« اگر نفسی الله خاضع شود از برای دوستان الهی
آن خضوع فی الحقيقة به حق راجع چه که ناظر به
ایمان او است البته در این صورت اگر نفس مقابل
مثل او حرکت ننماید و یا استکبار از او ظاهر
شود شخص بصیر به علو عمل خود و جزای آن

و در جانبی دیگر می فرمایند ،

« باید یاران الهی مجدوب و مفتون یکدیگر
باشند و جانفشانی در حق یکدیگر کنند اگر نفسی
از احباء به دیگری برسد مانند آن باشد که تشنہ
لبی به چشم آب حیات رسدویا عاشقی به معشوق
حقیقی خود ملاقات کند . » (۴۶)

هرکس میتواند پیش خود فکر کند که در عمل تا چه
اندازه با این بیان مبارک فاصله دارد .

در آثار ادبی عرفانی ایران نیز در مورد محبت کردن
و دل بدست آوردن مطالب زیاد دیده می شود .
خواجه عبدالله انصاری عارف قرن چهارم می فرماید :
اگر بر هوا پری مکسی باشی ، بر روی آب روی خسی
باشی ، دل بدست آر تا کسی باشی . »

در راه خدا دو کعبه آمد حاصل

یک کعبه صورت است یک کعبه دل
تا بتوانی زیارت دل ها کن

کافزون هزار کعبه آمد یک دل

—

کر ز آنکه هزار بندۀ آزاد کنی
به زان نبود که خاطری شاد کنی
گر بندۀ کنی زلف آزادی را
بهتر که هزار بندۀ آزاد کنی
اصولاً احساس دوست داشتن احساس دلپذیری است و
حسن کدورت و خدای نا خواسته کینه داشتن آزار
دهنده است *. اگر فکر کنیم که یکهفته دیگر زندۀ
نخواهیم بود مسلمًا احساسات ما نسبت به یکدیگر و
نسبت به مردم دنیا تغییر خواهد گرد و اگر خدای

رسیده و می رسد و ضر عمل نفس مقابل به خود او
راجع است . » (۴۹)

باید برای ایجاد محبت باشد .
گاهی اوقات شنیده می شود که شخصی می گوید فلان
کس را نمیتوان دوست داشت ، بد دهن است ، تلغ
است ، بی ادب است و یا فلان گروه آدم های خوبی
نیستند . در آثار مبارکه در این مورد مطالب زیاد
است فقط قسمتی از یکی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء
را با هم زیارت می کنیم .

« همت بر آن بگمارید که سبب حیات و بقاء و
سرور و راحت و سایش جهانیان گردید خواه آشنا و
خواه بیگانه خواه مخالف و خواه موافق نظر به پاکی
گهر یا ناپاکی بشر ننمایید بلکه نظر به رحمت
عامه خداوند اکبر فرماید که پرتو عنایتش جهان و
جهانیان را احاطه نموده و فیض نعمتش عارفان و
جاهلان را مستغرق فرموده بیگانه مانند آشنای
یگانه بر خوان انعام حاضر و منکر و مدبر از
دریای الطافش معترف . احبابی الهی باید مظاهر
رحمت عامه باشند و مطالع فیض خواص مانند
آفتاب بر گلشن و گلغن هر دو بتبلتد و بیثابه لیر
نیسان بر گل و خار هر دو بیارند ... » (۵۰)

سعدي در باب هشتم گلستان می فرماید :

» درویشی به مناجات می کفت یا رب بر بدان رحمت
کن که بر نیکان خود رحمت کرده ای که مر ایشان را
نیک آفریده ای . » (۵۱)

فریدون گفت نقاشان چین را

که پیرامون خرگاهش بدورند

بدان را نیک دار ای مرد هشیار
که نیکان خود بزرگ و نیک روزند

محبتی که منشا الهی داشته باشد و از عشق و ایمان
سرچشم کرده بدون انتظار پاداش خواهد بود و حالت
ترجم نیز نخواهد داشت بدیهی است محبتی که بخاطر
پاداش باشد نوعی معامله است .

در درون ما دو شخصیت متضاد وجود دارد یکی
شخصیت بشری که اعمال و عکس العمل های ما را
تحت حساب در می آورد « من رفتم به دیدن او او
نیامد - او اول باید دیدن من بیاید » و مسائل و
حرفه‌انی از این قبیل و دیگری شخصیت روحانی و
امری ما که ما فوق همه محاسبات می اندیشد و عشق
و محبت بر آن حاکم است نه حسابگری . این
شخصیت دنیا را به چیزی نمی شمرد تا چه رسد در
باره کی زودتر بیاید اندیشه کند . هر قدر با ممارست
و زیارت الواح و آثار شخصیت اخیر را تقویت کنیم
مقام روحانی والاتری خواهیم یافت .

محبت کردن برای شخص بهانی انجام وظیفه ای است
روحانی بنابر این نباید بترسیم که ممکن است ما را
ساده لوح بدانند کما اینکه وقتی بهانی مهاجرت نیز می
رود ممکن است مورد ایراد عده ای قرار گیرد .
حضرت بهاء الله در کتاب عهدی می فرمایند :

» مقصود این مظلوم از حمل شداید و بلایا و
انزال آیات و اظهار بیتات احمد نار ضغینه و
بغضا بوده . »

در این صورت تکلیف ما روشن است یعنی کلیه
فعالیت های ما مخصوصا از لحاظ تشکیلاتی و اجتماعی

پرسی ها ، هدیه دادن ها هر قدر از لحاظ مادی بی ارزش باشد ، جواب تلخ ندادن با وجود داشتن امکان اگاهی اوقات احبا از این که چگونه مبتدی را کوییده اند با افتخار یاد می کنند . افتخار بهانی باید به کذشت هایش باشد نه به کوییدن هایش . کفتن یک سخن محبت آمیز خرجی ندارد ولی کاهی ممکن است تایع عظیم داشته باشد . قدرشناسی از افراد ، قدر کارها و زحمات افراد را داشتن ، قدر یکدیگر را داشتن ، معلوم نیست تا کی یکدیگر را خواهیم دید .

فرصت شمار صحبت کراین دو راه منزل
چون بگذریم دیگر توان بهم رسیدن (۵۲)

-

تا هستم ای عزیز ندانی که کیستم
روزی سراغ وقت من آنی که نیستم (۵۳)
نکته دیگر که فوق العاده حائز اهمیت است کوشش درنزنجدید است . حضرت عبدالبهاء می فرمایند : " بهیچ وجه از یکدیگر دور و مکدر نگردید و قایع جزئیه عرض است زائل می شود . " (۵۴)

حضرت ولی امرالله می فرمایند :

« شاید بزرگترین امتحانی که افراد بهائی باید بگذرانند در نحوه رفتار با بهائیان دیگر است . بخارط حضرت مولی الوری آنها بایستی همیشه آماده باشند که خطاهای یکدیگر را ببخشند . » (۵۵)

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم
که در طریقت ما کافری است رنجیدن (۵۶)
دوستان لابد داستان بایزید بسطامی عارف قرن سوم هجری را که در بوستان سعدی آمده شنیده اید که

منظور این است که افراد دوست داشتنی را دوست داشتن هنر نیست ، هنر این است که از چنان قدرت اخلاقی بر خوردار باشیم که بتوانیم در مقابل جفا و فا کنیم . در مقابل بی محبتی محبت کنیم و افراد باصطلاح تلخ را هم دوست داشته باشیم . این آن مقامی است که باید سعی کنیم به آن برسیم . نفس کوششی که برای رسیدن به این مقام می کنیم سهپ ترقی روح ما خواهد شد . دلم میخواهد روی این نکته تکیه کنم که این کوشش مهم است چون اغلب ما هر قدر هم شروعمند باشیم احساس کمبود می کنیم . می خواهیم بیشتر داشته باشیم دلیلش این است که شب و روز برای تحصیل در آمد بیشتر تلاش می کنیم . ولی وقتی پای معنویت و اخلاق بمیان می آید احساس کمبود نمی کنیم و در فکر تحصیل مراتب کمال اخلاقی نیستیم . همانطور که عرض کردم نفس فکر کردن در این مورد به پیشرفت اخلاقی و معنوی ما کمک می کند چون خیلی اوقات اگر درست فکر کنیم خود را مقصرا می دانیم .

مولانا در کتاب فیه ما فیه از نوشته هایش می نویسد : " پیلی را آوردند سر چشمہ ای آب بخورد از عکس خود می رمید " و بعد نتیجه می کیرد " همه اخلاق بد چون در تواست نمی رنجی چون آن را در دیگری می بینی می رنجی و می رمی . "

نکات زیاد دیگری هست که اگر رعایت کنیم به بسط و توسعه محبت کمک کرده ایم ۱ همه این نکات می توانند موضوع یک سخنرانی جداگانه باشد ولی بعنوان مثال می توان به چند نکته اشاره کرد مانند احوال

و اگر برای تسهیل محاسبات کامپیوتر را بخدمت نمی گرفت و اگر برای مسافرت از هواپیما استفاده نمی کرد و اگر به فضاهای دور دست آسمان ها دستیاری نمی نمود چیزی از دست نداده بود ولی اگر روزی مهر و محبت از جهان رخت بر بند چیزی باقی نخواهد ماند بنابر این بی مناسبت نبود که وقتی انسان برای اولین بار پا در کره ماه گذاشت شاعری این طور سروده :

ای ره گشوده در دل دروازه های ماه
با تومن کسته عنان از هزار راه

رفتن به اوج قله مریخ وزهره را تدبیر می کنی
اما به من بگو کی قله بلند محبت را تسخیر می کنی ؟ (۵۸)
نتیجه آنکه ، عالم به محبت خلق شده و با مشاهده آثار
خلق عشق به خالق در ما ایجاد و تقویت می گردد
و از طرف دیگر با شناخت خالق است به مخلوق او
بالاخص انسان محبت می یابیم . در آثار امری به
محبت نسبت به خلق مأمور و تشویق کردیده ایم .

همان طور که در پیام صلح زیارت فرموده اید بیت
العدل اعظم الهی خلع سلاح را به تنهانی برای استقرار
صلح کافی نمی دانند یعنی گرفتن وسیله آدم کشی
کافی نیست باید قلوب طوری منقلب گردد که کسی
فکر آدم کشی نکند یعنی صلح جهانی و وحدت عالم
انسانی باید در قلوب افراد بشر تأسیس گردد .
بدیهی است که تحقق این امر بدون اقدام به تبلیغ
مقدور نیست . بطوری که بیت العدل اعظم الهی در
پیام مورخ ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰ خطاب به احبابی ایرانی
سراسر جهان پس از تشریح وضع دنیا ما را به قیام به
تبلیغ تشویق و تاکید فرموده اند ولی فراموش نکنیم که

بقیه در صفحه ۱۹

وقتی یک روز عید از گرمابه بیرون می آمد از بالای
خانه طشتی خاکستر بر سرش ریختند و او بجای
ناراحتی کردن گفت خدایا من مستحق آتشم از
خاکستر که باید گله کنم .

شنیدم که وقتی سحرگاه عید
ز گرمابه آمد بیرون بایزید

یکی طشت خاکستری بی خبر
فرو ریختند از سرانی بسر

همی گفت ژولیده دستار وموی
کف دست شکرانه مalan بروی

که ای نفس من در خور آتشم
ز خاکستری روی درهم کشم ؟

وقتی آثار امری را زیارت می کنیم و این داستانها را
می خوانیم چقدر باید خود را بخاطر رنجش هانی که
بیدا کرده ایم سرزنش کنیم و احساس کوچکی و
حقارت نماییم ؟

بر خاطر ما کرد ملالی نتشیند
آنینه صباحیم غباری نپذیریم

ما چشم نوریم بتایم و بخندیم
ما زنده عشقیم نمردیم و نمیریم (۵۷)

شاید مطالب فوق برای عده ای از دوستان پیش پا
افتاده و بی اهمیت باشد البته مطالب بدیهی است اما
بی اهمیت نیست . چون اگر دنیای ما در آتش نفاق
می سوزد و اگر بشر در کشورهای پیشرفته هم
احساس آرامش و آسایش نمی کند بعلت عدم توجه به
همین مسائل پیش پا افتاده است . زیرا اگر انسان
برای تسریع ارتباطات فاکس و تلفن در اختیار نداشت

مأخذ

- دوستان به جمال فانی از جمال باقی مگذرید ... ۱۰
- ۲۰ - بیت از نظری نیشابوری
- ۲۱ - آثار قلم اعلی ، جلد ۲ ، ص ۱۰۰
- ۲۲ - بیت از حافظ
- ۲۳ - بیت از شیخ بهانی
- ۲۴ - بیت از سعدی
- ۲۵ - آثار قلم اعلی ، جلد ۲ ص ۹۷
- ۲۶ - مصرع از خیالی بخارانی
- ۲۷ - شعر از فریدون مشیری
- ۲۸ - بیت از سعدی
- ۲۹ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ، ص ۲۲
- ۴۰ - نطق جناب فتح اعظم در لندگ سویس ، آگست ۱۹۹۰
- ۴۱ - شعر از مولوی
- ۴۲ - آثار قلم اعلی ، جلد ۲ ، ص ۱۰۰
- ۴۳ - بیت از حافظ
- ۴۴ - ازدواج بهانی ، ص ۲۲
- ۴۵ - منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ص ۷۱
- ۴۶ - اخلاق بهانی ص ۱۶۴
- ۴۷ - لا ادری
- ۴۸ - بیت از نصرالله فلسفی
- ۴۹ - امر و خلق ، جلد ۲ ص ۹۵
- ۵۰ - مکاتیب عبدالبهاء جلد ۲ ، ص ۲۰۶
- ۵۱ - طبق اعتقاد بهانی کسی بد آفریده نشده
- ۵۲ - بیت از حافظ
- ۵۳ - بیت از شهریار
- ۵۴ - بدائع الاثار ، جلد ۲ ص ۲۷۸
- ۵۵ - نمونه حیات بهانی ، ص ۲۰
- ۵۶ - بیت از حافظ
- ۵۷ - شعر از رهی معیری
- ۵۸ - شعر از فریدون مشیری
- ۵۹ - نمونه حیات بهانی ، ص ۲۹

- ۱ - ایات از حافظ
- ۲ - بیت از فرزخی بزدی
- ۳ - بیت منسوب به خواجه عبدالله انصاری
- ۴ - رساله هفت وادی ، آثار قلم اعلی ، جلد ۲ ص ۹۹
- ۵ - نقل از مقاله جناب دکتر رافتی ، کتاب خوش هانی از خرمن ادب و هنر جلد ۲ ، ص ۲۲
- ۶ - فرهنگ معین
- ۷ - شعر منسوب به بابا افضل و ابوسعید ابوالخیر
- ۸ - بیت از حافظ
- ۹ - بیت از مسلمی شیرازی
- ۱۰ - دریای دانش ، ص ۱۵۴
- ۱۱ - امر و خلق ، ص ۱۱۲
- ۱۲ - حیات بهانی ، ص ۸۷
- ۱۳ - بدایع الاثار ، ص ۲۱۵
- ۱۴ - کتاب مستطاب اقدس
- ۱۵ - حنطله اهل باد غیس هرات متولد حوالی ۲۰۰ هجری ، اولين شعر فارسي را به او نسبت ميدهند.
- ۱۶ - بیت از ملا فرج الله شبستری
- ۱۷ - شعر از بینش شیرازی
- ۱۸ - بیت از مولانا
- ۱۹ - بیت از حافظ
- ۲۰ - بیت از ملهمی شبستری
- ۲۱ - لا ادری
- ۲۲ - مقاویات عبدالبهاء ، چاپ هند ، ص ۲۱۰
- ۲۳ - از مناجات‌های حضرت عبدالبهاء
- ۲۴ - سیر حکمت در ارویا ، جلد ۱ ، ص ۲۰
- ۲۵ - مجموعه الواح مبارکه ، ص ۲۴۹
- ۲۶ - نمونه حیات بهانی ، ص ۴۲
- ۲۷ - قسمتی از یکی از قطعات پروین اعتمادی .
- ۲۸ - جمال مبارک در کلمات مکنونه می فرمایند : « ای

شمع دلست بر افزونه دست قدرت من است

آنلا بس هر مخالف نفس و هم خواهر من

(کلام نگار)

ای پسر ارض گرام خواهی جشن را خواه

و اگر اراده جالم داری حشم از عالمیان بردار

بر زرگار از اوه من و غیر من چون آب آتش در یکدل دفعت نجذ

(کلام نگار)

ای بند من مر از اموش کن نخشم بشنو همیز من گوشش کن
شمع دل تو بست من روشن شد آنرا تو باد نفس خاموشش کن

ای ملبسل شوق نزد عشق برآ وی هد پهعشن مرده از یار بیار
در قاف فاعل گزین چون خفا در روضه قلب خیگل عشق مکار

ای دوست لسان شکریم دریا وان طرفه بایان داشتم دریا
خواهی که بسه نزد مقصود رسی سر پشه امر نداشتم دریا ب

در بزم لقا ز جام ساقی گذز وز جن جانی عسرا قی گذز
قانع چپ شوی بر احت یکروزه از راحت بسیز و ای باقی گذز

هر فقر ز پی عزه عفت ای داده بر عزت و شر و تی ففت ای داده
هر غریت و شر و تی کشته تخته در ساحت حق حمد و شفای داده

جز نام بحسا نباشد آغاز کن با غیر نگار خویش مساز کن
بر بند و حوش و خواهی اربا نکن جز برج فتح بحسا باز کن

تاعش بدم عاشر اند دولت دل نزد حق است که نزد است
چون آتش آب یار و خیار بدن اخیار پر این چوید اند دولت

در ساحت حق نام و شفای بود مسکین و غنی پسیه و جوانی بود
عالیم باید باشد و اتفف نازل پیدا و نهان غیب و نهانی بود

طبع و نسخه بی ازمه تحریر

اندر کف ساقی بجا جام بجاست دل نزد پر است چو مقر و بصفت
هر چیز نکه در پرده پنهان بود در آیینه علم آنی پیاست

دیگریست از شهرکردانیه ببل معلمانی

« قبله دل »

زین تاج ثابت

در سرهویین دیدن سیمای تو دارد
 چون قطه همی راه بدیریای تو دارد
 ای خوش دل زاری که تمای تو دارد
 خود نظره بر آن لله عذرای تو دارد
 هرکس برهی شور و تولای تو دارد
 سرچشمها آن لعل شکرخای تو دارد
 سرمست دل از نشئه صهباً تو دارد
 آن شور و نشوری که زرئیای تو دارد

خوش آنکه بجان آتش سودای تو دارد
 دلداده روی تو ندارد خبر از خویش
 چون شمع ز شوق تو سراپای بسوزد
 بر عاشق بیدل نکند جلوه گلستان
 شد قبله شاهان .جهان خاک در تو
 افسانه شد از آب حیات از مدد تست
 نوشیده زجام کرمت عارف و عامی
 هرکس که بود صاحب دل دل بتو بندد

زین چربود قبله گهش آن رخ دلجو
 حالی خوش و خرم بتماشای تو دارد

« واقف اسرار دل »

ف . م . الهم

ای فروزان چشم انوار دل
 رونق افزا، از تو شد بازار دل
 میرسد از منبع سرشار دل
 زنده میسازد مرا اذکار دل
 با کلامت میبرم زنگار دل
 شادم از گنجینه پر بار دل
 کی شود، افسرده و بیمار دل
 آیدم، این نفمه از او تار دل
 غم مخور (الهم) کاین خرم بهار
 گل برویاند بسی، از خار دل

ای بھاء ای واقف اسرار دل
 بی جمالت، خلوتم نوری نداشت
 فیضت ای بخشندۀ جام السّت
 بر زبان قاصرم، تا نام توست
 سینه گر یابد ز محنت تیرگی
 دیگرم بی برگ و باری عاریست
 هر که با مهر رخت، دمساز گشت
 تا شدم مفتون آن ابھی جمال
 غم مخور (الهم) کاین خرم بهار

دکتر سیروس علائی

امتیازات سبک وی محفوظ مانده ، معرف منزلت عالی اش در نویسنده خواهد بود . سبک نگارش جرج تان سند مورد قبول و پسند حضرت شوقی ربانی بود . تا آنجا که وقتی حضرتش کتاب « نبوغ ایرلند » را مطالعه فرمودند ، طی مکتوبی در اوخر ژانویه ۱۹۲۱ به او مرقوم داشتند : "... کاش سبک نگارش تاریخ نیل و به خصوص ترجمة من از این کتاب به اندازه نیمی از آن کتاب (کتاب نبوغ ایرلند) زنده و دلپذیر بود ..." (ل ۲۴)

این تعریف مبارک که خود در زبان انگلیسی نویسنده ای بس توانا بودند ، برای بیان عظمت مقام ادبی تان سند کفايت میکند . جان فرابی ، ایادی فقید امرالله در یادداشت های خود که در ایام تشرف به اعتاب مقدسه (ژانویه ۱۹۵۵) تهیه کرده از قول حضرت ولی امرالله می نویسد : "... | جرج تان سند | بهترین نویسنده ای است که ما داریم . باید از او مواظبت کرد . او بهترین نویسنده زنده بهانی است . این خود مژده ای است که لو با وجود کهولت ، هنوز قاهر به نویسنده کی است . لو نویسنده طول لول یعنی است ... (ل ۲۵)

تان سند در عین حال شاعری بود شوریده . شعر " حضرت بهاء الله ، محبوب یکتا • به تنهایی کتفی است که او را شاعری توانا بدانیم ، و مقاله • نبوغ ایرلند " جدا از سایر منشآتش به ما اجازه می دهد که او را نویسنده ای عالیقدر بشناسیم . او مقاله " نبوغ ایرلند " را برای ملاحظه و نقد " جرج برناردشا " ، نویسنده نامی ایرلندی فرستاد ، مفسر

ایادی عزیز امرالله

جرج تان سند

(بقیه از شماره قبل)

به گفته دیوید هومن ، دنیای امروز چون از ارزشهاي روحاني غافل است ، علاقه ای به آثار جرج تان سند نشان نداده و حتی مقام ادبی او را کشف نکرده است . جامعه بهانی نیز که او را به علت فداکاری ها و خدمات روحانی اش دوست میدارد و گرامی میشمارد عظمت پایه نویسنده این استاد زبان را به درستی درنیافته است . استعداد طبیعی و تعلق به زبان انگلیسی ، توأم با تحصیلات عالی ادبی و حقوقی و دینی و آشنایی کامل با شاهکارهای کلاسیک اروپیانی و سالها تمرين و تجربه ، سبک ادبی خاصی را به وجود آورده که معرف شخصیت کم نظیر جرج تان سند است . نوشته های او منظم ، قانع کننده ، مربوط ، روان و گیراست . مشکل ترین مطلب زیر قلمش نرم می شود و آسان می نماید . کلام او طبیعی ، مؤدب ، صریح ، خالی از حشو و زواند ، تؤم با شور و شوق و دور از افراط و تفریط است . دو صفت اصلی او که انصاف و اعتدال باشد در آثارش به بهترین وجهی نمایان است . نوشته های او کمتر به فارسی برگردان شده است . شاید به این علت که آثارش بیشتر مربوط به مسائل عالم مسیحیت است . بعدها به احتمال قوی قسمتی از این آثار ترجمه خواهد شد و آن کاه با آنکه زیبایی کلام و استحکام و روانی بیانش دست خواهد خورد ، سایر

او حتی دو سال قبل از صعودش (۱۹۵۵) هم چنان معتقد بود که با تمام کوششی که کرده، به اصطلاح عارفانه، در سیر هفت شهر معرفت هنوز اندر خم یک کوچه است. عریضه‌ای به حضور مبارک نوشت که نگران آن است که هرگز به "وادی معرفت" نرسد، و هدایت و حیات حضرتش را جویا شد. در جواب به دریافت این توقیع مبارک (سوم مارچ ۱۹۵۵) مفتخر گردید:

"از آنجا که ما تقریباً هرگز به هدفی روحانی نمی‌رسمیم، مگر آنکه هدف بعدی را که به آن نیز باید نائل شویم، خارج از دسترس خوبیش می‌بینیم، ایشان (حضرت شوقی ربانی) توصیه می‌فرمایند که شما که در طریق روحانیت مسافتی طولانی پیموده‌اید، نگران فاصله‌ای که هنوز باید طی کنید نباشید. این سفری است بی‌پایان، و شکی نیست که روح در عالم بعد نسبت به عالم جسمانی دارای این امتیاز است که میتواند به خداوند نزدیکتر شود. (۱) و به خط مبارک (امیدوارم خداوندی که شما در اعتلای امرش با چنان عشق و شوق و تمایزی کوشانده‌اید، زحمات تاریخی شما را هزار چندان، پاداش دهد و تمام آرزوهای شما را برآورده سازد و به شما کمک کند که دفتر خدمات فراموش نشدنی خود را متداوماً غنی‌تر سازید." (۲) . جرج تان سند طی نیم قرن تعداد زیادی نامه و مقاله و رساله و کتاب از خود به جای گذارده است که حتی احصای آنها کار آسانی نیست. در این مقاله به بعضی از این آثار مانند "تبليغ مورمون‌ها" - ۱۹۱۱ و "اساطير

ادبی روزنامه "تايمز ايرلندر" ضمن چاپ مقاله مزبور نوشت: "جرأت لازم است که نويسنده‌اي اثر خود را تسليم نوع بي امان برناشدشا کند، ولي "شا" مزاياي اين نوشه را تاكيد کرده و عقиде دارد که مقاله او در سبك ايرلندي، بسيار خوب تهييه شده است . . ."

آثار ادبی تان سند با تاريخ و فرهنگ ايرلندر آمیخته است و بحث آن خارج از حوصله فارسي زيان است. نقوسي که به زبان انگليسى آشناني كامل دارند میتوانند به اصل کتب و مقالات او از قبيل "نبوغ ايرلندر" و "اساطير ايرلندي" (۱۰۰) و "غرامتى که انگلستان برای مظالم سابق خود میپردازد" مراجعه کنند.

جرج تان سند دارای حالات عرفانی بود به "كلمات مکنونه" و "هفت وادی" عشق می‌ورزید. اشعار عارفانه می‌سرود و در راه وصول به معرفت از رنج و درد هراسى به خود راه نمی‌داد. او در مناجاتی که در کتاب "كليسا در منزل" در سال ۱۹۲۷ به رشته تحریر کشیده می‌نويسد: "[خدایا] من در سیر به سوی تو از درد و رنج پروا ندارم. به هر قيمتي برای من تمام شود مکذار که در اين حرکت دچار درنگ شوم و يا از راه تو منحرف گردم. هر بلا ومحنتی برای صيقل روح از دروغ و تباھي لازم است بر من نازل کن. مرا ياري فرما تا معرفت و عقلمن فروزنی يابد و به آنچه می‌آموزم عامل باشم. تا هر ضعفي به قدرت بدل گردد و از پیواب توفيق به قلمرو قدرت تو راه يابم". (۳) .

نام خود منتشر سازد ، ممکن است با مشکلاتی در کلیسا روپرتو شود . به همین علت ، در چاپ نخست نام مستعار " کریستوفیل " (۱۰۲) را انتخاب نمود . با وجود این نشر کتاب با موافع زیادی روپرتو شد . از جمله کسی از اهل قلم در انگلستان حاضر نشد تقریطی برای کتاب مزبور بنویسد و تقریباً تمام ناشرین معتبر از نشر آن معذرت خواستند . شاید به این علت که مطالب کتاب را در جهت متألف و خط مشی کلیسا نمی دیدند ، مگر مؤسسه سیپمکین مارشال (۱۰۲) که با شرایط نا مناسبی حاضر به نشر کتاب شد . بعد از انتشار نیز بر خلاف انتظار مؤلف ، به ظاهر موقتی نصیب این کتاب نشد ، و تأثیر مهمی در جامعه مذهبی انگلستان نکرد . امر بهانی در انگلستان با وجود سفرنامه ها و نوشته جات موافق بعضی از مستشرقین و اهل قلم و دانش و مسافرتهای حضرت عبدالبهاء هنوز در مرحله مجھولیت بود ، و در کشوری که علی رغم اشاعه لامذهبی ، نفوذ روحانی مسیحیت پابرجا ، و کلیسای انگلیس مذهب رسمی محسوب ، و هرگونه مخالفتی با آن به عنوان " کفر " قابل تعقیب قانونی بود ، (۱۰۴) البته انتشار چنین کتابی از طرف نویسنده ای کمنام ، نمی توانست اثر قابل ملاحظه ای به جای گذارد . ولی این رساله در سال های بعد قدر بیشتری یافت و به زبان های مختلف ترجمه شد و چندین بار تجدید چاپ گردید . سرفصل های کتاب با دقّت خاصی انتخاب شده است : حماسه انسانیت ، خداوند خود را ظاهر میکند ، توالی پیامبران اوالعزم ، رسالت حضرت مسیح ، شب قبل از

ایرلندي ۱۹۱۵" که قبل از آشنائی او با امر بهانی انشا شده ، و بعضی دیگر مانند " کلیسا در خانه - ۱۹۲۶" و " نبوغ ایرلنند - ۱۹۲۰ " و " عبدالبهاء مطالعه شخصیتی شیوه مسیح ۱۹۲۵ " و " ۲۷ مقاله در مجلدات سوم تا سیزدهم عالم بهانی ۱۹۲۸ تا ۱۹۵۴ " و " بشارات حضرت بهاء الله ۱۹۴۹ (۱۰۱) و " ادیان قدیمی و امر جدید جهانی ۱۹۴۸ " که بعد از تصدیق او انتشار یافته ، قبل اشاره شد . مؤسسه مطبوعاتی جرج رونالد قسمتی از مقالات و اشعار و آثار متفرق جرج تان سند را در دو کتاب " رسالت حضرت بهاء الله ۱۹۵۲ (۱۰۲) و " سرکار آقا ، حضرت عبدالبهاء ۱۹۸۷ (۱۰۳) جمع آوری و منتشر ساخته است .

حدا از آثار بالا و آنچه جرج تان سند در چهار چوب معاونت با حضرت ولی امرالله مرقوم داشته ، سه کتاب مهم دیگر از وی به یادکار مانده است که میتوان آنها را سه بخش پیاپی یک کتاب اصلی به شمار آورد ، و جا دارد که در این مقاله به این سه کتاب مختصر اشاره شود .

کتاب موعود کل اعصار

این کتاب (۱۰۴) از مهمترین آثار جرج تان سند است ، به ویژه که از نظر مسائل مربوط به امر بهانی به وسیله شخص حضرت ولی امرالله ملاحظه و تصویب شده است . جرج تان سند در سال ۱۹۲۴ این کتاب را آماده چاپ کرد و چون از تعصبات مذهبی آن دوران آگاه بود ، پیش بینی نمود که اگر کتاب را به

مسیر تاریخی بشر حرکتی است تکاملی که طبق قانون الهی صورت می‌گیرد. در سفر پیدایش (عهد عتیق) به این حرکت تحت عنوان « خلقت عالم در هفت روز » اشاره شده است. هریک از پیامبران الهی در یکی از ادوار این حرکت ظاهر می‌شود و قوهٔ محركة آن جنبش را در آن دوره خاص به وجود می‌آورد. این حرکت تکاملی الهی در یک دوره یا در یک پیامبر هر قدر هم عظیم الشان باشد، خلاصه نمی‌شود. در عصر ما حرکت تکاملی مذکور به اوج مسیر خود رسیده است.

در این زمان، امر حضرت مسیح و عموم پیامبران سابق را باید در امر حضرت بهاء الله جستجو کرد. بنابراین، قبول مظهر ظهور جدید و ایمان به جمال مبارک، کمال وفاداری به مسیح است، چه امروز حضرت مسیح و پیامبران گذشته در وجود جمال مبارک زنده شده اند، در حالی که در قالب ادیان سابق مرده اند. آیا نباید مرده را گذارد و به زنده توجه کرد؟ این سیر تکاملی که بر حسب قانون الهی صورت می‌گیرد، در این دوره منجر به استقرار سلطنت خداوند خواهد شد، و دنیا را پر از علم و عشق خواهد ساخت. در این حرکت تکاملی، ظهور متولی انبیای قبل عالم را برای استقرار مدنیت الهی آماده ساخته و بنابراین وجود آنان ضرورت داشته است. هم چنانکه برای حفظ و ادامه این مدنیت، ظهور متولی انبیای بعدی نیز لازم خواهد بود، و هیچ نژاد و ملت و قبیله و حتی فردی نیست که در تحقق این نقشه عظیم الهی جانی نداشته باشد.

جرج تان سند در فصل « حماسه انسانیت ». تاریخ

روز موعود، باب سحر، ظهور سلطان جلال، نور تعالیم خداوند، حرارت عشق الهی.

باید در نظر داشت که مخاطب جرج تان سند، همه جا، مسیحیان هستند. او با دانش فراوان و تجربه طولانی خویش در عالم مسیحیت، سعی داشت امر الهی را بر اساس معتقدات سابق ایشان استوار سازد، تا آنان احساس کنند که اصول عقایدشان پابرجاست و همان اصول ایشان را به امر جدید الهی راهبر شود. این روش همان راهی است که مبلغین عصر رسولی در کشورهای اسلامی پیمودند و ضمن قبول و تأیید کامل دین اسلام و نبوت پیغمبر، ادامه اسلام را در ظهور جمال مبارک و مسلمانی واقعی را در پذیرش امر حضرت بهاء الله دانستند.

اگر مسلمین پیامبر اسلام را آخرین نبی و رسول الهی می‌پنداشند، حداقل به انبیای قبل مانند حضرت موسی و حضرت مسیح معتقدند، در حالیکه مسیحیان، عیسی مسیح را اولین و آخرین و تنها مظهر خداوند می‌دانند. بنابراین جرج تان سند می‌باشد هم رسالت و مقام پیامبران قبل از حضرت مسیح را استوار سازد، و این عقیده را تغییر دهد که خداوند منحصر از طریق حضرت مسیح بر عالمیان ظاهر شده است، و هم رسالت پیامبران بعدی، از جمله حضرت محمد و حضرت باب و حضرت بهاء الله را اثبات نماید و بطلان عقیده « ختم رسالت » را که مسیحیان نیز چون مسلمین در بند آن گرفتارند، روشن کنند.

استدلال تان سند حول این محور گردان است که

روح انسان نفوذ میکرد و از آن جیین قدرت و عظمت نمودار بود . خطوط عمیق پیشانی حاکی از کبر سن بود ، ولی انبوه گیسوان و محاسن سیاه و پرپشت که به یکدیگر آمیخته و تقریباً تا کمر می رسید خلاف آن را می نمود . مپرس در حضور چه شخصی ایستادم و به چه منبع تقدیس و عشقی سر فرود آوردم که پادشاهان عالم غبطه ورزند و امپراطورهای امم حسرت برند " (لک ۲۱ الف و ب) . او بیست و هفت فقره مطالبی را که در مورد واقعی عصر رسولی امر بهانی در غرب منتشر شده از قول براون نقل میکند و دوازده فقره دیگر بر آنها اضافه می نماید . از جمله از قول پروفسور فورل سویسی میگوید : " امر بهانی واقعاً دیانتی است برای سعادت اجتماعی ، من بهانی شدم و صمیمانه دعا میکنم که این دیانت برای تامین سعادت بشر شکوفا شود و باقی بماند " ، پروفسور فورل دینی علمی برای سعادت اجتماعی به وجود آورده بود . ولی وقتی با امر بهانی مواجه شد از دین علمی خود صرف نظر کرد و به امر جدید ایمان آورد .

جا دارد که علاقمندان به اصل کتاب که حدود یکصد و هفتاد صفحه کوچک را در بر میگیرد مراجعه کنند و از چشمۀ دانش مؤلف عالیقدر جرعه ای بنوشنند ، چه آنچه در این جا به اختصار بیان شد فقط قطره ای محسوب است .

کتاب قلب انجیل

" فرصت کم نظری که در اختیار مؤمنین صدر مسیحیت بود ، در عصر ما تکرار شده است . قدرتی که به آنان داده شده بود ، می تواند به ما نیز ارزانی

این حرکت تکاملی را با عباراتی محکم و روان و دلپسند ، و به نوعی که برای مسیحیان به آسانی قابل درک و فهم باشد ، بیان میکند ، و در فصول بعد بشارات و اشارات کتب مقدسه را در مورد یوم استقرار سلطنت الهی ، به دقت بررسی می نماید ، و سپس واقعه عظیم ، تابش شمس حقیقت ، ظهور جمال مبارک را بشارات می دهد و به توضیح نظم بدیع جهان آرای الهی و تشریح اختصاری تعالیم اجتماعی و اقتصادی و احکام اصلی این امر می پردازد ، و در خاتمه از آتش حب الهی که قوه محرکه این نظم جهانی است ، سخن می گوید . بنابراین ، جدا از بشارات نقلی ، با بیان فلسفه " حرکت تکاملی تاریخی " درک حقانیت این ظهور را به وسیله استدلال عقلی نیز میسر می سازد . او برای آنکه بین شرق و غرب ارتباطی برقرار کند ، و برای غربیان فهم ظهوری شرقی را آسان سازد [غربیان تورات و انجیل را از نظر ارتباط با تمدن بشری ، غربی ، و اسلام و ادیان بودانی و هندو و زردهشتی و امثال آن را ، شرقی می دانند] از بعضی از مستشرقین و داناییان غربی در مورد امر حضرت باب و حضرت بهاء الله نقل قول می کند ، چه به خوبی متوجه است که اهل غرب به گفته های این نقوص بیشتر اعتماد دارند . او جمله هانی از ادوارد براون ، مستشرق انگلیسی و استاد دانشگاه کمبریج را درمورد مصاحبه تاریخی اش با جمال مبارک که در سال ۱۸۹۰ در بهجی صورت گرفت ، عیناً نقل میکند :

" دو چشم به سیمانی افتاد که هرگز فراموش نخواهم کرد و از وصف آن عاجزم . آن چشمان نافذ تا اعماق

در کتاب « قلب انجیل » نویسنده به عمق کتاب مقنیس میرود و با اشاره به بسیاری از آیات « عهد جدید » ثابت میکند که تداوم هدایت الهی و تکامل روحانی مطلب اصلی انجیل است ، و این اصل مستلزم قبول عموم انبیاء و اولیای الهی ، چه قبل از مسیح و چه بعد از مسیح است . اعتقاد عمومی مسیحیان که حضرت عیسی تنها مظهر الهی و تعالیمش تنها تعالیم آسمانی است ، با اصل بالا و آیات انگلی مغایر است . بعضی از افراد بشری ، نظر به مصالح شخصی و بر خلاف روح تعالیم مسیحی ، چنین اعتقاداتی را در دورانهای جهل و تاریکی رواج داده اند و این معتقدات به تدریج در افکار عامه رخنه کرده و استوار شده است . اینگونه اعتقادات نه سبب علو مقام حضرت مسیح است و نه با صفات الهی توافقی دارد .

حرج تان سند در این کتاب برخلاف طبیعیون که اینگونه اعتقادات را مورد تمسخر قرار میدهند و ناشی از ضعف عقل میشمارند سعی دارد آیات انجیل و بیانات حضرت مسیح را راجع به ظهور خوبیش و ارتباط آن با دوران های قبل و بعد ، با نظری دقیق و دور از تعصب مطالعه و موشکافی کند و به پی کیری ریشه این عقاید پردازد و معلوم نماید که چرا و از کجا چنین تصوراتی گسترش یافته است . او معتقد است که هر چند « فلسفه تکامل روحانی » ، تحت این عنوان در « کتاب مقدس » دیده نمیشود ، ولی تمام آیات انگلی حاکی از وجود این حرکت تکاملی است . سفر پیدایش و خلق عالم در ایام هفتگانه خود بیانگر چنین فلسفه ای است . منظور از هریک از

شود ، آنان در میان مدنیتی می زیستند که تا بن فاسد بود و به علت لامذهبی به طرف مرگ و نیستی می رفت . به آن مؤمنین اولیه ، چون خدایپرست و از دانش الهی مرزوق بودند ، چنان قوتی عطا شد که توانستند دنیا را دگرگون سازند و به تدریج نظم اجتماعی نوینی تأسیس کنند که به کمالات الهی نزدیکتر باشد . ما نیز در موقعیت حساس شبیه مأمور شده ایم که وظیفه همانندی را انجام دهیم « مقدمه اولین نشر کتاب « قلب انجیل » (ل ۲۲) با عبارات بالا شروع می شود . در این کتاب نیز بحث اصلی ، توالی و تسلسل ظهورات الهی است . نویسنده برای توضیح مطلب سطوری از کتاب ایقان را نقل میکند :

« . . . و چون ابواب عرفان ذات ازل بر وجه ممکنات مسدود شد ، لهذا باقتضای رحمت واسعه . . . جواهر قدس نورانی را از عوالم روح روحانی به هیاکل عز انسانی در میان خلق ظاهر فرمود تا حکایت نمایند از آن ذات از آن و ساذج قدمیه . و این مرایای قدسیه و مطالع هویه بتمامهم از آن شمس وجود و جوهر مقصود حکایت مینماید . . » (ل ۲۲)

نقل این بیانات مبارک باعث شد که اسقف کیاللو (۱۰۵) بعد از مطالعه کتاب انتقاد کند که چرا مؤلف بیش از این راجع به حضرت بهاء الله و تعالیم و بیانات فوق العاده ایشان سخن نگفته است .

در کتاب « موعود کل اعصار » توالی و تسلسل انبیاء به عنوان حقیقتی تاریخی مورد بحث قرار گرفته بود .

حقیقت ، حضرت موسی به وسیله گسترش مسیحیت در عالم ، به درستی شناخته شد و مورد تکریم و تعظیم قرار کرفت . اکر حضرت مسیح نبود ، میلیونها مردم دنیا نامی از حضرت موسی نشنیده بودند . بنابراین مسیحیان نباید همان اشتباہ را تکرار کنند و به بیانه آنکه حضرت مسیح تنها مظہر الهی است ، خود را از شناسانی حضرت بهاء الله محروم نمایند . تعالیم مسیح بعداً دستخوش منافع شخصی و هوی و هوس بسیاری از رهبران عالم مسیحی شد . کچ فهمی ها و خودخواهی ها سبب کردید که کلیسا تواند با تحولات و مسائل جدیدی که از گسترش علم و دانش و انقلاب صنعتی در عصر حاضر حاصل شده بود ، روپرتو شود . « ریشه اشتباہات ما [عالم مسیحی] را باید در سنتی روحانیات جستجو کرد . ما اولویت نظم روحانی را نادیده کرفتیم . ما بر خلاف اراده الهی ، مسائل مادی را بر حقایق روحانی مقدم قرار دادیم . ما کوشش نکردیم که منظور و هدف خداوند را از تحولات و تغییرات بی سابقه عصر حاضر در یابیم و با ملاحظه پیشرفتها علمی با قانون الهی بیشتر آشنا شویم . ما مساعی خود را برای ارتقاء سطح معنویت و اخلاق مسیحی و استقرار عدالت اجتماعی متمرکز نساختیم . » در تیجه عقاید مادی در بنای نظم دنیای نوین پیش افتاد و نقše الهی فراموش شد . مادیون با زیرکی و استفاده از تمام وسائل و امکانات توانستند طرح های خود را به مردم بقبولانند و به مرحله عمل و اجراء در آورند و نفوس را قانع کنند که ایشان را به طرف رفاه و سعادت میبرند . رفاهی که بر پایه های لرزان ماده

روزهای خلقت ، یکی از ادوار بزرگ مذهبی است و حضرت مسیح به پنج دور آن در انجیل اشاره کرده است . مثلاً آنجا که میفرماید « پدر شما ابراهیم شادی کرد که روز مرا ببیند » (ل ۲۴) با هر ظهوری عهد جدیدی بین خداوند و نوع بشر بسته میشود . هر ظهوری را دورانی است که به وسیله پیامبری که از طرف خداوند مبعوث شده است افتتاح میگردد . قوای روحانی آن پیامبر ، حتی بعد از مرگ جسمانی او تا آخر آن دوره راهبر و راههای آن امت است . جرج تان سند در فصولی از این کتاب ، صفات مشترک مظاهر الهی را با هم مقایسه میکند : « هرچند تمام این پیامبران با ظلم و جور روپرتو شدند و نرمش و تحمل فوق العاده ای از خود نشان دادند ، ولی صاحب چنان نفوذ و قدرتی بودند که توانستند وظیفه ای را که خداوند بر دوش آنان نهاده بود ، کامل و جامع ، به انجام رسانند . هریک از آنان حلقه ای از زنجیر تکامل روحانی جهان محسوبند . »

فصلی از کتاب در باره قدرت روحانی و عظمت و مدح مسیح است که از عشق آتشین مؤلف به حضرت مسیح حکایت میکند و بسیاری از مسیحیان را که از عظمت مقام و سطوت روحانی حضرتش غافلند ، به تعجب و تحسین و امیدارد .

او سپس به ابطال عقیده قطع سلسله انبیاء میپردازد و توضیح میدهد که چگونه امت حضرت کلیم ، به بیانه آنکه حضرت موبی آخرین ظهور الهی است و تعالیم او ابدی است ، از شناسانی حضرت مسیح باز ماندند ، ولی توانستند مانع انتشار تعالیم روحانی او شوند . در

و لذت میبرد و متوجه حقایق بسیار میشود که در قلب انجیل موجود و از نظر او پنهان بوده است . این روش منطبق با روشی است که حضرت بهاء الله خود در کتاب ایقان به کار برده اند .

کتاب مسیح و بهاء الله

حضرت ولی امرالله در تکریفی که به مناسبت صعود جرج تان سند مخابرہ فرمودند ، کتاب « مسیح و بهاء الله » (ک ۲۵) را « تاج توفیقات » او نامیدند . این اثر آخرين و مهمترین کتاب تان سند است که فقط یك روز قبل از درگذشت او از چاپ خارج و برای توزیع آماده شد . نسخه ای که بنا بود با دست خود امضاء کند و تقدیم حضرت ولی امرالله نماید ، یك روز بعد از مرگ به منزلش رسید . ابتدا قرار بود این اثر تحت عنوان « بانیان دنیای نوین » منتشر و حاوی اصول نظم بدیع باشد . ولی از سال ۱۹۴۰ که او مصمم به نگارش این کتاب گردید ، مطالب در فکرش به تدریج متحول و تکمیل شد ، تا بعد از هفده سال به صورت این کتاب جلوه کرد . این اثر رساله ایست در نهایت فشردگی در کمتر از یکصد و بیست صفحه کوچک و حاوی معرفی صریح و دقیق امر الهی به عالم مسیحی مذهبی غرب . بسیاری از مطالب فلسفی و تاریخی که در کتاب « موعود کل اعصار » و « قلب انجیل » آمده ، در این دفتر نیز با نظمی کامل در نهایت ایجاز و اختصار تکرار شده است .

کتاب « موعود کل اعصار » اصل « سیر تکاملی روحانیت و لزوم تجدید ادیان » را توضیح میدهد .

پرسشی تکیه داشت و هر آن در معرض فرو ریختن بود . علت موقیت موقتی ایشان آن بود که در مقابل مادیون اهل مذهب توانستند طرح جامعی برای اداره دنیای جدید ارائه دهند و رفاه و سعادت آینده مردم را براساس متینی استوار سازند مگر نظمی که در چهارچوب حرکت تکاملی ادیان ، از طرف حضرت بهاء الله برای اداره عالم ارائه شده و از نظرها مستور مانده بود . وقتی طرحهای بشری یکی بعد از دیگری دچار شکست شود و فرو ریزد ، ناچار مردم طرح جدید الهی را خواهند پذیرفت و قوای عظیم روحانی که ناشی از ظهر جدید است ، مانند صدر مسیحیت ، حامی اجرا و حافظ دوام این طرح خواهد بود .

تلخیص کتاب « قلب انجیل » نه ممکن است و نه مفید . بهتر همان است که تمام کتاب را به دقت مطالعه کرد ، و در باره آن به بحث و گفتگو و شرح و تفصیل پرداخت . مجلات و روزنامه های انگلستان و ایرلند در مورد این کتاب بیش از هر اثر دیگر امری به تفسیر و اظهار عقیده پرداختند . مجله کلیسا ایرلند از نقد مختصر اظهار عجز کرد و نوشت که شایسته است تمام کتاب نقل شود . صفت متمایز این کتاب آنست که عظمت و مقام والای حضرت مسیح با کمال صداقت و عشق و علاقه مورد بحث قرار گرفته است و با شرح حرکت تکاملی روحانی و تداوم و تسلسل ظهورات الهی و تشخیص رجعت مسیحی در ظهور حضرت بهاء الله ، صحبتی از نفی مسیح و مسیحیت نیست لهذا هر فرد مسیحی هر قدر هم متعصب باشد ، کتاب را با علاقه تا آخر مطالعه میکند

به فارسی چنین است :

" خداوند مقرر کرده است که مسیحیان غریب در میان مردم دنیا نخستین کسانی باشند که رجعت " ابن " را در جلال " اب " تشخیص دهند و تصدیق کنند و حامل این بشارت در دنیا باشند . " (۲۶)

با آنکه رب الجنود در این عالم ظاهر و پیام او به سلطانین و روسای روحانی جهان ابلاغ شده ، مسیحیان دچار درنگ اند . کلیساها مسیحی نه این واقعیت را می پذیرند و نه حتی در صدد تحری و تحقیق اند .

فصل بعد حاوی بسیاری از بشارات و اشارات کتاب مقدس در مورد استقرار سلطنت و مدنیت الهی در این عالم است . موقفیت نهانی این طرح عظیم آسمانی از اول در کتاب مقدس تأکید شده و احساسی از اطمینان و ظفر پدید آورده است . هرچند حضرت مسیح از نوح و ابراهیم به عنوان پیامبران الهی یاد کرده ، ولی چون اثرب از تعالیم این دو نفس مقدس باقی نمانده است باید گفت که اولین بشارات کامل و جامع در مورد استقرار سلطنت خداوندی ، از زمان حضرت موسی شروع میشود . حضرت کلیم ذلت و تفرق امت خویش را در اطراف و اکناف عالم خود پیش بینی کرده و در عین حال بشارت داده است که پروردگار از روی فضل و رحمت ، امت موسی را به سرزمین نیاکان بر میگرداند تا در صلح و صفا زندگی کنند . این پیشگوئی عهد عتیق با بشارات مربوط به استقرار سلطنت الهی و ظهور " اب " در عهد جدید تطبیق میکند . در آن زمان هم امت حضرت کلیم به عزت و افتخار خواهند رسید و هم دنیا متتحول و

اکثر مطالب کتاب " قلب انجیل " راجع به حضرت مسیح است . در حالیکه کتاب " مسیح و بهاء الله " بیشتر روی ظهور جدید و جمال مبارک متمرکز شده است . این سه اثر را باید سه جلد یک کتاب کلی در مورد معرفی امر بهانی به غربیان دانست . خواننده مسیحی شاید با مطالعه دو کتاب اول هنوز متوجه نشود که منظور مؤلف ترک کلیسا و تمرکز خدمات روحانی در ظل تشكیلات بهانی است ، ولی کتاب اخیر که با سبکی محکم و مهیمن تالیف شده ، در این مورد جای شد و تردیدی باقی نمیگذارد .

پیش آمد جنگ جهانی دوم ، استغفاری جرج تانسند از کلیسا ، مهاجرت به دابلین ، مربیضی و ضعف و بالآخر از همه وسوس و دقت فوق العاده جرج تان سند باعث تأخیر نگارش این کتاب شد و سبب گردید که تحول مطالب کتاب با تکامل روحانی مؤلف که شامل ترک کلیسا و شروع فعالیت در ظل تشكیلات امری و ارتقای به مقام ایادی امرالله باشد ، مربوط شود ، و خاتمه هر دو حرکت بالا با صعودش مقارن گردد . اگر فشار و همکاری مؤسسه جرج رونالد (۱۰۶) ناشر کتاب نبود ، شاید این اثر هرگز تمام نیشد . مؤلف در مقدمه کتاب میگوید : " در این کتاب کوچک در کمال اختصار ولی در غایت وضوح و تأکید ، حقایقی به دست داده شده است که ثابت میکند سلطنت الهی که در انجیل با تفصیل فراوان پیشگوئی شده مآلبا تمام آن جزئیات تحقق یافته است . عنوان فصل اول " دعوت خداوند از مسیحیان است " مؤلف جمله ای از لوح ناپلئون سوم را نقل میکند که مضمون تقریبی آن

سپس ادامه میدهد که اگرچه داستان مسیح واقعاً زیباست ، ولی در دنیای امروز مسیحیت راستین را کمتر میتوان یافت . پیامبران دروغین که در انجیل به آنان اشاره شده است ، همان نفوosi هستند که کتاب مقدس را به سلیقه خود و برحسب منافع خویش تعبیر و تفسیر نمودند ، به نوعی که مسیحیان تصور کردند که مسیح تنها مظهر الهی و تعالیم او آخرين تعالیم آسمانی است . پیروان سایر ادیان نیز که عموماً گرفتار عقدة خاتمت شده اند خویش را از قبول انبیای بعدی محروم ساخته اند . ادیان الهی که باید سبب الفت و محبت بین افراد بشر باشد ، به خاطر این اعتقاد ناصواب که ساخته و پرداخته پیامبران دروغین است ، علت اختلاف و جنگ و ستیز شده است .

اکثر مسیحیان حضرت مسیح را " رب الجنود " موعود تورات می دانند ، حال آنکه نبوت تورات میگوید که وقتی رب الجنود در عالم ظاهرشود امت حضرت کلیم را در اراضی مقدسه نخواهد یافت ، چه آنان در آن هنگام در سرزمین های مختلف پراکنده و از قرن ها پیش با زندگی نکبت باری دست به گیریانند . حال آنکه وقتی حضرت مسیح ظاهر شد ، فلسطین مملو از کلیمیان بود ، و اخراج آنان از آن سرزمین از سال هفتاد بعد از میلاد مسیح آغاز شد و حدوداً تا اواسط قرن نوزدهم ادامه یافت . مؤلف ، با اشاره به بسیاری دیگر از آیات کتاب مقدس ، تیجه می گیرد که رب الجنود به غیر از حضرت مسیح است ، و فقط با رجعت " ابن " در ردای " اب " در این عصر تطبیق میکند . سپس این واقعیت را روشن می سازد که

متحد خواهد شد و جنگ و قتال از میان برخواهد خواست . در آن هنگام طبق بشارات عهد عتیق اراضی مقدسه ، چه از نظر بسط اصول مذهبی و چه از جنبه اعمال امور تقویتی و اجرائی و قضائی در سطح جهانی ، دارای موقعیتی ممتاز و بی نظیر خواهد شد . مؤلف ادامه میدهد که پیام حضرت مسیح با آنکه روحانیت صرف بود ، در این عالم جسمانی اثر عمیقی کرد . تمدن جدیدی براساس مدنیت روم شرقی [بیزانس] به وجود آورد که در قرن چهارم میلادی به اوج خود رسید . محبت حضرت مسیح سبب پیشرفت اخلاق و ارتباطات اجتماعی شد و قلوب را برای قبول سلطنت الهی آماده کرد . حضرتش به جبروت و عظمت " اب " شهادت داد و فرمود که آن سلطان جلال نیز بر مظلومیت من شهادت خواهد داد . حضرت بھاء اللہ ، مظہر " اب " فرمود : "... اعلم بآل الابن الذی اسلم الرؤح قد بكت الاشياء كلها و لكن بالافق روحه قد استعد كل شيء كما تشهد و ترى في الخلق اجمعين ... لک ۲۷) مضمون تقریبی بیان مبارک به فارسی چنین است : " بدان وقتی ابن (حضرت مسیح) روح خود را تسليم نمود تمام کاننات گریستند ولی او با انفاق روحش همه چیز را مستعد فرمود ، همان گونه که در تمام مخلوقات می بینی و شهادت می دهی ..." جرج تان سند در سال ۱۹۵۴ مجموعه ای از بیانات مبارکه در باره حضرت مسیح تحت عنوان " شکوه و جلال حضرت مسیح " (۱۰۷) فراهم کرده بود که هرگز منتشر نشد . بیان مبارک بالا را ، او از مجموعه مذکور در این کتاب نقل کرده است .

گذشته و در تکامل نظام اجتماعی به مرحله " ملت " قدم نهاده و مقدمه اتحاد بعدی ملت ها و برقراری دنیای واحد را فراهم ساخته است .

۲ - تنها مسلمانان تبعه کامل دولت اسلامی محسوبند . افراد مسیحی و کلیمی هرچند آزادند ولی تحت حمایت مسلمانان قرار دارند .

۳ - زبان عمومی مسلمین عربی است ، و تحصیل این زبان برایشان واجب است . به این ترتیب عموم مسلمین میتوانند خود به قرانت قرآن پردازند و از محتوای آن آکاه شوند . این خود کامی است بلند در راه نیل به زبان بین المللی .

۴ - عموم مسلمین در مقابل قانون الهی مساویند و نظام طبقاتی وجود ندارد .

۵ - اتحاد شعائر و مراسم مذهبی در دنیای اسلام .

۶ - آزادی تفکر و لزوم توافق علم و دین .

۷ - وجود نظام قضائی که مستقل از حکومت باشد .

۸ - هر فردی حق دارد تبعه کامل حکومت اسلامی شود .

۹ - نوع حکومت اسلامی مخلوطی است از حکومت دینی [توكارسی] و حکومت مردم [دموکراسی] .

مولف تیح میکرید که نظام اسلامی ، هرچند هم برای دنیای امروز نارسا باشد ، در زمان خود از نظام اروپائی و مسیحی جلوتر بوده است . حضرت محمد نامه های دوستانه برای امپراطور روم شرقی « بیرونی » و امپراطور ایران و پادشاه حبشه و فرمتوای مصر و سلطان حیره و امیر یمن و حتی امپراطور چین ۱۰۰۱ ارسال نموده و خواهان روابط حسنی با آن مملکت شده

شعائر و تشریفات و بطور کلی نظم کلیسا و تسبیح و تهلیل مسیحی ساخته و پرداخته دست بشری است و ربطی به حضرت مسیح و انجیل اربعه ندارد .

فصل متعددی در این کتاب صرف بحث در " اسلام " شده است . مؤلف از قضاوی منفی و تعصب آمیز عالم مسیحی نسبت به اسلام به خوبی آکاه است و ضمناً میداند که اسلام حلقة مهمی در زنجیر تکامل اجتماعی و روحانی بشر است که به این ظهور مبارک منجر میشود و نمی توان و نباید در این مورد سکوت کرد . لذا برای روشن شدن مطلب در ذهن مسیحیان به ذکر دلائل نقلی و عقلي ، هر دو می پردازد . ظهور اسلام با نبوات عهد عتیق منطبق است : " و اما راجع به اسماعیل [تقاضای] ترا شنیدم . قطعاً به او برکت خواهم داد و او را بارور خواهم کرد و عدد [اعقاب] او را خیلی زیاد خواهم نمود . او پدر دوازده فرمانروا خواهد بود و از او ملت بزرگی پدید خواهم آورد " (ل ۲۸) چون بنی اسرائیل از سلاله اسحق و اعراب از سلاله اسماعیل اند ، لذا ظهور پیامبر اسلام در این آیات و آیات بسیار دیگری از کتاب مقدس ، پیشگوئی شده است . آن ملت بزرگ ، ملت اسلام و آن دوازده فرمانروا دوارده امامتد ، جرج تان سند سعی دارد با نقل قول از مؤلفین و محققین و مفسرین نامی غربی ، تاریخ واقعی اسلام را خارج از غرض و تعصب ، روشن نماید . و نظم اسلامی را در نه ماده خلاصه کند :

۱ - وطن پرستی جزو ایمان است [حب الوطن من الايمان] . بنابراین اسلام از حد خانواده و قبیله

اوج اسلامی خود ، دویست هزار خانه و یک میلیون نفر جمعیت داشت . طول خیابانهای عریض و مستقیم و سنگفرش شده آن شهر که شب‌ها با چراغ روشن می‌شد از ده مایل ۱۶ کیلومتر : میگذشت . قرن‌ها بعد ، هنوز در پاریس خیابان سنگ‌فرش شده‌ای به چشم نمی‌خورد . و در لندن چراغی شب‌های ظلمانی کذرکاههای شهری را روشن نمی‌کرد . دانشگاه اسلامی کردویا را اولین دانشگاه اروپا دانسته‌اند . از جمله شاگردان این مدرسه شخصی بود به نام گریت (۱۱۰) که بعداً به عنوان پاپ سیلوستر دوم (۱۱۱) در رم اصلاحاتی را در کلیسا مسیحی آغاز کرد . این تمدن مخصوصاً از راه اسپانیا و جزیره سیسیل ، روی اروپا اثر کذارد . جنگهای صلیبی ، با آنکه مصیبت بار بود ، اروپانیان را با تمدن اسلامی آشنا و از آن متاثر ساخت و مقدمات رنسانس اروپانی را فراهم کرد . این مطالب‌همه از قول مفسرین غربی با ذکر مأخذ نقل شده و با آنچه حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیه بیان فرموده‌اند ، هم جهت است .

فصل "طلوع اروپایی جدید" از مهمترین فصول کتاب است ، و خلاصه آن این است که هرچند تمدن اسلامی در ایجاد رنسانس نقش اساسی داشت ولی بعداً اروپانیان در هنر و فلسفه و علم و صنعت به سرعت پیش رفته‌اند و با کشف قاره‌های امریکا و استرالیا و بسیاری دیگر از جزائر و مناطق دور دست جهان بر دنیا مستولی شدند و تمدن‌های شرقی را تحت الشعاع قرار دادند . متأسفانه کلیسا بعد از دوران شکوفانی اولیه (زمان کنستانتین) پابند ظواهر دین و

است . این اقدام پیامبر اسلام را باید ابتکاری شهامت آمیز در تاسیس روابط بین الملل بر اساس قانون و عدالت ، شمرد . این مطالب که برای بسیاری از مسیحیان تازه و شاید تحمل ناپذیر باشد ، احاطه و اطلاع مؤلف را به تاریخ و معارف اسلامی میرساند . او برای جلب محبت خواننده مسیحی نسبت به پیامبر اسلام ، از احترام پیغمبر نسبت به چضرت مسیح و عطفوت رسول خدا به مسیحیان سخن میگوید ، و به فرمانی که حضرت رسول در مورد صومعه کاترین مقدس (نزدیک کوه سینا) صادر فرموده اشاره میکند و آن فرمان را نمونه بلند نظری و شکیبانی پیامبر اسلام می‌خواند . اشاره‌ای به تاریخ اسلام میکند . از تاسیس مدارس و دانشگاهها ، ترجمه کتب از زبان‌های یونانی و مصری و هندی و عربی ، از تالیف کتب جدید علمی ، از دائرة المعارف‌ها و لغت‌نامه‌های پیشرفته اسلامی از آوردن کاغذ از چین و معرفی سلسله اعداد (معروف به عربی) از هند ، از رونق فلسفه و شعر و صرف و نحو و طب و جراحی و شیمی و فیزیک و جغرافی و ریاضیات و نجوم ، صحبت میکند . مسلمانان در دوران شکوفانی خویش ، گردانندگان تمدن وقت جهان بودند . معماری آنان با بکار گرفتن فضای زیاد و نور کافی و استحکام لازم ، از چهار جهت تا جاوه و چین و روسیه و سودان نفوذ کرد . در زراعت و صنعت و پرورش کل و دریا نوردی و استعمال قطب نما ، پیشو دنیای خود شدند . بغداد مرکز علمی و داد و ستد اسلام در شرق و اندلس در غرب بود . شهر کوردویا (۱۰۹) در

ظهور رب الجنود نزدیک شده باشد . از نظر استدلal عقلی ، دنیا هر روز بیشتر به صورت جهانی واحد خود نمانی میکرد و میباشت نظمی جهانی و مافق حکومات ملی برای اداره آن تأسیس شود دوران استقرار تمدن جهانی الهی فرا رسیده بود در چنین موقعیتی حضرت بهاء الله نظم بدیع جهان آرای الهی را به عالمیان ابلاغ فرمودند .

مؤلف ، سپس به شرح وقایع دوران حضرت باب می پردازد و سعی میکند که مظلومیت حضرتش را تأکید و علت مقاومت باییان را در قلعه طبرسی و زنجان و نی ریز روشن کند . شرح وقایع عهد ابھی و ابلاغ الواح سلاطین مخصوصا به فرمانروایان ارویانی مانند نایپلئون سوم و ملکه ویکتوریا و الکساندر دوم نزار روسیه و پاپ پی نهم ، صفحاتی از کتاب را فرا میگیرد . بعد از اشاره به مصاحبه معروف ادوارد براون با جمال مبارک به ذکر مقام منحصر به فرد و بی سابقه حضرت عبدالبهاء در تاریخ ادیان میپردازد . او معتقد است که حضرت عبدالبهاء مثل اعلای آینین جدید ، با سفرهای خود به غرب و ایراد خطابات متعدد در درجه اول می خواستند ظرفیتی در مردم مغرب زمین برای فهم آیت‌الله به وجود آورند . فصول آخر کتاب به توضیح لصول نظم بدیع اختصاص دارد . نظری که باید قانون لسلی معتبری شمرده شود که اصولاً الهی است و علامه دوحتی است و هم جمله . بعد از انتشار کتاب و صعود جرج تلن سند ، حضرت ولی امرالله از محافل ملی ممالک انگلیسی تلن خلست که از این کتاب نفیس برای تبلیغ امر الهی استفاده

آداب و مراسم مذهبی شد و با عقل و علم و منطق راه دشمنی پیش گرفت با ظهور رنسانس ، بین تمدن رو به پیشرفت اروپایی و روشن محافظه کارانه کلیسا نی اختلاف افتاد . تمدن اروپایی در قاره اصلی و قاره هایی که به تازگی کشف شده بود در زمینه مادیات با کام های بلند به جلو رفت ، ولی در جهت روحانیات به علت غفلت کلیسا دچار رکود شد و رابطه این دو بخش گرفتار عدم تعادل گردید .

رابطه دین و سیاست دستخوش تحولی شدید شد و به چهار صورت جلوه کرد :

اول : در بعضی کشورها مانند ایتالیا تا اواخر قرن گذشته کلیسا بر حکومت تسلط داشت .

دوم : در ممالکی دیگر مانند پروس ، دولت بر کلیسا مستولی شد .

سوم : در سرزمین هایی مانند انگلستان ، کلیسا و دولت پا به پا بودند .

چهارم : در کشورهای نو خاسته ای مانند امریکا ، دین انجمی خصوصی محسوب شد و ارتباط خود را با حکومت بکلی از دست داد .

بتدریج حکومت های ملی بر دنیا مستولی شدند . چه در زنجیر تحول اجتماعی میباشد حلقه حکومت های ملی طی شود تا نوبت حکومت جهانی فرا رسد . نتیجه عدم هم آهنگی و همکاری کلیسا با حکومت های ملی رواح بی دینی و بی رونقی کلیسا بود . در قرن نوزدهم با انقلاب صنعتی تحولی جدید پیدید آمد . از نظر استدلal نقلی کلیمیان وضع بهتری یافتند و به فکر مراجعت به وطن مألوف افتادند و بنابراین میباشد

به خاطر عشق تو همه چیز را از یاد برده ام .

و هر مسرت دیگری را از سرنوشت خود سترده ام ،
جز آنکه در یکتائی تو محظوظ شوم
و هرچه بادآباد گویم .

تا در زمین نشnom ، جز لحن شیرین تو
و در میان یارانت خرام ، چون غلام دیرین تو
و در هر وجود و مسرت ابدی جمال تو را ملاحظه کنم
مولای من ، مرا در سرگردانی راههای بسیار ، به پیش
هدایت کن ،

تا بر حقانیت امرت شاهد باشم
و آهنگ سحر را در فجر یوم تو بلند کنم .
تمام زندگی ام را شعله ای کن از عمل و فدکاری
تا آن اعمال جلال و جلوه جدید اسم قدیمت را اعلام کند .
و بگذار مرگ من نیز همان آهنگ فاتحانه مدح تو را
بلندتر سازد .

پایان

The Old Churches and the New World Faith - ۹۴

Ursula Newman - ۹۶ Brian - ۹۵

Dorothy Ferraby and Marion Hofman - ۹۷

۹۸ - در آن ایام اصطلاح « معاون ایادی » مرسوم بود . بعد از انتخاب مشاورین ، این عنوان حذف شد .

۹۹ - منظور از « انگلیس » در اینجا قسمتی از کشور انگلستان است که انگلند [England] نامیده میشود و قسمت مرکزی و جنوبی جزیره بریتانیا را فرا میگیرد .

100 - Irish Mythology

The Glad Tidings of Bah'u'llah, London - 101

Simpkin Marshal Ltd. - 102 Christophil - 102

بقیه در صفحه ۷۶

نمایند . در کانادا و امریکا بیش از یکهزار نسخه برای روزنامه مذهبی ارسال شد . در استرالیا به همت یکی از احباب تمام فصول کتاب بتدریج و در شانزده هفته در مجله آرگرس شمالی (۱۱۲) منتشر گردید . در انگلستان نسخه هایی از این اثر برای دو اسقف اعظم (کاتربری و یورک) و چهل و دو نفر از اسقف ها فرستاده شد . اسقف اعظم کاتربری و نوزده نفر از اسقف ها وصول آنرا رسما اعلام کردند و فقط یکی از آنان از پذیرفتن کتاب عذرخواست . هرچند مطبوعات توجه خاصی به این کتاب نکردند ، ولی بسیاری از کتابفروشی های معتبر آنرا برای فروش پذیرفتند . آرزوی جرج تان سند که از حضرت بهاء الله خواسته بود : « و بگذار مرگ من نیز همان آهنگ فاتحانه مدح ترا بلند تر سازد » به معنای لفظی جمله برآورده شد .

شعری عرفانی از جرج تان سند ، سروده ۱۹۲۴

بهاء الله

محبوب یکتای من ، قلب من آکنده از آتش است .
و سرجمع تمام آرزوهایم این یک خواهش است .
که از روح چنگی پر تار ساخته شود
و تنها با دست عزیز تو نواخته شود .
در پیشگاه بخشایش تو سر فرود میآورم و دعا میکنم
که با تکیه بر قدرت عشق توانا شوم ،
تا با پای محکم قدم در راهی که دشوار و پر اسرار
است گذارم .
وسوی آن مکان که آرزو و امید مشتاق است ، شتابم .

«قيود عالم فاني تو را باشد بلای جان»

ابوالقاسم افنان

که ای دربند ما و من ، بری شو از من وا زما
 نجوبی زین همه مردم ، بغير از زشت و نازیا
 نخواهی عزت باقی ، نجونی کنز لاتفنی
 بود آری بلای جان ، تقید در بر دانا
 که دون همت خزف جوید همی زین سهمگین در دیرا
 بری از این معارک شو ، گذر از لا و از الا
 ز سوز سینه آوا کن ، بنام حضرت اعلی
 شده چون صفح انگلیون ، مقام نقطه اولی
 به بین انوار ذات حق ، عیان از سدره سینا
 بکش جام می باقی ز خُم خالق یکتا
 ز خُم غیب ذات خود ، به یاران ساغر صهبا
 خدای ذوالعطای من ، جمال اقدس ابھی
 بنوشانم می غفران ، به بخشایم که ها بشری
 تونی بر ملت جان حاکم ، تو بر کون و مکان موی
 تو غفار ذنوب من . تویی آن ذات سی هستا
 همه بر ذکر تو ذکر . همه بر نام تو کوی
 همه خدام کوی تو . کمر میسی اکبر عیسی
 حبیب نکته دلن آمد . شه یثرب مه یتحا
 از او شرمندگی بادم . کز لو کردم من لستا
 «بیابان بود و تابستان و آب سرد و لستا .

زبان در کام من الکن ، فرو بندم لب از گفتن
 که خود بندد دکان خود کسی کاو نیستش کالا

بکوش جان رسد هر دم ، سروش از عالم بالا
 نیایی حاصل از دنیا بغیر از ننک و بد نامی
 دریغ آید مرا ای دل ، که باشی غافل وزاهل
 قیود عالم فانی ، تورا باشد بلای جان
 ز بحر حمت یزدان ، گهر بردار و هم مرجان
 براهه دوست سالک شوبنام دوست هالک شو
 ز دنیادل میرا کن ، فضای دل مصقی کن
 بر قص اندر بود صهیون ، ز انوار بها مشحون
 قدم بردار از این وادی ، به بیدای قدم روکن
 قبای عاریت برکن ردای عاقبت برکن
 بگویم کیست آن ساقی ، که میبخشد می باقی
 هم او باشد بھای من ، بھای من خدای من
 هلاکی شاه انس و جان امیر کشور جانان
 تویی غافر تویی غالب تویی باذل تویی راحم
 تویی رب الربوب من ، تو ستار عیوب من
 همه بر درگهت خاضع ، همه در حضرت ساجد
 همه سرمست هوی تو ، همه عشاقد روی تو
 جمال رب عیان آمد ، مسیح از آسمان آمد
 اگر داد سخن دادم ، سنائی بود استادم
 «بحرص ارشربتی خوردم مگیر از من که بد کردم»

شرح حال جناب حکیم آقا جان

اول من آمن کلیمیان

پیش از آغاز سخن باید نظری بتاریخ افکند و سرنوشت ملت یهود را که زمانی در منتهای عزت و شکوه میزیسته اند مطالعه نمود . انبیای بنی اسرائیل سریچی این قوم را از طریق صواب هرک نموده و آنانرا شدیدا انذار نموده بودند . این انذارات قبل از اظهار امر حضرت مسیح و پس از آن تحقق یافت و ملتی که خود را از برگزیدگان پروردگار میشمردند سرانجام بچه ذلت و اسارت و پراکنده مبتلا شدند و حتی تا نیمه اول قرن نوزدهم در اروپا مجاز بودند فقط در خانه های چویی سکونت کنند .

پس از صدور فرمان کورش کبیر جمعی از کلیمیان بایران پناهنده شده و در بعضی بلاد مستقر شدند و بعلت وجود مقبره استر همسر کورس و دانی وی مردخای در همدان تعداد نفووس آنان در آن شهرستان بیش از سایر بلاد بود و چند صباحی ابنای خلیل در ایران در رفاه و آسایش میزیستند ولی پس از حمله اعراب مجددا تحت فشار و تضییقات قرار گرفتند . گروهی اسلام آوردن و گروهی دیگر بپرداخت جزیه تن در دادند با وجود این نتوانستند از فشار و بلياتی که در طی قرون با آنها وارد میشد رهانی یابند . بلکه هر زمان که رهبری جدید قدرت مییافت روحانیون و علمای اسلام از موقعیت وی بهره برداری میکردند ، عوام الناس را تحریک مینمودند و بر شدت تضییقات واردہ میافزوند .

دکتر حبیب ثابتی

بعنوان مثال بفتوای حجۃ الاسلام آخوند ملا عبدالله در همدان در قرن گذشته اشاره میشود . وی برای تحقیر و آزار کلیمیان همدان بتصور اعلامیه ای بیست ماده ای که حاکی از تنفر و تعصبات جاهله بود مباررت نمود :

يهودیان باید وصله سرخی بنام وصله جهودی بالبسه خود بدوزنند تا از سایرین مشخص گردند ، حق ندارند سوار بر اسب یا الاغ شوند و یا در خانه دو طبقه سکونت کنند . درب خانه آنان باید کوتاه باشد تا موقع دخول بخانه خود خم شوند . در ایام بارندگی از خانه خود خارج نشوند . در زمستان هنگام عبور از کوچه و بازار پالتو نپوشند و فقط مجازند آنرا در زیر بغل خود حمل کنند و چندین فرمان تحقیر آمیز دیگر . بعضی از کلیمیان هم برای رهانی از این فشار ظاهرا باسلام ایمان آورده و جدیدالاسلام نامیده شدند . اطبای همدان در قرون گذشته عموما کلیمی بودند و اگر طبیبی بعيادت بیماری میرفت در مسیر وی پارچه یا کرباسی میکشتردند و آن پارچه و ادواتی را که طبیب با آنها تماس میگرفت می شستند و آب میکشیدند و ناگوار تر از آن زمانی بود که طبیب در معالجه خود راه خطای میرفت و قادر به مداوای بیمار نمی شد .

جناب حکیم آقا جان (۱) فرزند حکیم الازار (الله زار) و از ابنای حضرت کلیم طبیبی بسیار حاذق و در عین حال از اجله علمای یهود و حاخام شهرستان همدان

را که همواره منتظر عقوبی شدید بود دچار حیرت و تعجب نمود و روزنامه امیدی در خاطر پسر پدیدار گشت . ایشان جویای حقیقت شدند و سرانجام باب مذاکرات تبلیغی بین آنان آغاز شد و برآین مختلفی در باره ظهور ماسیح و رب الجنود که انبیای بنی اسرائیل آنها اشارت و بشارت داده بودند بیان آمد و مورد بحث و تحقیق قرار گرفت ، درست معلوم نیست که این مباحث تا چه زمان ادامه داشته است ولی آنچه مسلم است اینکه ایشان با اطلاعات عمیقی که در نبوت عهد عتیق داشته اند و باصفای ضمیر دعوت آنان را لبیک گفتند و ندای آمنا و صدقنا بعنان آسمان رساندند و بشرف ایمان فائز و اول من آمن کلیمیان میباشند . پس از تصدیق امر مبارک آنچنان شور و اشتباق و اشتعالی یافتند که بلافاصله این مژده فرح بخش را باطلاع نزدیکان خویش ابلاغ نمودند و همه آنان باستثنای یکی از خواهران بامر مبارک اقبال نمودند . آنگاه روز شنبه طبق معمول بکنیسه رفته آغاز سخن کردند ولی این بار برخلاف روزهای کذشته لحن بیانات ایشان کاملاً متفاوت بود و سبب حیرت حضار شد .

ایشان با سخنان خود حضار را بشهادت طلبیده و اظهار داشته اند که آیا من در اجرای برنامه های مذهبی کوتاهی نموده و یا در معاملات ندرستی کرده و یا بفردى خیانت نموده یا نظری حل لحمدی داشت ام . آیا در سخنان خود باعث رنجش لحمدی شده و یا در طبابت خود قصوری داشته ام ؟ همه حضور بااتفاق میگویند خیر . سپس جناب حکیم آقا جلن

بود و احاطه وسیعی بكتاب مقدس داشت و عموم کلیمیان بایشان اقتدا مینمودند . معظم له روزهای شنبه طبق سنت دیرینه بنی اسرائیل در کنیسه حاضر شده و برای حضار بوعظ و خطابه میپرداختند .

روزی همسر جناب محمد جواد نراقی علیه بهاء الله بیمار شده و جناب حکیم آقا جان را برای عبادت و مداوای بیمار دعوت میکنند در آن زمان اطباء بعلانم ظاهری بسیار توجه نموده مرض را تشخیص میدادند و دارونی مناسب تجویز مینمودند . متأسفانه این بار جناب حکیم آقا جان در تشخیص بیماری سخت دچار اشتباه شده و با بکار بردن دارونی نا مناسب حیات بیمار را بمخاطره انداختند .

ایشان در اولین ملاقات محتملاً توجهی بمحیط روحانی آن منزل ننموده و حتی متوجه نشده بودند که در مسیر ایشان پارچه ای کسترده نشده است و البته در چنین موقعیت و کیفیتی که قبل از آن اشاره شد دچار نگرانی و اضطراب شده و برای خود مجازاتی شدید پیش بینی مینمودند . در هر حال با تشویش فراوان معالجه را ادامه داده و بیمار را از خطر مرگ نجات دادند ولی انتظار ایشان تحقق نیافت ، حتی آثار خشم و نگرانی در چهره جناب محمد جواد و برادرشان جناب محمد باقر ظاهر نشد و بالعکس آن دو بزرگوار که جوهر خلوص و انقطاع بودند در مقام تسلیم و رضا با کمال سکون و وقار و منتهای عطوفت و مهربانی سعی مینموده اند ایشان را که از کرده خود شرمسار بودند تسلی بخشنند .

رفتار غیر عادی این دو برادر ، طبیب افسرده خاطر

جناب یعقوب و دو برادر جناب حکیم موسه و جناب حکیم اسحق (خانواده های یادگاری و پرشک) . شرح احوال جناب حافظ الصحه در جلد نهم عالم بهانی سال ۱۹۴۰-۴۴ و صفحه ۶۱۲ بچاپ رسیده است .

جناب حکیم موسه حنیم (خانواده اتحادیه همدان) و چند نفر دیگر از بستکان جناب حکیم آقا جان که با مر مبارک اقبال نموده اند عبارتند از : همسر ایشان امة الله طوطی مقبوله ، یک پسر مهدیخان (مادر مریم خانم رفت) و دو دختر بنام امة الله هاجر (خانواده های یخچالی وجودی و اظهاری) و امة الله طاووس (خانواده های اخوان ، بقانی و کتیرانی) .

ایشان نیز دارای ۷ خواهر بوده اند و هریک دارای فرزندی بنام مایر که پس از اقبال با مر مبارک نامشان به مهدی تغییر میابد و عبارتند از : امة الله مروارید و فرزند ایشان جناب آقا مهدی عمانی ، امة الله خاتون و فرزندشان جناب حاجی مهدی ارجمند و امة الله حنا فرزندشان جناب مهدی (خانواده های جناب عزیزالله شکیب) امة الله کوهر و فرزندشان جناب حاجی مهدی اختراخواری و امة الله شاخ نبات و فرزندشان جناب حاجی مهدی نامی ، امة الله خانم و فرزندشان جناب مهدی (خانواده حبیب شکیب) و خواهر هفتم و فرزند خود آقا میر بلند که از فیض اقبال با مر مبارک محروم بودند .

جناب حکیم آقا جان هنگام صعود در بستر بیماری می شینند و به بستکان خود که نگران سلامتی ایشان بوده اند اظهار میدارند چرا ساكت نیستید مگر حضور رب الجنود را ملاحظه و مشاهده نمیکنید . چندی بعد

بسخنان خود ادامه داده میفرمایند آیا از من راضی هستید و هرچه بگوییم تصدیق نموده و اجراء مینمایند . همگی باز بالاتفاق جواب مثبت میدهند . آنوقت با کمال صراحة اظهار میدارند که در اثر تحقیقات و مطالعاتی که نموده ام پایان ذلت و آغاز عزت اسرائیل فرا رسیده است و شما بشارت میدهم که ماشیح و رب الجنود ظاهر شده و شما را باین دو ظهور که آرزوی همه ما کلیمیان است دعوت میکنم . این بیانات آرامش کنیسه را بهم ریخت همهمه ای آغاز شد و بسیاری از آنان بعنوان اعتراض کنیسه را ترك گفتهند و فقط دو حدود ۱۵ نفر از حضار تحت تاثیر این گفتار قرار گرفته و با مر مبارک اقبال نموده اند .

جناب حکیم آقا جان مراتب ایمان و ایقان خود را خاصعاً خاشعاً بمحضر مبارک جمال اقدس ابھی معروض داشته و دو لوح مبارک باعزاز خود و ابوی ایشان عز نزول یافته و محتملاً جناب حکیم لاله زار ابوی ایشان پس از زیارت این لوح منیع مبارک بشرف ایمان فائز میگردد (۲) .

بعضی از افرادی که در کنیسه ندای امر الهی را شنیده و با مر مبارک اقبال نموده اند از اینقرار است : برادر ایشان جناب حکیم ایلیا (حکیم الی) و اولاد ایشان خانواده علی زاده را تشکیل داده اند .

جناب آقا سلیمان زرگر داماد خواهر معظم له و برادرش جناب آقا مراد زرگر (خانواده نکونام و بستکان آنان)

جناب حاجی حکیم هرون (خانواده های ارفع)
جناب حکیم رحیم حافظ الصحه و فرزند شهید ایشان

امه الله طاوس خانم صبيه معظم له اين افتخار را
يافتند که مدت چند ماه از حضرت ورقه علیها پرستاري
مینمود و هنگام مرخصی يك جفت دستکش حضرت
عبدالبهاء را بایشان اهدا فرموده بودند . این داستان
جالب از احفاد ایشان شنیده شده که وصیت نموده
بود که پس از مرگ دستکش مزبور را بدستش کنند
ولی دختران از اجرای آن امتناع میورزند . پس از فوت
ایشان يکی از همسایگان کلیمی مراجعه نموده میگوید
دیشب در خواب طاوس خانم را دیدم و کله میکرد
چرا دستکش مرا نداده بودند .

*** *** ***

در باره تحری حقیقت و تحقیق چنین مینویسد " دو تن
از رفقا و همشهربان خود را نیز همراه کرد که بیاری آنها
حق تحری را بهتر بجای آورده باشد و يکی از آن دو نفر
مرحوم حافظ الصحّه حکیم عبدالرحمٰن بود ... در این ایام
جناب ابن اصدق میرزا علی محمد ایادی امرالله ... به
همدان وارد شد و در منزل آقایان محمد جواد و آقا
محمد باقر فروز آمد ... حکیم آقا جان اوقات شباهه روزی
خویش را صرف تکمیل تحقیقات و مذاکره با این اصدق
نموده تا بالآخر بسعادت هدایت رسید و بشرف ایشان فائز

گشت

۲ - نویسنده این مقاله چهار حقول را که داشتند و
منسوبان جناب حکیم آقا جان علیه السلام، آن علیه سلام که
بلکت محدودیت صفحات از درج آنها ممنوع است



لوحی منیع باعزاز فرزند ایشان جناب مهدیخان شرف
نزول یافته و در آن بیان حکیم آقا جان را هنگام
صعود تائید فرموده اند .



۱ - جناب یعقوب کتیرانی نیز شرح حالی از حکیم آقا جان
بعد از وصول این شرح حال مرقوم و ارسال داشته اند که
متضمن تفصیل بیشتری است و در شرح حال مزبور
اضافه نموده اند که « حکیم آقا جان اولین بهانی کلیمی
ساکن شهر همدان است و نسبتشان به حضرت هارون
میرسد و از کهنه و سادات بنی اسرائیل محسوبند ... » و

لوجه مبارك بحر قدم جنر حاله در پر اضعه حکم آفاجان نام برده مهد فریز
غزنوی بخت

يقسم اذكر من سبی بمحبی لیخ و دیکون من الشکرین یا محبدی اسمع الداء
الذی ارتفع من هـ المقام الاعلى من سدة الحکمة، اذ لا الله الا هو اعزه الواحد عصیلم بحیر
ان الدین يقصو اعیاش ته و عده اولئک من الخسرن فی کتاب تقدیر العالمین فل
یا قوم قد جا، اليوم والیوم سادی، بهم لفترة عظیم ایاکم ان تعمکم ماغد ایهم عن افت
الاعلى و خذ واما او قیم من لدن علیم خبیر طوبی لک ولمن صدعا لله نسخه ای شعر
کوثر السقا، سن یعطی ربه الرکیم اذ فاز بالاقربات بخلق یشید بذلك سان الله
فی هـ المقام الرفع قبل الى الافق الاعلى او اعرض عنہ الوری الامن شاید بذلك
ملکوت الامما، و عرف بالاطقه بعقم و اقرب بالازل من سما، لفضل من لدن
قدر ای ایکنا معه حسین صعوده و ذکر ما به باج بحر لطف اذ و باج یعرف غلیت
العصور الرحیم طوبی له ولمن ذکره بعد صعوده بالازل من لدن نیزل قیم
البـآ علیه و علی الدین يقصو اعیاده تقدیر المرش العظیم.



معرفی کتاب

۱ - ندا باهل عالم :

این اثر نفیس ترجمه منتخباتی از توقیعات مبارکه حضرت ولی محبوب امرالله در باره نظم بدیع بهائی است که از قلم مبارک بلسان انگلیسی صادر گردیده و جناب هوشمند فتح اعظم آنرا با قلمی شیوا و شری روان و رسماً بنظر استفاده یاران فارسی زبان ترجمه نموده اند و در آخر کتاب مضمون آیات و آثار عربی مندرج در متن نوشته شده تا درک مطالب سهل و آسان گردد.

بنظر مزید اطلاع دوستان پیش گفتار این اثر نفیس ذیلاً نقل میگردد:

» ولی امر بهائی حضرت شوقی افندی در ایفاء وظیفه خطیره مبارکه اش در تبیین آیات و آثار ظهر بهائی به تفصیل و تأکید بر نظم جهان آرائی که در صدف آن ظهر مستوراست تکیه کرده از ابتدای ولایتش که شروع عصر تکوین امر بهائی است به عناصر گرانبهای مدنیت الهیه که تأسیسش مقصد اصلی حضرت بهاء اللہ است اشاره فرموده و طی سالیان بعد ضمن نامه هائی که معمولاً به توقیعات <نظم جهانی> مشهور است به تشریح و توضیح پرداخته. امروزه بسیاری از مردم اذاعان دارند که وجود نظمی جهانی در این زمانه لزوم حیاتی دارد اما حتی مؤیدین و طرفداران پرحرارت چنین نظمی در باره چگونگی تحقیق متینند و در عین حال سیر تجزی و فساد همچنان جاری است و عالم انسان به یاس و پریشانی دچار و گرفتار.

در چنین موقع بحرانی بیت العدل اعظم که مرجع بین المللی امر بهائی است بر خود لازم شمرد که بار دیگر مقصد و معنای پیام بهائی را بگوش عالمیان برساند و رابطه و ملازمتش را با موضوع حیات و بقای انسان در این کره خالک اعلام دارد و بر آن شد که در این دفتر منتخباتی از توقیعات <نظم جهانی> حضرت بهاء اللہ را جمع آورد و آنرا چون چراغ هدایت در این عصر تاریخ تاریخ بشری در دنترس جمیع عالم نهد و ضمناً یقین دارد که این عصر ظمانی را آینده ای است بس نورانی که افقش بانوار روز فیروزی روشن است که در جمیع اعصار گذشته پیامبران و عرفاً بآن بشارت داده و شاعران در ذکر شعرها سروده و امروز سپیده اش بر بنی آدم دمیده است.

مباحث مذکوره در کتاب پس از مقدمه عبارتند از ،

- ۱- مصائب عالم انسانی . ۲- وحدت عالم انسان . ۳- طرح و نونه جامعه *لینقه* *ب* حامیه متحده عالم انسانی
- ۵- سرنوشت نوع انسانی و بالاخره مضمون فارسی آثار عربی در کتاب .

احبائیکه در میادین خدمت و تبلیغ گام بر میدارند بخوبی آگاهند که امروز مباحثت سوره سوره و شعر جواب بشری همانا مباحثی است که ولی محبوب امرالله در آثار مبارکه خود تبیین و تشریح فرموده اند زیرا نظام کهنه رویزوال است و تجییات آفتاب نظم بدیع امر الهی ظاهر و آشکار و این دو نیرو بشدت بسیر خود در حرکتند.

لهذا انتشار چنین اثر گرانبهائی بفارسی در این برهه از زمان برای دوستانیکه هنوز بزبان انگلیسی آشنائی کامل نیافته اند بقدرتی ذی قیمت است که حدی بر آن متصور نیست . و حتی جوانانیکه انگلیسی را بخوبی میدانند ولی در زبان فارسی بعلت اقامت طولانی در مغرب زمین مشکل دارند مطالعه این کتاب بعلت روانی و سادگی و در عین حال رسائی و زیبائی باآموزش فارسی آنان کمک مینماید . زبان فارسی لسان آیات الی ای است و هر فرد بهائی وظیفه دارد در تحصیل آن که حق جل جلاله آنرا دوست داشته و بدان تکلم فرموده سعی بلیغ مبذول دارد این کتاب اخیراً بواسطه مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی چاپ و انتشار یافته است .

دوستانیکه مشتاق چنین اثر گرانقدری میباشند میتوانند با مؤسسه مذبور مکاتبه نمایند آدرس مؤسسه ذیلاً نگاشته میشود .

۲- انتشار جلد سوم مقالات و رسائل در مباحث متعدد :

بسیاری از یاران مهد امرالله با نام دکتر علی مراد داوودی که سالیانی چند عنوان منشی محفل مقدس روحای ملی بهائیان ایران بروظائف وجودانی و روحانی خویش قائم بوده آشنا و یا او را میشناختند .

هرچند آن محقق عالیقدر عالم امر در اوائل ورود تضییقات اخیره بر یاران ستمدیده مظلوم مهد امرالله به چنگال معاندان حسود و تبه کاران عنود اسیر و برتبه فدا نائل شد و بمقربان کبریا در عالم بقا پیوست و امروز دیگر در میان ما نیست . ولی مقام رفیع شهادت و آثار گرانبهائی که از او باقی مانده او را زندگی جاوید بخشیده است .

دکتر داوودی عزیز سخنرانی بلیغ و نویسنده ای توانا بود : سبک نگارشی دور از تکلف و عاری از لغات نامنوس ولی زیبا و دلنشیں داشت . با وجود آنکه در بسیاری از نوشت捷ات و مقالات خود از آثار امری استفاده نموده ولی عبارات را چنان بهم پیوسته و مرتبط ساخته که گونی پیوند روح یافته اند . اخیراً مجموعه ای بااهتمام محقق ارجمند جناب دکتر وحید رأفتی عنوان مقالات و رسائل در مباحث متعدد از شهید مجید دکتر داوودی فراهم آمده که واقعاً از هر حیث جالب و جاذب است .

در مقدمه کتاب شرح حال شهید مجید دکتر داوودی باختصار از شرح حال تفصیلی که فرزند برومندش جناب فریبز داوودی بانگلیسی نگاشته ترجمه و درج گردیده است و بعضی از مباحثی که در این مجموعه مورد تجزیه و تحلیل واقع شده عبارتند از ،

وحدت عالم انسانی ، تربیت در آئین بهائی ، منتخباتی از مطالب کتاب مستطاب اقدس : عدم مداخله در امور سیاسی ، اشاره ای بیاصول عقاید اهل بھاء ، همه را در یک سلک نمیتوان کشید ، چرا جواب نمیگوئیم ، دولت ایران چنین خواسته بود و امثالهم :

شاید گفته شود که مباحث ذکر شده در الواح مبارکه بیان گشته و در آثار نویسنده کان بهائی مورد بحث و فحص قرار گرفته است ولی باید دانست که دکتر داوودی بسیاری از این مقالات را در دوران اخیر بعد از تغییرات و

تحولات تازه نگاشته لهذا نحوه استدلال متناسب با اوضاع زمان بوده و نیز از نظر اسلوب نگارش و استدلال منطقی و پیوستگی عبارات و امتزاج مطالب با امثاله و حکایات دلنشیں کاملاً با نوشتچات دیگران متفاوت است.

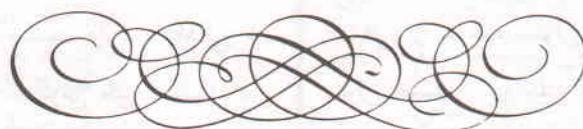
اسلوب نگارش طوری است که خواننده تا مقاله ای را بايتها نرساند کتاب را بر هم نمی نهد.

مؤسسه جلیله معارف بهائی به لسان فارسی مبادرت باتشار این مجموعه ذیقیمت نموده لذا دوستانی که مایل به مطالعه و داشتن آثار معرفی شده هستند متممی است با مؤسسه بادرس زیر مکاتبه و ترتیب ابتیاع آن را بدهنند.

Institutue for Baha'i Studies in Persian

P.O. Box 45600 Dundas ONTARIO

L 9 H 6 Y 6 CANADA



اطلاعیه

آهنگهای دلنواز کنگره عظیم نیویورک (مدینه میثاق) سنه مقدس ۱۹۹۲ در نوارهای صوتی ضبط شده. کسانیکه مایل به داشتن نوارهای مزبور میباشند میتوانند با توجه به آگری زیر خریداری نمایند.



ORDER FORM

Name _____ Address _____

City _____ Prov./State _____ Post Code _____

Country _____ Tel _____ Fax _____

CASSETTE SETS

Number of cassette sets
(\$24.95 each) _____

Number of CD sets
(\$35.95 each) _____

SHIPPING & HANDLING COSTS (circle one)

CANADA: 10% of order
U.S.A.: 10% of order (surface mail)

INTERNATIONAL: 15% of order (air mail)
10% of order (surface mail)
20% of order (air mail)

Canadian residents add GST (7%)
Ontario residents add PST (8%) + GST

ALL OTHER COUNTRIES :
U.S. DOLLAR MONEY ORDER
OR BANK DRAFT ONLY

PAYMENT

TOTAL ENCLOSED _____ Cheque or money order

Credit Card: VISA MASTERCARD Card Number _____

Print name on card: _____ Expiry date: _____ Signature: _____

PLEASE MAKE CHEQUES OR MONEY ORDERS PAYABLE TO:
LIVE UNITY PRODUCTIONS, 288 Bloor Street W., Toronto, Ontario M5S 1V8, Canada.

TEL: (416) 944-9689
FAX: (416) 944-9245

قسمت جوانان :

پیام به جوانان *

افسرده گی باز می دارد . همچون نسیمی به جنبش در می آیند . این نه جنبشی است که نشانی از گریز پائی و سرکشی داره . جنبشی است که به گل ها رنگ و جلا می بخشد . سبزه ها را از طراوت سیراب می کند ، درختان را تاجی سیمین از شکوفه ها بر سر می گذارد ، پیچ و تابی موزون به اندام ها می دهد ، جانهای پاک را که در قفس های سینه گرفتارند مددی از هوای جانفزا می رساند . اگر این دریا سر به طغیان بر ندارد ، اگر این آتش زبانه نکشد ، اگر این نسیم به جنبش در نیاید چه نشانی از حرکت میتوان دید ؟ چه امیدی به حیات می توان جست ؟ چه جلوه ای از روح می ثوان یافت ؟ و آنجا که حرکت پیدا نباشد و حیات رخت از میانه بر بند و روح در پرده خفا بماند حقیقت چگونه جلوه می کند ؟ ایمان چگونه به ظهور می رسد ؟ و دیانت چه مفهومی دارد ؟

امر بیهانی که حقیقت را جلوه می دهد ، ایمان را به ارمغان می آورد ، دیانت را از نابودی می رهاند و جهان هستی را جوانی جاودان می بخشد ناگزیر در وجود جوانان ظهری شدیدتر دارد .

رب اعلی در جوانی نقاب از رخساره بر انداخت ، جمال ابھی در جوانی ، خویشتن در عالم امکان ظاهر ساخت ، مولی الوری در جوانی نرد محبت باخت ، ولی امر بهاء در جوانی قد برافراشت .

قدوس در جوانی دل به دریا زد ، طاهره در جوانی سر به بیابان گذاشت ، روح الله در جوانی نعره از دل برکشید ، بدیع در جوانی غوغای جهان افکند .

بزرگان ما جوان بودند ، جوان ماندند و جوان از

دلهائی که از شوق می لرzed ، جان هائی که گرمی به آتش می بخشد ، چشم هائی که با فروزش خود در زجاج تیره فام اعجازی همچون تابش خوشید در دل شب پدیدار می سازد ، دست هائی که خستگی نمی شناسد ، بازویی که پیچ و تاب آنها از خواهش و جنبش و کوشش حکایت دارد ، پاهانی که بر زمین چنان راه می پیماید که گونی طیر سبکبالی در آسمان ها پر می گشاید ، تن هائی که با همه استواری در سبکی و چالاکی گوی از نسیم می برد . . . این است آنچه لبهای ما را به ستایش آنان می گشاید . این است آنچه هیچکدام از جلوه های هستی در جلال و جمال به پایه آن نیست .

همچون دریانی پر خروش سر به طغیان بر میدارند . این نه طغیانی است که مرگبار و هراس انگیز باشد . طغیانی است که هشدار می دهد ، چشم های برهم افتاده و خواب آسوده را می گشاید ، سکوت مرگ را در هم می شکند و غوغایی از هلله و هیاهو به پا می سازد .

همچون شعله آتش زبانه می کشنند . این نه شعله ای است که جان گداز و هستی سوز باشد . شعله ای است که روح را در خود مصور می سازد ، ظلمت دل را می شکاند ماء معین حقیقت را از بخش زدگی و

دکتر فیروز برافی " بهار امسال "

ه

امسال در بهار ، چه خواهد بمن گذشت ؟ !

اردیبهشت ماه :

چون نگهت صبا برپاند پیام دوست ،
مرغ چمن چو لب بگشاید بنام دوست ،
غوغافند بمیکده ها از کلام دوست ،
ساقی خراب و می زده گردد ز جام دوست ،
من چشم و دل براه ،
در انتظار یار ، چه خواهد بمن گذشت ؟ !

از برکت بهار

روح حیات چون بدید در جوانه ها ،
مرغان چو پر کشند فراسوی لانه ها ،
ابر گهرفشن بتکاند خزانه ها
در آب جویبار بلغزد ترانه ها ،
تنها و بیقرار ،
در عشق آن نگار ، چه خواهد بمن گذشت ؟

در شهر آرزو :

چون از دم بهار برویند لاه ها ،
لرزند بز لب کل نورسته ژاله ها ،
زاهد بشوق باده بنوشد پیاله ها ،
ملا در آتش افکند آخر رساله ها ،
من مانده در شگفت :
از گشت روزگار ، چه خواهد بمن گذشت ؟

لید بست لم :

ملل ، چون بهار ز راه آید فراز ،
ولن یار پرمه برفکند لز جمال راز ،
ز بخت خیر و سوی خلعت لاحزار ،
با سر برده شتم و با جان به بیشتر .
سمی جد نوی او .

صبر و اختیار . چه خواهد بمن گذشت ؟

با حقوق گته لم :

شاید بیار خاطروم از تم رها کند ،
شاید نکار کوته چشی ساکند ،
شاید خدا داش بدم اشنا کند .
تا یار جانب که گردیده ، چها کند .
در بیم و در امید ،
امسال در بهار ، چه خواهد بمن گذشت ؟

جهان رفتند . اگر به سالخوردگی رسیدند جوانی از دست ندادند . زیرا که اینان را نه دل در سینه به پژمردگی گرایید و نه آتش در دل به خاموشی رفت . نه تن در راه از جبیش باز ایستاد و نه جان در تن به سستی گرفتار آمد و جوانی را جز این چه مفهومی است ؟

امر بهانی دستهای توانای جوانان را در گستین بندهایی که بر گردن دلها انداخته اند به خدمت می پذیرد . پاهای خستگی ناپذیر جوانان را در پیمون دشتها و فرا رفتن از کوه ها و رسیدن بدان سوی دریاها برای گرد آوردن فرزندان سرگشته آدم ، برای بهم پیوستن دلهای رمیده آشنايان بیگانه نمای ، برای نابود ساختن ظلمت و وحشت و نفرت از صحنه ای که جلوه گاه نور حقیقت می تواند بود به کار می گیرد . این است که دلهای خود را به جوانان می سپاریم امیدهای خود را به جوانان می بندیم و آرزوهای خود را در جوانان می جوئیم و کاشکی جوانان ما این دلهای امیدوار و آرزومند را همچنان سرشار از امید و اکنده از آرزو نگاه دارند .

*** *** ***

* این مقاله از صفحه ۲۱۲ مجموعه (مقالات و رسائل در مباحث متتنوع) بقلم شهید مجید دکتر علی مراد داویدی که در صفحه ۶۸ این شماره مجله عنده معرفی شده نقل گردیده است

« عنده »

اخبار و بشارات امری

استرالیا :

مردمان بومی جهان نامیده شده است بهمین منظور جامعه بهانی استرالیا با کمک قبیله بومی آرتنه (Arrente) فستیوال بنام " قلب استرالیا ندا میکند " در تاریخ دهم تا ۱۷ اکتبر در آدلیس اسپرینگ (Alice Spring) برگزار کرد. در این فستیوال بیش از ۱۵۰ نفر از احبابی استرالیا، کالندونیای جدید (New Calendonia) نیوزیلند (Tuvalu)، کینه جدید هاپوا، ساموا، تونگاو تووالو (Tuvalu) شرکت کردند. این فستیوال بوسیله ری蒙د وايمارا Reymond Wymara یکی از پیرمردان بومی افتتاح کردید او قبلاً به کشورهای جنوب اقیانوس آرام سفر کرده بود او از مردمان بومی برای شرکت در این فستیوال دعوت بعمل آورده بود. او با خود بر طبق رسوم قبائل بومی " عصای پیغام " را که مظہر صلح و سلام است از طرف دولت استرالیا و قبیله آرتنه و محفل ملی استرالیا بآن کشورها برده بود. در مراسم افتتاحیه فستیوال به همه نشان داد.

پرنسیس توسی مالیه توا : Tosi Malietoa از طرف دولت ساموای غربی بطور رسمی این فستیوال را در حضور پیرمردان قبیله آرتنه افتتاح کرد و پس از آن تمام ملیت های شرکت کننده در فستیوال در مرکز شهر آليس اسپرینگ رژه رفتند. در خلال این فستیوال احباء سینارهای مختلفی تشکیل دادند. طرح یک پروژه تبلیغی بنام " اقیانوس نور " که هدف آن اشتهر نام بهانی در اقیانوس آرام بود انجام گرفت و ۴۰ نفر از احباء من جمله دو نفر از مشاورین قاره‌ای، ۵ نفر از اعضاء محفل ملی استرالیا و پنج نفر از معاونین و همچنین نایندگان کشورهای مختلف در آن شرکت

هیئت مشاورین قاره استرالیا در نیمه دوم ماه ژانویه به انعقاد دو جلسه به منظور تبلیغ و توسعه امر الهی پرداختند. در جلسه اول که با حضور متجاوز از ۵۰۰ نفر از احبابی سیدنی و حومه تشکیل شده بود حضرات مشاورین اخبار خوش توفیقات امری در این ناحیه را که شامل تعویض و تحويل اختیار و مدیریت ۵ مدرسه ابتدائی واقع در جزایر مارشال به محفل روحانی ملی آن جزایر و توسعه و تقویت پروژه تبلیغی " دریای نور " می‌بود با احبا در میان گذاشتند. در طی این دو جلسه مسائل مختلفی از قبیل امر تبلیغ در قاره استرالیا - جزو جدید " تبلیغ دست جمعی " صادره از مرکز جهانی بهانی و صندوق مالی امر مورد توجه و مشورت قرار گرفتند. بهمچنین ارتباط و روابط ما بین شاخه های منتخب و منتخب امر تشریح کردید و جلسه ای نیز بیاد فارس امر الهی خانم گرتروود بلوم Gertrude Blum در مشرق الاذکار استرالیا بر پا گشت.

حضرات مشاورین در موقعیتی مناسب با محفل ملی استرالیا نیز ملاقات نموده. امور مختلفی نظری - روش های تبلیغی، تبلیغ دست جمعی و صیانت امرالله را مورد تعمق و مشورت قرار دادند.

قلب استرالیا در آتش :

سال ۱۹۹۲ از طرف سازمان ملل متحد بعنوان سال

الذکر اظهار علاقه به نوشتمن مقاله ای در باره مشرق الاذکار در مجلات خویش نمودند . بهمچنین گروهی از مخبرین تلویزیون از کشور آمریکا از مشرق الاذکار هند دیدار نموده و با یکی از راهنمایی روسی مشرق الاذکار مصاحبه نمودند .

در هرماه نفوس بسیاری از مقامات محلی ایالات هندوستان و همچنین روسای شرکتها از مشرق الاذکار دیدن می نمایند . اخیرا یکی از مدیران یکی از این شرکتها پس از دیدار از مشرق الاذکار از امر تجلیل بسیار بعمل آورد و پس از مدتی کوتاه به جمع مؤمنان گروید .

آسیای مرکزی :

بیش از ۶۰ نفر از جمهوری ترکمنستان در مدرسه زمستانه عشق آباد از تاریخ ۲۱ دسامبر تا ۲ ژانویه ۱۹۹۴ شرکت نمودند . مشاور قاره ای جناب افшин ، اعضای محفل منطقه ای و اعضای هیئت معاونت جزو حضار در این مدرسه بودند . برنامه اصلی مدرسه در مورد نظم اداری حضرت بهاء الله و ایجاد آمادگی برای انتخاب لیین سخل ملی ترکمنستان در رضوان استوار تبلیغی کردند و دو تغییر نامه سازمان اقتصادی اسلامی کردند .

قزاقستان :

متجاوز از ۵۰ نفر از احباب در سرت زستان آنکه Alma-Ata در قزاقستان که از ۱۴ تا ۲۰ ژانویه به مقصود مطالعه و ثمر در نظم اداری حضرت بهاء الله

کردند . در خاتمه فستیوال یکی از احباب یک قطعه کنده کاری شده را که خودش ساخته بود به پیرمردان قبیله آرتنه اهداء کرد که مورد توجه آنان قرار گرفت و آنها از اینکه بهانیان در برگزاری این فستیوال کمد های زیادی نموده اند تشکر کردند .

این فستیوال توجه مطبوعات استرالیا را بخود جلب کرد . یک ایستگاه تلویزیون استرالیا ، رادیو استرالیا ، تلویزیون و رادیو ABC و مطبوعات محلی اخبار این فستیوال را پخش کردند .

نتیجه این فستیوال شناسانی امر و فعالیت های تبلیغی مختلف بود که منجر به اقبال ۲۰ نفر و همچنین فعال شدن تعدادی از بهانیان بومی دور افتاده گردید .

هندوستان :

در ماه نوامبر نفوس بسیاری از قشراهای مختلف اجتماعی و روحانی از مشرق الاذکار هند دیدار نمودند . یک نماینده مجلس و مدیرکل سازمان توریستی از کشور فرانسه ، یک معاون وزیر از کشور رومانی ، یک معاون وزیر حمل و نقل از کشور سوریه و یک هیئت عالی رتبه در رکاب یک وزیر لسویل لو جمله بازدید کنندگان برجسته از مشرق الاذکار نیز مخبرین و نماینده کان وسائل ارتباط جمعی همیشه علاقمند به تحریر مقالات در باره این مشرق الاذکار بوده اند . چنانچه در همین ماه نوامبر یک هیئت ۶۲ نفری از کشیش‌های کاتولیکی هند که همگی سردمیران مجلات مسیحی هستند از مشرق الاذکار دیدن نمودند . پس از اتمام این دیدار دو نفر از کشیش‌های فوق

ویدیوی " حقایقی برای زندگی " که با همکاری یونیسف Unicef مقامات دولتی گینه و تشکیلات امری تهیه کشته به معرض تماشا گذاشته شد . برنامه های این کنفرانس بوسیله تلویزیون ضبط و طی چندین شب پخش گردید . جراید نیز از این کنفرانس استقبال و اخبار آنرا مندرج نمودند .

اسپانیا :

جناب آروجو Araujo که نویسنده ای مشهور و در عین حال عضو محفل روحانی ملی بزریل میباشد از هشتم تا بیست و پنجم نوامبر ۱۹۹۲ بدعوت محفل روحانی ملی اسپانیا از آن کشور دیدن نمودند . جناب آروجو در طول این سفر از ۱۴ شهر اسپانیا دیدار نموده کتاب خویش را بنام " ما از روی زمین محو میشویم " به عموم معرفی نموده به تبلیغ و انتشار امرالله پرداختند . جناب آروجو در این سفر که توسط دفتر اطلاعات عمومی جامعه بین المللی بهانی ترتیب یافته بود ۱۷ سخنرانی نموده . در ۱۹ مصاحبه رادیویی و ۵ مصاحبه تلویزیونی شرکت نموده و مقالات متعددی در روزنامه ها چاپ نمودند . از دقایق برجسته این سفر یک مصاحبه ۱۱ دقیقه ای با تلویزیون ملی TVE در مادرید بود که از طریق شبکه بین المللی در سرتاسر قاره آمریکا پخش گردید و دیگر دیدار و اجرای نطق در دو دانشگاه معتبر اسپانیا برای گزینه دویست نفر شنونده می بود .

ماحصل این اقدامات اقبال سه نفر به جرگه ایمان و عاقمندی بسیاری بامر مبارک بود .

تشکیل شده بود شرکت نمودند . جناب افشین عضو محترم هیئت مشاورین قاره آسیا - برخی اعضای هیئت معاونت - بعضی مساعدین و بسیاری از اعضای محافل روحانی محلی در اقلیم قزاقستان در این مدرسه حاضر و بر رونق جلسات افزودند . در خاتمه مدرسه ۱۸ نفر از شرکت کنندگان داوطلب انجام اسفار تبلیغی و تشویقی و کمک به ایجاد آمادگی برای انتخابات اولین محفل روحانی ملی قزاقستان در رضوان امسال گشتند .

گینه :

لجه توسعه خدمات اجتماعی - اقتصادی گینه که تحت اشراف محفل روحانی ملی گینه می باشد اخیرا کنفرانسی تحت عنوان " توسعه قابل تداوم " از بیست تا بیست و سوم ژانویه در گینه ترتیب داد که قریب ۱۸۰ نفر از ۵۰ مؤسسه غیر دولتی و بین المللی در آن شرکت نمودند . در مراسم افتتاحیه خانم گیل تی اگزیرا Gail Teixiera که وزیر بهداشت می باشد بیاناتی ایراد نمودند . جناب دکتر آلفرد تیومان Alfred Neumann که مدیر برنامه طب پیشگیری در چانشگاه کالیفرنیا می باشد از دیگر نطاق برجسته این کنفرانس بودند . سفیر ایالات متحده آمریکا و نایب سفیر چین جزو مهمانان برجسته این کنفرانس و در بسیاری از جلسات شرکت نمودند .

در این کنفرانس مطالب و مسائل مختلفی نظری پرورش اجتماعی مردمان بومی پیشرفت نسوان و توسعه منابع انسانی مورد توجه قرار گرفت و برای اولین بار

ایالات متحده آمریکا :

اولین جلسه تبلیغی بین المللی در تاریخ سی ژانویه در دفتر مرکزی بهائیان نیویورک برپا گشت . در این جلسه تبلیغی حضار با مخابرہ الکترونیکی با احبابی نقاط دیگر آمریکا - کانادا و اکواذر تماس حاصل نمودند . در این مخابرہ الکترونیکی مذاکرات بر روی صفحه عظیم دیوار مانندی چاپ میگشت . سپس عکس العمل های حضار و مردم بوسیله کامپیوتر ثبت شده و به نقاط دور دست منتقل میشد . مسائلی که در این مذاکرات و مصاحبات مورد گفتگو قرار گرفتند عبارت بودند از ارتباط تکنولوژی و روحانیت و اثر تکنولوژی جدید مخابرات در محرومان و مشکلات اجتماعی و نژادی .

راه پیمانی در آمریکا :

خانم ژانت کوستر Janet Coester در ۱۷ مارچ ۱۹۹۲ طولانی ترین راه پیمانی عمر خویش را آغاز نمودند . این راه پیمانی که به منظور ایجاد هوشیاری در خط و نگهداری محیط زیست می بود یکمل و نیم طول کشید . تمام این راه پیمانی " یک زیارت روسی " بود و مسیر آن از شهر اورس چا Orsha چا شهر کراسنوبیارسک Krasno Yarsk پر . خانم کوستر پدر بسیاری از سخنرانی های خویش که در جوامع بر سر راه انجام می شد مثال می آوردند که چگونه راه پیمانی یا استفاده از دوچرخه و یا وسایل حمل و نقل عمومی بجای اتومبیل شخصی می تواند جلوگیری موثر

از تخریب بیشتر محیط زیست نماید . ایشان در هو کجا که سمع شنوا می یافتدند به تبلیغ و انتشار **اعرضه** نیز می پرداختند .

خانم کوستر در پایان این راه پیمانی عجیب و عظیم گفتند که این تجربه بزرگی بود که چگونه انسان می تواند با بنی نوع خویش و محیط زیست خود با هماهنگی و آرامش زندگی نماید .

پرو :

بیش از ۲۲۶ نفر با مردم بارک ایمان آورده‌اند . در خلال یک پروژه تبلیغی بیش از ۲۲۶ نفر به آئین بدیع اقبال کردند . اعضاء بیش از ۲۰ مخلف محلی با کارکنان رادیو بهائی پرو در این پروژه شرکت کردند . هدف اصلی مراکز و جوامعی بود که تبلیغ مستقیم تا بحال در آن صورت نکرته بود . در حال حاضر برای تحکیم این جوامع تازه اقبال کلاسهای تزئید معلومات تأسیس شده است .

ترکیه :

سپر جمهوری یوسفی در آنکلا جو تاریخ ۱۴ زانویه سایشگاهی با تختار غاشی عالی حساب اشرف کیانو Arslan Ghezaw که از ائمه اقرب ایحان می باشد ترتیب داد . حساب اشرف در این سایشگاه صر عرضه شناسی های خویش صفت اسری نیز سودا بر اشاره به بیانات و تصویص سارک به سارک نمودند که بقرموده سارک سوم مارس شاهد بر ریاست یک شاخه‌گذار اخبار این سایشگاه از شریعتین پیش و در روزنامه ها منعکس گشت .

بنگلادش :

- (ک ۲۲) - مانند (ک ۲) صفحه ۲۲۹ و ۲۴۰
 (ک ۲۳) - مانند (ک ۲) صفحه ۱۴۱
 (ک ۲۴) - مانند (ک ۲) صفحه ۱۴۱
 (ک ۲۵) - مانند (ک ۲) صفحه ۲۱۸
 (ک ۲۶) - مانند (ک ۲) صفحه ۲۱۹
 (ک ۲۷) - مانند (ک ۲) صفحه ۲۱۹
 (ک ۲۸) - تان سند - جرج ، رسالت حضرت بهاء الله (The Mission of Baha'u'llah) انتشارات جرج رونالد ،
 [۱۹۵۲ صفحه ۱۵۴]
 (ک ۲۹) - تان سند - جرج ، سرکار آقا - حضرت عبدالبهاء (bdu'l-Baha , The Master)
 انتشارات جرج - رونالد ، ۱۹۵۷ [۷۲ صفحه]
 (ک ۳۰) - تان سند - جرج موعد کل اعصار (The Promise of All ages) ۱۹۲۴ [۱۸۰ صفحه] ،
 چاپهای بعدی : ۱۹۴۰ - ۱۹۴۸ - ۱۹۵۷ - ۱۹۶۱ - ۱۹۷۲ .
 (ک ۳۱) - الف) - باليوزي - حسن موقر، بهاء الله مس حقیقت ، ترجمه از انگلیسي ، مینو ثابت ، انتشارات جرج رونالد ،
 [۱۹۸۹ صفحه ۴۷۶]
 (ک ۳۲) - ب) براون - ادوارد [ترجمه] Browne - E.G
 مقاله شخص سیاح * از حضرت عبدالبهاء (A traveller's Narrators) کمربیج ۱۹۸۱ جلد دوم ، صفحه ۲۹ و ۴۰
 (ک ۳۳) - تان سند ، جرج ، قلب انجیل
 (ک ۳۴) - The Heart of the Gospel (لندن ، ۱۹۲۹) ۱۵۸
 (ک ۳۵) - حضرت بهاء الله ، کتاب ایقان ، چاپ مصر ، ۱۹۲۴ ، صفحه ۷۴
 (ک ۳۶) - عهد جدید ، انجیل یوحنا ، فصل هشتم - آیه ۵۶
 (ک ۳۷) - تان سند ، جرج ، مسیح و بهاء الله Christ and Baha'u'llah انتشارات جرج - رونالد ، ۱۹۵۷ [۱۱۶ صفحه]
 (ک ۳۸) - مانند (ک ۲۵) صفحه ۱۱
 (ک ۳۹) - حضرت بهاء الله ، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ، مؤسسه مطبوعات بهائی آلمان ، ۱۹۸۴ قسمت ۲۶ صفحه ۲۶
 (ک ۴۰) - عهد عتیق - سفر پیدایش - فصل هفدهم - آیه ۴۰
 (ک ۴۱) - وات هد - از (o.z.) Whitehead بعضی از بهائیان اولیه غرب ،
 (Some Early Bahais of the West) - انتشارات جرج - رونالد ، ۱۹۷۶ ، صفحه ۱۹۷ تا ۲۱۴ [فصل جرج تان سند]

جامعه بهائی کولنا Khulna بمناسبت سالروز تولد حضرت بهاء الله سینیاری در باره صلح عمومی در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۹۲ بربا نمودند . خانم مژکان بهار عضو محترم هیئت معاونت در قاره آسیا در مورد خلع سلاح و صلح عمومی صحبت نموده و یادآور گشتند که چگونه علی رغم پیشرفت عظیم مادی حاصله در این قرن ، فساد و تباہی و اختلاف باوج خویش رسیده - چگونه هر روز هزاران نفر از کرسنگی فنا میشوند در حالیکه در بسیاری از مناطق دیگر غذا معدوم میگردد و یا چگونه تعصبات نژادی باعث میشود که انسان بنی نع خویش را فقط از جهت ظاهر و رنگ و رو بستجد و بشناسد .

بقیه از صفحه ۷

- ۱۰۲ - آخرین تعقیب قانونی در جولای ۱۹۷۷ در مورد یکی از روزنامه نگاران انگلیسی که به حضرت مسیح اتهاماتی ناروا زده بود به عمل آمد .

The Bishop of Killaloe - ۱۰۵

- ۱۰۶ - جرج رونالد [نام مؤسسه نشر کتاب در آکسفورد است که به همت آقای دیوید هوفن در سال ۱۹۴۷ تأسیس شده و امروزه از بزرگترین ناشران آثار بهائی به زبان انگلیسی است .

The Splendour of christ - ۱۰۷

- ۱۰۸ - در سال ۶۲۸ میلادی سلسله تانگ (Tang) در چین حکومت میکرد .

Gerbert - ۱۱۰ Cordoba - ۱۱۹

Northern Argus - ۱۱۲ Pope Sylvester 2 - ۱۱۱

کتاب شناسی

- (ک ۲۲) - مانند (ک ۲) صفحه ۲۵۲ و ۲۵۸

أخبار مصور

شماره ۲۱۰-۲ بتاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۹۴

اعضا، بیت العدل اعظم اندکی بعد از آغاز ریختن بنای مقام دارالتحقيق از پیشرفت عملیات ساختانی کوه کرمل بازدید بعمل میآوردند .



ایادیان امراهه جناب علی اکبر فروتن و دکتر علیمحمد ورقا به اتفاق مشاورین اعضاء دارالتبیغ بین المللی، از بالا سمت چپ: جناب شاپور منجم، جناب فرد شکتر، ردیف دوم از چپ - سرکار خانم جون لینکلن، سرکار خانم لورتا کینگ، جناب دونالد راجرز، جناب کاپر بارنز و جناب هارمون گروسمن، ردیف جلو از چپ خانم جوی استیونسن، ایادی امراهه جناب علی اکبر فروتن و جناب علیمحمد ورقا و سرکار خانم کیمیکو شورین .

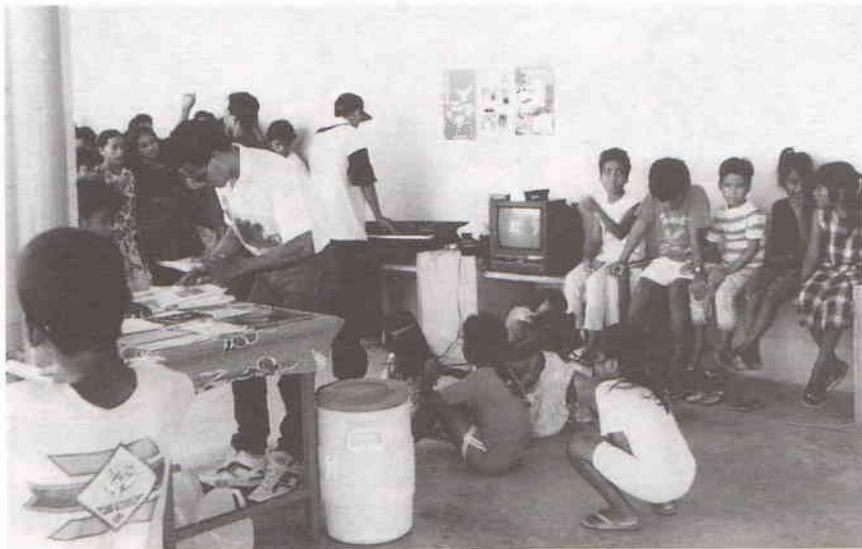


در این عکس که بتاریخ ۱۲ ژانویه برداشته شده اعضای بیت العدل بهمراهی جناب صهبا، طراح و مدیر پروژه های تراس های مقام اعلی از پیشرفت ساختانهای تراسها بازدید مینمایند .

در هندوستان دو نفر دندان پزشک بهانی دکتر ب داؤست از بلژیک دکتر ۱ - فرید از هنگری و یکنفر معاون دندانپزشک و آقای ه - استروبل از استرالیا تعداد هفتصد نفر از اهالی دهکده های مادهایا پرداش را مورد معاینه و درمان قرار دادند.



در جزایر مارشال جوانان استرالیا بعد از پایان سمپوزیوم جوانان در ماجورو در یک پروردگار تبلیغی که در اواخر ماه جولای ۹۲ برگزار شد شرکت نمودند



در مکریک موسسه مطبوعات بهانی از طرف محفل روحانی ملی آن کشور در یک نمایشگاه جهانی کتاب که از ۲۵ نوامبر تا ۵ دسامبر در شهر کوادلاخرا منعقد بود شرکت نمود.





جوانان بهائی در یوگاندا در مراسمی که بمناسبت افتتاح شبه جدید کروهی بنام "اهتمام زنان یوگاندا برای نجات یتیمان" در اکتبر سال ۹۲ صورت گرفت شرکت نمودند. علیا حضرت ژانت موسونی Janet Museveni نیز در این مراسم حضور داشتند. شعار "آن طفل را دوست بدار: دیانت بهائی" بر روی پرچم بالا دیده میشود.



در یک پروردگار تبلیغی که بمدت یک هفته در یکی از اردوهای پناهندگان لیبریان واقع در سیرالیون اجرا گردید ۵۰ نفر به امر مبارک ایمان آوردند. در این عکس عده‌ای از جوانان و اطفالی که در اردو شرکت کرده بودند دیده میشوند.



شرکت کنندگان در برنامه "استفاده از سنتهای ملی برای تحول" در کامرون با اجرای آنگهای سنتی و نایشنامه‌های کوچک، حاضرین را برای بحث در مورد نقش نسوان در امور دهکده آماده میسازند.

عضو هیئت مشاورت ، سرکارخانم زینا سرابجی بمدت سه روز در ماه دسامبر از مملکت نپال دیدن مینمایند . در این عکس از سمت چپ ، ناظم محفل روحانی ملی جناب بارات کویرلا ، سرکارخانم سرابجی ، نخست وزیر مملکت جناب کریجا پارساد کویرلا ، و منشی محفل ملی سرکارخانم دکتر پنی واکر دیده میشوند .



اعضاء کروه کر بهانی در سالن نویسنده‌گان در شهر کیو در اوکراین برنامه اجراء مینمایند . در طول اقامت ۱۴ روزه خود کروه کر به نقاط مختلف روسیه ، مولدوا و اوکراین مسافت نمودند .

احبای شهر مانس واقع در بلژیک بیش از پانصد و پنجاه نفر اطفال مدارس مختلفه را در میدان اصلی شهر روز ۹ دسامبر جمع کرده تا بادکنک هایی را که مزین به شعار " عالم یک وطن محسوب و من علی الارض اهل آن " بود به آسمان رها کنند .





'ANDALÍB



عده‌ای از اجنبی‌ای قدیم همدان

از راست پنجم رویی ایساوه: ۱- احمد عدیه ۲- علیخان فیروز ۳- یعقوب عدیه ۴- شناخته نشده ۵- ایوب رفت
رویی نشسته: ۱- ناطق «بلع» ۲- عباس بیک مشتاق امزاج‌دی ۳- شناخته نشده ۴- حاجی یونس حافظی ۵- حاجی یوسو
ع- شناخته نشده ۷- آزاده ۸- حاجی محمدی ارجمند
رویی نشسته روی زین: ۱- شناخته نشده ۲- سلطان صلاله عینی ۳- شناخته نشده ۴- شناخته نشده